



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir

عزای فاطمی

در گذر زمان

مهدی آخابایی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

عزای فاطمی در گذر زمان

نویسنده:

مهدی آقابائی

ناشر چاپی:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

فهرست

فهرست	۵
عزای فاطمی در گذر زمان	۹
مشخصات کتاب	۹
تقدیم:	۹
فهرست	۱۸
مقدمه	۲۵
فصل اول: اسناد مرتبط با معصومین (علیهم السلام)	۲۹
اسناد مرتبط با معصومین (علیهم السلام)	۲۹
۱. جریان مصائب و شهادت حضرت زهرا (سلام الله علیها) در معراج	۳۱
۲. گریه رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) زمانی که شهادت حضرت زهرا (سلام الله علیها) را پیش بینی کردند	۳۲
۳: امانت رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم)	۳۲
۴: گریه رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) هنگام تقسیم حنوط بهشتی	۳۵
۵: گریه رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) هنگام دیدن پنج تن آل عبا	۳۵
۶. گریه رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) در هنگام صرف غذا، برای شهادت حضرت زهرا (سلام الله علیها)	۳۸
۷. گریه رسول الله (صلی الله علیه و آله وسلم) هنگام رحلتشان برای شهادت حضرت زهرا (سلام الله علیها)	۳۹
۸. گریه پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) و جبرئیل بر مصائب حضرت زهرا (سلام الله علیها)	۴۱
۹. گریه حضرت علی (علیه السلام) بر اثر مشاهده آثار سیلی	۴۵
۱۰. گریه حضرت علی (علیه السلام) در ایام بیماری حضرت زهرا (سلام الله علیها) موقعی که سخن از فراق و جدایی شنیدند	۴۵
۱۱. جزع امیرالمؤمنین (علیه السلام) هنگام وصیت کردن حضرت زهرا (سلام الله علیها)	۵۷
۱۲. گریه های حضرت زینب (سلام الله علیها)	۵۸
۱۳. گریه حسنین C هنگامی که شنیدند هاتفی ندا داد: یتیمان فاطمه (سلام الله علیها) آمدند	۵۹
۱۴. گریه اسماء موقعی که دیدند حضرت زهرا (سلام الله علیها) از دنیا رفتند	۶۲
۱۵. گریه حسنین (علیهما السلام) وقتی از اسماء شنیدند گفت: مادران از دنیا رفت	۶۳
۱۶. گریه حسنین (علیهما السلام) وقتی که خبر شهادت مادرشان را به حضرت علی (علیه السلام) دادند	۶۴

۱۷. حضرت علی(علیه السلام) هنگامی که شنیدند همسرشان از دنیا رفته اند شعری خواندند که زمین و آسمان را به گریه در آورد. ----- ۶۴
۱۸. فرمایش امیرالمؤمنین (علیه السلام) هنگام شهادت حضرت زهرا (سلام الله علیها) ----- ۶۵
۱۹. گریهٔ حسنین(علیهما السلام) بعد از غسل و کفن نمودن حضرت زهرا (سلام الله علیها) ----- ۶۵
۲۰. گریه امیرالمؤمنین (علیه السلام) در هنگام غسل حضرت زهرا (سلام الله علیها) ----- ۶۷
۲۱. گریهٔ ملائک آسمان به خاطر گریه حسنین(علیهما السلام) ----- ۶۹
۲۲. گریه امیرالمؤمنین (علیه السلام) بعد از دفن حضرت زهرا (سلام الله علیها) و خواندن اشعاری درباره ایشان ----- ۷۱
۲۳. اشعار و مرثیه های حضرت علی(علیه السلام) در کنار قبر همسر بزرگوارشان و جواب دادن آن حضرت از طرف حضرت زهرا (سلام الله علیها) ----- ۷۵
۲۴. به لرزه در آمدن شهر مدینه از گریه مردم در اثر شهادت حضرت زهرا (سلام الله علیها) ----- ۷۷
۲۵. برگزاری مراسم عزاداری توسط امیرالمؤمنین(علیه السلام) برای حضرت زهرا (سلام الله علیها) ----- ۷۷
۲۶. گریه های دائمی امیرالمؤمنین(علیه السلام) در شهادت فاطمه (سلام الله علیها) ----- ۷۸
۲۷. عایشه در عزای حضرت زهرا (سلام الله علیها) شرکت نکرد ----- ۸۱
۲۸. گریه و بی تابی حضرت ام کلثوم (سلام الله علیها) در عزای مادرشان ----- ۸۲
۲۹. گریه عمار وقتی مشاهده کردند حضرت علی و حسنین(علیهم السلام) محزون و گریانند ----- ۸۳
۳۰. جریان مقدار و کتک خوردن او از عمر و ذکر مصائب حضرت زهرا (سلام الله علیها) ----- ۸۵
۳۱. گریهٔ امیرالمؤمنین(علیه السلام) وقتی از و پرسیدند : چرا عمر از قنفذ مالیات نگرفت ؟ ----- ۸۷
۳۲. گریهٔ امیرالمؤمنین(علیه السلام) وقتی شنید که قاتل همسرش به قتل رسید ----- ۸۸
- ماجرای کوچک ----- ۸۹
- نفرین حضرت زهرا (سلام الله علیها) بر عمر ----- ۹۰
۳۳. کلمات امام حسن مجتبی(علیه السلام) به مغیره ----- ۹۱
۳۴. بیان مصائب حضرت زهرا (سلام الله علیها) توسط فضه خادمه در مکه مکرمه به ورقه بن عبدالله ----- ۹۱
۳۵. توسل امام باقر (علیه السلام) به ----- ۱۰۶
۳۶. یادآوری و ذکر مصیبت حضرت زهرا (سلام الله علیها) در زمان امام صادق (علیه السلام) ----- ۱۰۷
۳۷. گریهٔ طولانی امام صادق(علیه السلام) در عزای مادرش فاطمه زهرا (سلام الله علیها) ----- ۱۰۸
۳۸. مادرم فاطمه (سلام الله علیها) در اثر ضربه های قنفذ به شهادت رسیدند ----- ۱۱۲
۳۹. امام کاظم (علیه السلام) و یاد مادر (سلام الله علیها) ----- ۱۱۲
۴۰. گریه طولانی امام کاظم(علیه السلام) در هنگام نقل حدیث « أَلَا إِنَّ فَاطِمَةَ بَائِبًا بَابِي » ----- ۱۱۳

- ۴۱ . توسل امام کاظم (علیه السلام) به مادرشان حضرت زهرا (سلام الله علیها) ----- ۱۱۴
- ۴۲ . امام جواد(علیه السلام) فرمودند : به یاد مادرم فاطمه (سلام الله علیها) و ستم هایی که بر او رفت افتادم ... ----- ۱۱۵
- ۴۳ . امام جواد (علیه السلام) و گریه بر مادر (سلام الله علیها) ----- ۱۱۶
- ۴۴ . حضرت ولی عصر \bar{Y} و یاد مظلومیت مادرشان ----- ۱۱۶
- ۴۵ . گریه شدید امام زمان \bar{Y} ----- ۱۱۷
- ۴۶ . نخستین حکم در قیامت ----- ۱۱۸
- ۴۷ . عزای فاطمی در قیامت ----- ۱۱۸
- ۴۸ . گریه ملائکه و حاملین عرش الهی و اهل دنیا ----- ۱۱۹
- فصل دوم : اسناد مرتبط با غیر معصومین (علیهم السلام) ----- ۱۲۱
- اسناد مرتبط با غیر معصومین (علیهم السلام) ----- ۱۲۱
- ۱ : شاذان بن جبرئیل (از علمای قرن ششم) ----- ۱۲۳
- ۲ : توسعه عزاداری از قرن سوم به بعد ----- ۱۲۴
- ۳ : گفته های قاضی عبدالجبار معتزلی (م ۴۱۵ قمری، از متکلمین اهل سنت) ----- ۱۲۵
- ۴ : تشکیل انجمن ها جهت فضائل اهل البیت(علیهم السلام) ----- ۱۲۸
- ۵ . خواندن حدیث فدک در حرم حضرت موسی بن جعفر(علیهما السلام) ----- ۱۲۸
- ۶ : ابن حجر عسقلانی (متوفای ۸۵۲ قمری/ از علمای اهل سنت) ----- ۱۲۹
- ۷ : سندی موجود در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران به شماره ثبت ۸۲۵۵. ----- ۱۳۰
- ۸ : علنی شدن و رونق گرفتن مراسم عزاداری ----- ۱۳۱
- ۹ : سند موجود در کتابخانه آستان قدس رضوی به شماره ۱۶۸۹۹ ----- ۱۳۲
- ۱۰ : سند دیگر، وقف نامه غلامحسین خان عامری سردار مجلل ----- ۱۳۲
- فصل سوم: یکپزار و چهارصدمین سال ----- ۱۳۳
- شهادت حضرت زهرا (سلام الله علیها) ----- ۱۳۳
- اقدامات مرحوم آیه الله العظمی گلپایگانی(رحمه الله علیه) ----- ۱۳۷
- اطلاعیه مهم و تاریخی آیه الله العظمی گلپایگانی درباره چهاردهمین قرن شهادت حضرت زهرا (سلام الله علیها) ----- ۱۳۸
- متن نامه مجتهدین و مدرسین اصفهان ----- ۱۴۲
- چند نکته مهم درباره عزاداری بر حضرت زهرا(سلام الله علیها) ----- ۱۴۳

- ۱۴۶ - اقدامات آیت الله العظمی تبریزی (رحمه الله عليه)
- ۱۵۰ - اقدام آیت الله العظمی وحید خراسانی (علیه حفظه الله) برای تعطیلی سالروز شهادت حضرت زهرا (سلام الله علیها)
- ۱۵۲ - آیت الله العظمی مرحوم حاج شیخ محمد فاضل لنکرانی (رحمه الله عليه)
- ۱۵۲ - پیام به مناسبت ایام فاطمیه
- ۱۵۴ - برکات فاطمیه
- ۱۵۵ - سفرهای تبلیغی برای بزرگداشت فاطمیه
- ۱۵۶ - کاروان های عزاداری در ایام فاطمیه
- ۱۶۰ - ادامه سفرهای عزاداری فاطمیه
- ۱۶۱ - فاطمیه ۱۴۴۲ قمری
- ۱۶۲ - فرازهایی از اطلاعیه آیه الله العظمی صافی گلپایگانی (رحمه الله عليه) به مناسبت ایام جانسوز فاطمیه ۱۴۴۲ ق
- ۱۶۴ - منابع و مآخذ
- ۱۷۱ - درباره مرکز

عزای فاطمی در گذر زمان

مشخصات کتاب

عزای فاطمی در گذر زمان

نویسنده: مهدی آقابابایی

چاپ: اول. فاطمیه 1444 قمری / زمستان 1401 شمسی

صفحه آرای و حروف چینی: مهدی آقابابایی

شمارگان: 500 نسخه

شابک: 0-10-5985-622-978

قیمت: 60000 تومان

ص: 1

تقدیم:

برای همه ما **برای همه ما** پهلوشکسته‌ایم من اچیه‌های مادر پهلوشکسته‌ایم.

به پیشگاه با عظمت و ملکوتی :

پیامبر اعظم

حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه و آله وسلم

و

مدافع حریم ولایت و شهیده راه امامت

صدیقه شهیده ، حضرت فاطمه زهرا علیها السلام

و

اول مظلوم عالم

امیرالمؤمنین علیه السلام

و

منتقم آن بزرگواران

حضرت بقیة الله الاعظم عجل الله تعالى فرجه الشريف

و

تمامی مدافعان حضرت زهرا علیها السلام

ص: 2

عزای فاطمی در گذر زمان

مهدی آقابابایی

ص: 3

عزای فاطمی در گذر زمان

نویسنده: مهدی آقابابایی

انتشارات:

چاپ: اول. فاطمیه 1444 قمری / زمستان 1401 شمسی

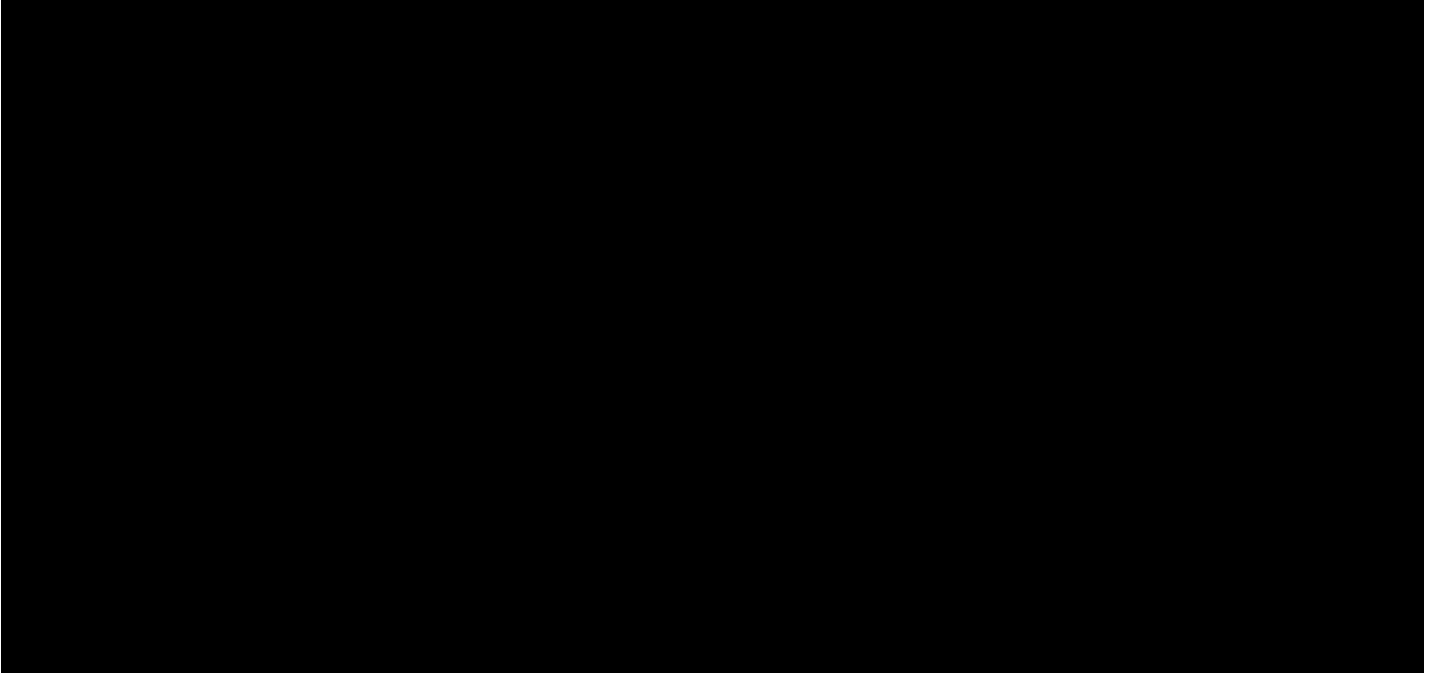
صفحه آرابی و حروف چینی: مهدی آقابابایی

شمارگان: 500 نسخه

شابک: 0-10-5985-622-978

قیمت: 60000 تومان

ص: 4



امیرالمؤمنین علیه السلام می فرماید :

بسیار می شد رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم وقتی به امیرمؤمنان، صدیقه کبری، امام حسن، امام حسین علیهم السلام نگاه می کردند می گریستند. وقتی از سبب گریه آن حضرت می پرسیدند، می فرمودند:

أَبْكِي مِنْ ضَرْبَتِكَ عَلَى الْقُرْنِ وَ لَطْمِ فَاطِمَةَ خَدَّهَا وَ طَعْنِ الْحَسَنِ فِي فَخِذِهِ وَ السَّمِّ الَّذِي يُسْقَاهُ وَ قَتْلِ الْحُسَيْنِ؛

از ضربت شمشیری که بر سر علی علیه السلام وارد می شود، سیلی ای که به صورت فاطمه سلام الله علیها می خورد، نیزه ای که به ران امام حسن علیه السلام می زند و سمی که به او می خوراندند و از کشتن امام حسین علیه السلام گریه می کنم.

امالی، شیخ صدوق، ص 134، مجلس 28

مناقب بن شهر آشوب، ج 2، ص 209.

ص: 6

حضرت فاطمه زهرا سلام الله عليها در حق شیعیان و پیروان اهل بیت علیهم السلام این گونه دعا فرموده اند:

«إلهي وَ سَيِّدِي أَسْأَلُكَ بِالَّذِينَ اصْطَفَيْتَهُمْ وَ بِبُكَاءِ وَلَدِي فِي مُفَارَقَتِي أَنْ تُغْفِرَ لِعَصَاةِ شِيعَتِي وَ شِيعَةِ ذُرِّيَّتِي»

خداوند به حق اولیا و مقربانی که آنها را برگزیدی و به گریه های فرزندانم پس از مرگ و جدایی من با ایشان، از تو می خواهم گناه خطاکاران شیعیان و پیروان ما را ببخشی .

کوکب الدرر، ج 1 ، ص 254 .

ص: 7

امیرالمؤمنین علیه السلام رو به سوی قبر مبارک پیغمبر صلی الله علیه و آله وسلم کرد و فرمود :

... أَمَّا حُزْنِي فَسَرْمَدٌ وَأَمَّا لَيْلِي فَمُسَهَّدٌ وَهَمٌّ لَا يَبْرُحُ مِنْ قَلْبِي أَوْ يَخْتَارَ اللَّهُ لِي دَارَكَ الَّتِي أَنْتَ فِيهَا مُقِيمٌ؛

اندوهم همیشه‌گی باشد و شبنم در بی خوابی گذرد و غم پیوسته در دل است، تا خدا خانه ای را که تو در آن اقامت داری برایم برگزیند، (بمیرم و به تو ملحق شوم).

کافی، ج 1، ص 459.

ص: 8

سابقه 1400 ساله عزاداری فاطمیه. 15

فصل اول: اسناد مرتبط با معصومین (علیهم السلام).. 19

1. جریان مصائب و شهادت حضرت زهرا (سلام الله علیها) در معراج.. 21
2. گریه رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) زمانی که شهادت حضرت زهرا (سلام الله علیها) را پیش بینی کردند... 22
- 3: امانت رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم)... 22
- 4: گریه رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) هنگام تقسیم حنوط بهشتی.. 25
- 5: گریه رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) هنگام دیدن پنج تن آل عبا 25
6. گریه رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) در هنگام صرف غذا 28
7. گریه رسول الله (صلی الله علیه و آله وسلم) هنگام رحلتشان برای شهادت حضرت زهرا (سلام الله علیها)... 29
- 8 . گریه پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) و جبرئیل بر مصائب حضرت زهرا (سلام الله علیها)... 31
9. گریه حضرت علی (علیه السلام) بر اثر مشاهده آثار سیلی... 35
10. گریه حضرت علی (علیه السلام) در ایام بیماری حضرت زهرا (سلام الله علیها) موقعی که سخن از فراق و جدایی شنیدند 35
- 11 . جزع امیرالمؤمنین (علیه السلام) هنگام وصیت کردن حضرت زهرا (سلام الله علیها)... 47
- 12 . گریه های حضرت زینب (سلام الله علیها)... 48
- 13 . گریه حسنین c هنگامی که شنیدند هاتقی ندا داد : یتیمان فاطمه (سلام الله علیها) آمدند 49
- 14 . گریه اسماء موقعی که دیدند حضرت زهرا (سلام الله علیها) از دنیا رفتند... 52
- 15 . گریه حسنین (علیهما السلام) وقتی از اسماء شنیدند گفت : مادران از دنیا رفت... 53

16 . گریه حسنین (علیهما السلام) وقتی که خبر شهادت مادرشان را

به حضرت علی (علیه السلام) دادند.. 54

17 . حضرت علی (علیه السلام) هنگامی که شنیدند همسرشان از دنیا رفته‌اند شعری خواندند که زمین و آسمان را به گریه در آورد. 54

18 . فرمایش امیرالمؤمنین (علیه السلام) هنگام شهادت حضرت زهرا (سلام الله علیها)... 55

19 . گریه حسنین (علیهما السلام) بعد از غسل و کفن نمودن حضرت زهرا (سلام الله علیها)... 55

20 . گریه امیرالمؤمنین (علیه السلام) در هنگام غسل حضرت زهرا (سلام الله علیها)... 57

21 . گریه ملائک آسمان به خاطر گریه حسنین (علیهما السلام)... 59

22 . گریه امیرالمؤمنین (علیه السلام) بعد از دفن حضرت زهرا (سلام الله علیها).. 61

23 . اشعار و مرثیه‌های حضرت علی (علیه السلام) در کنار قبر همسر بزرگوارشان و جواب دادن آن حضرت از طرف حضرت زهرا (سلام الله علیها) 65

24 . به لرزه در آمدن شهر مدینه از گریه مردم در شهادت حضرت زهرا (سلام الله علیها)... 67

25 . برگزاری مراسم عزاداری توسط امیرالمؤمنین (علیه السلام) برای حضرت زهرا (سلام الله علیها)... 67

26 . گریه های دائمی امیرالمؤمنین (علیه السلام) در شهادت فاطمه (سلام الله علیها)... 68

27 . عایشه در عزای حضرت زهرا (سلام الله علیها) شرکت نکرد. 71

28 . گریه و بی تابی حضرت ام کلثوم (سلام الله علیها) در عزای مادرشان.. 72

29 . گریه عمار وقتی مشاهده کردند حضرت علی و حسنین b محزون و گریانند 73

30 . جریان مقدار و کتک خوردن او از عمر و ذکر مصائب حضرت زهرا (سلام الله علیها)... 75

31 . گریه امیرالمؤمنین (علیه السلام) وقتی از و پرسیدند : چرا عمر از قنفذ مالیات نگرفت ؟. 77

32 . گریه امیرالمؤمنین (علیه السلام) وقتی شنید که قاتل همسرش به قتل رسید.. 78

ماجرای کوچه. 79

تفرین حضرت زهرا (سلام الله علیها) بر عمر. 80

33 . کلمات امام حسن مجتبی (علیه السلام) به مغیره. 81

34 . بیان مصائب حضرت زهرا (سلام الله علیها) توسط فضّه خادمه در مکه مکرمه به ورقه بن عبدالله 81

35 . توسل امام باقر (علیه السلام) به مادرشان حضرت زهرا (سلام الله علیها)... 96

36 . یادآوری و ذکر مصیبت حضرت زهرا (سلام الله علیها) در زمان امام صادق (علیه السلام)... 97

37 . گریه طولانی امام صادق (علیه السلام) در عزای مادرش فاطمه زهرا (سلام الله علیها)... 98

38 . مادرم فاطمه (سلام الله علیها) در اثر ضربه های قنذ به شهادت رسیدند... 102

39 . امام کاظم (علیه السلام) و یاد مادر (سلام الله علیها)... 102

40 . گریه طولانی امام کاظم (علیه السلام) در هنگام نقل حدیث... 103

41 . توسل امام کاظم (علیه السلام) به مادرشان حضرت زهرا (سلام الله علیها)... 104

42 . امام جواد (علیه السلام) فرمودند : به یاد مادرم فاطمه (سلام الله علیها) و ستم هایی که بر او رفت افتادم ... 105

43 . امام جواد (علیه السلام) و گریه بر مادر (سلام الله علیها)... 106

44 . حضرت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و یاد مظلومیت مادرشان.. 106

45 . گریه شدید امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف)... 107

46 . نخستین حکم در قیامت... 108

47 . عزای فاطمی در قیامت... 108

48 . گریه ملائکه و حاملین عرش الهی و اهل دنیا. 109

فصل دوم : اسناد مرتبط با غیر معصومین (علیهم السلام).. 111

1 : شاذان بن جبرئیل (از علمای قرن ششم). 113

2 : توسعه عزاداری از قرن سوم به بعد. 114

3 : گفته های قاضی عبدالجبار معتزلی (از متکلمین اهل سنت). 115

- 4: تشکیل انجمن ها جهت فضائل اهل البيت(عليهم السلام).. 118
5. خواندن حدیث فدک در حرم حضرت موسی بن جعفر(علیهما السلام)... 118
- 6: ابن حجر عسقلانی (متوفای 852قمری/ از علمای اهل سنت). 119
- 7: سندی موجود در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران.. 120
- 8: علنی شدن و رونق گرفتن مراسم عزاداری.. 121
- 9: سند موجود در کتابخانه آستان قدس رضوی به شماره 16899. 122
- 10: سند دیگر، وقف نامه غلامحسین خان عامری سردار مجلل.. 122
- فصل سوم: یکهزار و چهارصدمین سال.. 123
- شهادت حضرت زهرا (سلام الله علیها). 123
- اقدامات مرحوم آیه الله العظمی گلپایگانی (رحمه الله علیه).. 127
- اطلاعیه مهم و تاریخی آیه الله العظمی گلپایگانی درباره چهاردهمین قرن شهادت حضرت زهرا (سلام الله علیها) 128
- چند نکته مهم درباره عزاداری بر حضرت زهرا(سلام الله علیها) 133
- اقدامات آیت الله العظمی تبریزی (رحمه الله علیه)... 136
- برای دفاع از مظلومیت حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) هر کاری که بتوانیم ، باید انجام دهیم 136
- با قلبی مطمئن به سوی پروردگار سفر می کنم. 137
- بگذار پاهایم برای مظلومیت حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) بسوزد. 137
- انحراف چشم مرحوم میرزا (رحمه الله علیه)دلیل گریه فراوان در ایام فاطمیه 139
- اقدام آیت الله العظمی وحید خراسانی (علیه حفظه الله) برای تعطیلی سالروز شهادت حضرت زهرا (سلام الله علیها) 140
- دسته عزاداری با پای برهنه. 141
- اطلاعیه ای تاریخی و هدایتگر. 141

آیت الله العظمی مرحوم حاج شیخ محمد فاضل لنکرانی (رحمه الله علیه) ... 142

پیام به مناسبت ایام فاطمیّه 142

برکات فاطمیّه. 144

سفرهای تبلیغی برای بزرگداشت فاطمیّه. 145

کاروان های عزاداری در ایام فاطمیّه. 146

ادامه سفرهای عزاداری فاطمیّه. 150

فاطمیه 1442 قمری.. 151

فرازهایی از اطلاعیه آیه الله العظمی صافی گلپایگانی (رحمه الله علیه) به مناسبت ایام جانسوز فاطمیّه 1442 ق 152

منابع و مآخذ.. 154

ص: 13

سابقه 1400 ساله عزاداری فاطمیه

عزاداری شافعه محشر، حضرت فاطمه زهرا(سلام الله علیها)، تاریخچه ای به بلندای تاریخ شیعه دارد و با وجود اینکه نسبت به عزاداری محرم، حساسیت بسیار بیشتری در مقابل اهل سنت دارد، لیکن همیشه در سراسر ممالک اسلامی برگزار می شده است.

در طول تاریخ، شواهد زیادی از عزاداری اهل بیت(علیهم السلام) و علمای شیعه برای شهادت صدیقه کبری(سلام الله علیها) داریم، این مسئله واضح است که به علت تقیه شدید شیعه در زمینه فاطمیه و خلفا، این عزاداری به اندازه عزاداری محرم بزرگ و علنی نبوده است و شدت و حدت آن به مراتب از عزاداری در محرم کمتر بوده است؛ زیرا اکثر حکومت های جهان اسلام، در دست اهل سنت بوده و به شدت، با عزاداری و ذکر فاطمیه و حتی بردن نام حضرت زهرا(سلام الله علیها) مخالفت می شده است!

یک نمونه از این وقایع، حدیثی است که عالم بزرگوار محمد بن المشهدی(رحمه الله علیه) در کتابش نقل می کند:

بشار مکاری گفت: در کوفه خدمت حضرت صادق(علیه السلام) رسیدم. (1) خدمت آن جناب ظرفی از خرمای طبرزد(2) بود که میل می نمود.

ص: 15

1- . لازم به ذکر است که امام صادق(علیه السلام) چندین بار توسط منصور دوانیقی، از مدینه تبعید شدند؛ و این جریان در زمانی اتفاق افتاد که حضرت در کوفه تبعید بوده اند.

2- . این خرما را به دلیل شیرینی زیاد به شکر طبرزد تشبیه کرده اند.

فرمود: ای بشار! نزدیک شو و از این خرما بخور. عرض کردم: گوارا باد فدایت شوم چیزی در بین راه دیدم که سخت ناراحتم، و دلم را به درد آورده و تأثیر زیادی در من کرده است. فرمود: تو را به حقی که برگردنت دارم جلو بیا و از این خرما بخور.

پیش رفته شروع به خوردن نمودم.

فرمود: چه دیده بودی؟

گفتم: در بین راه پاسبانی را دیدم که بر سر زنی می زد و او را به سوی زندان می برد او با صدای بلند می گفت: پناه به خدا و پیامبر می برم به فریادم برسید هیچ کس به داد او نرسید.

فرمود: برای چه او را چنین می زدند؟ گفتم:

از مردم شنیدم که آن زن به زمین خورده در این موقع گفته بود: «خدا لعنت کند ظالمین تو را ای فاطمه زهرا» این آزار و شکنجه برای همان حرف بوده: امام دست از خوردن کشید شروع کرد زار زار به گریستن به طوری که دستمال و محاسن و سینه اش از اشک تر شد. فرمود: بشار! حرکت کن برویم به مسجد سهله دعا کنیم و از خداوند عزیز خلاصی آن زن را بخواهیم، امام یکی از شیعیان را فرستاد به دارالاماره، و فرمود: از همان جا تکان نمی خوری تا فرستاده ما بیاید اگر پیش - آمدی برای آن زن کرد می آیی و ما را پیدا می کنی. رفتیم به مسجد سهله هر کدام دو رکعت نماز خواندیم آنگاه امام صادق (علیه السلام) دست به آسمان بلند نموده این دعا را خواند: «انت الله لا اله الا انت تا آخر دعا» بعد از دعا به سجده رفت که من جز صدای

نفس آقا چیزی نمی شنیدم. سر بلند نموده فرمود: حرکت کن که زن را آزاد کردند.

از مسجد خارج شدیم در بین راه آن مردی که فرستاده بود به دار الاماره رسید امام (علیه السلام) پرسید چه خبر شد؟

گفت: آزادش کردند؟

فرمود: چطور شد که آزادش کردند؟

گفت: من نفهمیدم ولی درب دار الاماره ایستاده بودم يك نفر دربان آمد و او را خواست گفت: چه گفته بودی؟ جواب داد: من به زمین خوردم گفتم: «خدا لعنت کند ظالمین تو را یا فاطمه» مرا چنین آزدند، دویست درهم به او داد گفت؟ این پول را بگیر و امیر را حلال کن. ولی آن پیره زن نگرفت وقتی دید از گرفتن پول امتناع دارد به امیر خبر داد بعد بیرون آمده گفت: برو به منزلت. پیره زن به منزلش رفت.

امام (علیه السلام) فرمود: از گرفتن دویست درهم خود داری کرد؟

گفت: آری، با اینکه به خدا به آن پول احتیاج داشت. امام از جیب خود هفت دینار بیرون آورده فرمود: این پول را ببر منزلش و سلام مرا به او برسان به او بده.

ما با هم رفتیم در خانه او و سلام امام را رساندیم. گفت: به خدا قسم جعفر بن محمد (علیهما السلام) به من سلام رسانده؟ گفتم: خدا تو را بیامرزد به خدا سوگند! جعفر بن محمد (علیهما السلام) سلام به تو رساند دست برد گریبان خود را چاک زده بیهوش گردید.

ایستادیم تا به هوش آمد گفت: سخن امام را برایم دو مرتبه بگویید. تکرار کردیم تا سه مرتبه این کار را کرد بعد گفتیم: بگیر این پول را امام(علیه السلام) برایت فرستاده، مژده باد تو را. پول را گرفت و گفت: به امام(علیه السلام) بگویید از خدا بخواهد این کنیزش را ببخشد کسی از او و آباء گرام و اجداد طاهرینش بیشتر در نزد خدا محبوب نیست که واسطه توسل شود. خدمت حضرت صادق(علیه السلام) برگشتیم و داستان زن را برای آن جناب نقل کردیم امام(علیه السلام) شروع به گریه کرده برایش دعا کرد. (1)

این مطلب، نشان از برخورد بسیار تند حکومت با کسانی بود که کوچک ترین اشاره و فعالیتی درباره حضرت زهرا(سلام الله علیها) انجام می دادند و به همین دلیل، عزاداری حضرت زهرا(سلام الله علیها) در زمان های قدیم به وسعت و بزرگی عزاداری محرم برگزار نمی گردید. منتها شواهد بسیاری از عزاداری اهل بیت (علیهم السلام) و سادات و علماء و سایر مردم برای حضرت زهرا(سلام الله علیها) موجود است که برخی از شواهد را بر اساس تاریخ تقریبی وقوع آن ها ذکر می کنیم.

خلاصه این کتاب در فاطمیه سال 1399 شمسی در کتاب «درخشش دلدادگی های

فاطمی و موفقیت مخلصان» به زیور طبع آراسته گردیده است.

حوزه علمی اصفهان

فاطمیه 1444 قمری

مهدی آقابابایی

ص: 18

1- . مزار ابن مشهدی، ص 139-136؛ زندگانی حضرت امام جعفر صادق(علیه السلام) (ترجمه جلد 47 بحار الأنوار)، ص 319 و 318.

فصل اول: اسناد مرتبط با معصومين (عليهم السلام)

اسناد مرتبط با معصومين (عليهم السلام)

ص: 19

در این فصل به جلسات عزای معصومین (علیهم السلام) که برای مادرشان حضرت صدیقه طاهره فاطمه زهرا (سلام الله علیها) بر پا نموده اند و مجالس عزای فاطمی در قیامت می پردازیم :

1. جریان مصائب و شهادت حضرت زهرا (سلام الله علیها) در معراج

حضرت صادق (علیه السلام) می فرماید :

هنگامی که رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) را به معراج بردند به آن حضرت گفته شد : همانا خداوند متعال تو را آزمود ... و اما دخترت مورد ستم قرار می گیرد از حقش محروم و ممنوع می شود و آن چه را تو حق او قرار دادی از او به زور گرفته می شود، او را که حامله است کتک می زنند ، و بدون اجازه وارد خانه می شوند و مورد تهمت و تحقیر قرار می گیرد ، بدون یار و یاور می ماند بر اثر ضربه ای که بر او وارد می شود کودکی را که در شکم دارد سقط می کند و بعد از دنیا می رود رسول اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمودند که من گفتم : « انا لله و انا الیه راجعون » ، پروردگارا پذیرفتم و تسلیم شدم ، توفیق و صبر و بردباری از آن توست . (1)

ص: 21

1- . فاطمه زهرا (سلام الله علیها) شادمانی دل پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) ، ص 746 ؛ امالی ، شیخ طوسی ، ج 1 ، ص 188 ؛ امالی شیخ صدوق ، ص 68 ؛ کامل الزیارات ، ص 1000 ، باب 108 .

2. گریه رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) زمانی که شهادت حضرت زهرا (سلام الله علیها) را پیش بینی کردند

امیرالمؤمنین (علیه السلام) می فرماید :

بسیار می شد رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) وقتی به امیر مؤمنان ، صدیقۀ کبری ، امام حسن ، امام حسین (علیهم السلام) نگاه می کردند می گریست . وقتی از سبب گریه آن حضرت می پرسیدند ، می فرمود :

أَبْكِي مِنْ ضَرْبَتِكَ عَلَى الْقُرْنِ وَأَلْطَمِ فَاطِمَةَ خَدَّهَا وَطَعَنَ الْحَسَنَ فِي فَخْذِهِ وَالسَّمَّ الَّذِي يُسْقَاهُ وَقَتْلَ الْحُسَيْنِ ؛

از ضربت شمشیری که بر سر حضرت علی (علیه السلام) وارد می شود ، سیلی ای که به حضرت صورت فاطمه (سلام الله علیها) می خورد ، نیزه ای که به ران امام حسن (علیه السلام) می زند و سمی که به او می خوراندند و از کشتن امام حسین (علیه السلام) گریه می کنم . (1)

3: امانت رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم)

زمانی پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) با اصحاب کسا بودند . به ام سلمه امر فرمودند : کنار در بایستد و اجازه ورود به هیچ کس ندهد . دست حضرت فاطمه (سلام الله علیها) را گرفتند و در دست حضرت علی (علیه السلام) گذاردند و شروع به گریه نمودند . از گریه پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) ، حضرت فاطمه ، امام حسن و امام حسین (علیهم السلام) نیز گریستند . سپس فرمودند :

ص: 22

1- . امالی ، شیخ صدوق، ص 134، مجلس 28؛ مناقب بن شهر آشوب، ج 2، ص 209؛ بحار الانوار، ج 28، ص 51.

یا علی! این ودیعه خدا و رسول اوست. خدا و مرا درباره او حفظ کن و مسلماً چنین خواهی کرد. به خدا سوگند! این مریم کبری است (مقامش بس والاتر از اوست) آگاه باش! به خدا سوگند! جانم به گلویم نرسید، مگر آنکه برای او و شما از خدا خواسته هایی داشتم که آنچه درخواست کرده بودم را عطایم فرمود.

یا علی! آنچه را فاطمه (سلام الله علیها) به تو می گوید عمل کن. من او را به چیزهایی که جبرئیل فرمان داده امر نموده ام! بدان دخترم فاطمه (سلام الله علیها) از هر کس راضی و خشنود باشد و من نیز راضی و خشنودم و خداوند و فرشتگانش هم راضی و خشنود خواهند بود.

یا علی! وای بر کسی که به او ظلم کند. وای بر کسی که حقش را به زور بگیرد. وای بر کسی که حُرمتش را بشکند. وای بر کسی که خانه اش را آتش بزند. وای بر کسی که همسرش را بیازارد. وای بر کسی که او را به مشقت اندازد و با او به مبارزه برخیزد.

بار خدایا! من از آنان بیزارم و آنان از من بیزارند.

سپس رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) یکایک آنان را نام بردند. آنگاه حضرت فاطمه، امام حسن، امام حسین و امیرالمؤمنین (علیهم السلام) را به آغوش کشیده و فرمودند:

من با شما و شیعیان شما در صلح و صفایم و ضامن آنها هستم که به بهشت بروند با دشمن شما و هر کسی که با شما دشمنی کند و ستم روا دارد، بر شما و شیعیان شما تقدّم جوید یا تأخر، دشمن و در ستیز و جنگ خواهم بود. [\(1\)](#)

ص: 23

1- زندگانی حضرت زهرا (سلام الله علیها)، آقای مقرر، ص 120.

از جمله ، با امیرالمؤمنین (علیه السلام) شرط نمودند که در برابر از دست رفتن حق خود - غصب خلافت و خمس - صبر و شکیبایی کرده و خشم خود را فرو برند .

امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمودند : می پذیریم ، ای رسول خدا !

در این هنگام جبرئیل عرضه داشت : به او بفرمایید ؛ حرمتش - که حرمت خدا و رسول خداست - شکسته می شود .

چون حضرت این مطلب را شنیدند بر آن بزرگوار سخت گران آمد و بیهوش بر زمین افتادند . چون به هوش آمدند رضایت خود به قضای الهی را بیان کرده و فرمودند :

وَرَضِيْتُ وَإِنْ انْتَهَكْتَ الْحُرْمَةَ وَعَطَلْتَ الشَّنَّ وَمَزَّقَ الْكِتَابَ وَهَدَمْتَ الْكُعْبَةَ وَخُصِبْتُ لِحَيْتِي مِنْ رَأْسِي بِدَمٍ عَيْطٍ ؛

راضی هستم ، هر چند حرمت (صدیقۀ اطهر (سلام الله علیها)) شکسته شود ، سنّت ها تعطیل گردد کتاب خدا پاره شود ، کعبه ویران شده و محاسنم با خون سرم خضاب گردد .

سپس رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) ، حضرت فاطمه ، امام حسن و امام حسین (علیهم السلام) را در جریان مصایب و گرفتاری های آینده شان قرار دادند . آنان هم اظهار رضایت ، تسلیم و صبر در برابر قضای الهی و بلاها کردند . (1)

ص: 24

1- . زندگانی حضرت زهرا (سلام الله علیها)، آقای مقرر ، ص 121 .

4: گریه رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) هنگام تقسیم حنوط بهشتی

رسول خدا(صلی الله علیه و آله وسلم) فرمودند :

یا علی و یا فاطمه ! این حنوط بهشت است که جبرئیل (علیه السلام) آن را به من داده است . به شما سلام می دهد و می گوید : آن را تقسیم کنید و قسمتی را هم برای من جدا کنید .

حضرت فاطمه(سلام الله علیها) فرمودند :

ثُلث آن برای شما و درباره بقیه آن هم امیرالمؤمنین(علیه السلام) نظر بدهد .

رسول خدا(صلی الله علیه و آله وسلم) گریستند و فاطمه(سلام الله علیها) را در آغوش کشیدند و فرمودند :

تو دختر موفق ، رشید و هدایت یافته و ملهمه ای هستی .

سپس فرمودند : یا علی ! درباره بقیه آن نظرت را بگو .

فرمود : نصف آن برای او (فاطمه(سلام الله علیها)) ، نصف دیگر برای کسی که شما بفرمایید .

حضرت فرمودند : برای تو .(1)

5 : گریه رسول خدا(صلی الله علیه و آله وسلم) هنگام دیدن پنج تن آل عبا

ابن عباس گوید : روزی رسول خدا(صلی الله علیه و آله وسلم) نشسته بود که امام حسن(علیه السلام) آمد و چون او را دید گریست و سپس فرمود : نزد من بیا ای پسر ! و او را به خود نزدیک کرد تا بر زانوی راست نشانید . سپس امام

ص: 25

1- . زندگانی حضرت زهرا (سلام الله علیها)، آقای مقرر، ص 235 و 236.

حسین(علیه السلام) آمد و چون او را دید گریست و فرمود: بیا بیا پسر جانم! و او را هم نزدیک کرد تا بر زانوی چپ خود نشانید. سپس فاطمه(سلام الله علیها) آمد و او را هم به خود نزدیک کرد و برابر خود نشانید. و سپس امیر المؤمنین(علیه السلام) آمد او را هم که دید گریست و نزدیک خود طلبید و در پهلو راست خود نشانید.

اصحابش گفتند: یا رسول الله! هر کدام را دیدی گریستی؟ بین اینها کسی نبود که از دیدنش شاد شوی؟

فرمود: به حق آنکه مرا به نبوت برانگیخته و بر همه مردم برگزیده، من و اینها گرامی ترین خلقیم نزد خدا، و روی زمین کسی نیست که از اینها نزد من محبوب تر باشد.

... و اما دخترم فاطمه! که بانوی زنان جهانیان از اولین و آخرین است و پاره تن و نور دیده و میوه دل و روح منست که درون منست و حوراء انسیه است هر وقت در محراب خود برابر پروردگارش جل جلاله بایستد نورش به فرشتگان آسمان بتابد چنانچه نور اختران بر زمین بتابد و خدای عزّ و جل به فرشتگانش فرماید: فرشتگانم! ببینید کنیزم فاطمه(سلام الله علیها) با وی کنیزانم را برابرم ایستاده و دلش از ترسم می لرزد و دل به عبادتم داده، گواه باشید که شیعیانش را از آتش امان دادم و چون او را دیدم به یادم افتاد آنچه پس از من با وی می شود گویا می بینم خواری به خانه اش راه یافته و حرمتش زیر پا رفته و حش غصب شده و ارشش ممنوع شده و پهلویش شکسته و جنین او سقط شده و فریاد می زند یا محمداه! و جواب

نشود و استغاثه کند و کسی به دادش نرسد و همیشه پس از من غمنده و گرفتار و گریان است. يك بار یادآور شود که وحی از خانه اش بریده و بار دیگر یاد جدایی من کند و شب که آواز مرا نشنود به هراس افتد آوازی که من با تلاوت قرآن تهجد می کردم و خود را خوار بیند پس از آنکه در دوران پدر عزیز بوده در اینجا خدای تعالی او را با فرشتگان مأنوس سازد و او را بدان چه به مریم بنت عمران گفتند ندا دهند و گویند: ای فاطمه! خدایت تو را برگزید و پاک کرد و بر زنان جهانیان برگزید ای فاطمه! قنوت کن بر پروردگارت و سجود و رکوع کن با راکعان سپس بیماری او آغاز شود و خدا مریم بنت عمران را بفرستد او را پرستاری کند و در بیماری او انیس او باشد اینجا است که گوید پروردگارا من از زندگی دلتنگ شدم و از اهل دنیا ملولم مرا به پدرم رسان. خدای عزّ و جل او را به من رساند و اول کس از خاندانم باشد که به من رسد، محزون و گرفتار و غمنده و شهید بر من وارد شود و من در اینجا بگویم: خدایا! لعنت کن هر که به او ظلم کرده و کیفر ده هر که حقش را غصب کرده و خوار کن هر که خوارش کرده و در دوزخ مخلد کن هر که به پهلویش زده تا سقط جنین کرده و ملائکه آمین گویند. (1)

ص: 27

1- . امالی صدوق، ص 115-113؛ بشارة المصطفی لشيعة المرتضى (عليه السلام)، ص 198؛ طرف من الانبياء والمناقب، ص 413؛ ترجمه امالی صدوق، کمره ای، ص 115-113.

6. گریه رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) در هنگام صرف غذا، برای شهادت حضرت زهرا (سلام الله علیها)

روزی پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) به منزل فاطمه (سلام الله علیها) وارد شد و او برای حضرت غذایی از خرما و روغن حیوانی و نان فراهم آورد و حضرت با علی و فاطمه و حسن و حسین (علیهم السلام) گرد سفره جمع شدند و چون غذا خوردند، رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) سجده کرد و بسیار سجده اش طولانی گشت و آنگاه گریست و سپس خندید و نشست؛ حضرت علی (علیه السلام) که جرأت بیشتری از بقیه ایشان در سخن گفتن داشت، فرمود:

ای رسول خدا! امروز رفتاری از شما دیدیم که پیش از این ندیده بودیم.

حضرت (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمود: آنگاه که با شما غذا خوردم، شادمان شدم و از سلامتی و جمع گرم شما مسرور گشتم، پس برای شکر خدا به سجده افتادم؛ پس جبرئیل (علیه السلام) فرود آمد و گفت: آیا به خاطر شادمانی از سلامتی خانواده ات سجده نمودی؟
گفتم: آری.

پس گفت: آیا می خواهی از آنچه پس از تو بر ایشان می گذرد، با خبر شوی؟

گفتم: آری، ای برادرم جبرئیل!

پس گفت: دربارہ دخترت، او نخستین فرد خانواده ات است که پس از آنکه به وی ظلم می شود و حقش از وی سلب می شود و از ارش محروم می گردد و شوهرش مظلوم واقع می شود و استخوان

دنده اش شکسته می شود ، به تو می پیوندد . و اما پسر عمویت (علیه السلام) مورد ستم واقع می شود و حقش سلب می شود و کشته می شود . و اما به امام حسن (علیه السلام) ، مظلوم واقع می شود و حقش از او سلب می شود و با زهر کشته می شود . و اما به امام حسین (علیه السلام) ستم می شود و حقش سلب می شود و خاندانش کشته می شوند و زیر سم اسبان

پایمال می شود و ساز و برگ کاروانش چپاول می شود و زنان و فرزندان خانواده اش اسیر می شوند و آغشته به خونش دفن می شود و غریبان وی را به خاک می سپارند . پس گریستم و گفتم : آیا کسی به زیارت وی می رود ؟

گفت : غریبان وی را زیارت می کنند .

گفتم : پاداش کسی که به زیارت وی رود ، چیست ؟

گفت : برای او ثواب هزار حج و هزار عمره به همراه تو نوشته می شود ، پس خندیدم . (1)

7. گریه رسول الله (صلی الله علیه و آله وسلم) هنگام رحلتشان برای شهادت حضرت زهرا (سلام الله علیها)

علامه مجلسی II روایت نموده که حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمودند :

در آن بیماری که خاتم الانبیا (صلی الله علیه و آله وسلم) از دار دنیا به دار بقا رحلت فرمودند ، حضرت فاطمه (سلام الله علیها) را طلبیدند و پاره ای از ظلم و ستمی که دشمنان به اهل بیت نبوت (صلی الله علیه و آله وسلم) وارد می کنند را ، بیان نمودند .

ص: 29

1- . عوالی اللئالی ، ج 1، ص 199؛ بحار الانوار ، ج 98، ص 44.

پس آنگاه اشک حسرت از دیده های حق بین حضرت رسالت (صلی الله علیه و آله وسلم) مانند باران جاری شد و بر ریش مبارکش فرو ریخت و چادری که بر روی شریف آن حضرت افکنده بودند، از اشک دیده اش تر شد. آنقدر آن مظهر رحم و احسان گریست که جگرم برای آن حضرت پاره پاره شد!

در آن حال سر مبارکش را به سینه خود گرفته بودم، بر من تکیه داده بود و فاطمه (سلام الله علیها) را به سینه خود چسبانده بود. امام حسن و امام حسین (علیهما السلام) قدم های عرش پیمایش را می بوسیدند و دیده های نورانی خود را بر پاهای جد بزرگوار خود می مالیدند و صدا به گریه بلند کردند.

در آن وقت جبرئیل امین حاضر بود و صدای گریه او را می شنیدم و از گریه فاطمه (سلام الله علیها) چنان یافتم که زمین و آسمان در گریه و فغان اند. (1)

شیخ طوسی (رحمه الله علیه) در امالی به سندش از عبدالله بن عباس روایت کرده :

هنگامی که وفات پیغمبر اسلام (صلی الله علیه و آله وسلم) نزدیک گردید آن حضرت به قدری گریست که محاسن مبارکش تر شد. عرض شد: یا رسول الله! چرا گریه می کنی؟

فرمود: برای ذریه و فرزندانم و آن ستم هایی که از جفاکاران امتم بعد از من به ایشان می رسد، می گریم. گویا می بینم دخترم فاطمه

ص: 30

1- . امواج البكاء، ص 57؛ بحارالانوار، ج 22، ص 490، باب 1، ح 36؛ کفایة الاثر، ص 2.

زهرا(سلام الله علیها) بعد از من مظلوم واقع شده ، هر چه صدا می زند : یا ابتاه ! احدی از ائمت من به فریاد او نمی رسد . (1)

8 . گریه پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) و جبرئیل بر مصائب حضرت زهرا (سلام الله علیها)

حضرت موسی کاظم(علیه السلام) از امام صادق(علیه السلام) نقل کرده که فرمود : شبی که صبح آن پیامبر از دنیا رحلت نمود علی ، فاطمه ، حسن و حسین(علیهم السلام) را فرا خواند و در خانه را به روی خود و آن جمع بست و فاطمه(سلام الله علیها) را صدا زد و فاطمه(سلام الله علیها) به او نزدیک شد و مدت طولانی از شب را با او خلوت کرد . وقتی این ملاقات طول کشید امیرالمؤمنین(علیه السلام) با دو فرزندش حسن و حسین(علیهم السلام) بیرون آمدند و در آستانه در ایستادند . مردم نیز پشت در ایستاده بودند . زنان پیامبر به علی و فرزندان ایشان(علیهم السلام) نگاه می کردند .

عایشه به حضرت علی(علیه السلام) گفت : حتماً موضوع مهمی است که رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) تو را در این ساعت بیرون کرد و با دخترش خلوت کرده است ؟

امیرالمؤمنین(علیه السلام) به او فرمود : من از آنچه در خلوت آنها می گذرد با خبرم . موضوع سخن ، توضیح برخی از وقایعی است که تو و پدرت و دو یار پدرت به وجود خواهید آورد . پس عایشه روی درهم کشید و نتوانست حرفی بزند .

ص: 31

امیرالمؤمنین(علیه السلام) فرمود: طولی نکشید که حضرت فاطمه(سلام الله علیها) مرا صدا زد. من نیز بر پیامبر(صلی الله علیه و آله وسلم) وارد شدم و ایشان در حال جان دادن بودند. نتوانستم خودم را کنترل کنم و بر این حال پیامبر گریستم.

پیامبر(صلی الله علیه و آله وسلم) فرمود:

ای علی! چه چیز تو را به گریه کردن واداشته؟ هم اکنون زمان گریه تو نیست. زمان جدایی بین من و تو فرا رسیده.

ای برادرم! تو را به خدا می سپارم. خداوند برای من مقام قرب خود را برگزیده است. اما گریه و غم و غصه من برای تو و بر این دخترم است که پس از من ضایع می گردد و همه این قوم بر ستم به شما اجماع کرده اند. شما را به خدا می سپارم.

ای علی! از سوی من برای شما هدیه ای است؛ من فاطمه(سلام الله علیها) دخترم را به اموری وصیت کرده ام و مطالبی به او گفته ام که برایت بگوید. هر چه فاطمه(سلام الله علیها) گفت اجرا کن؛ زیرا او بسیار راستگو و صادق است.

سپس فاطمه(سلام الله علیها) را در آغوش گرفت و سرش را بوسید و فرمود:

فاطمه جان! پدرت فدایت باد. صدای گریه زهرا(سلام الله علیها) بلند شد. پیامبر(صلی الله علیه و آله وسلم)، فاطمه(سلام الله علیها) را به سینه خود چسباند و فرمود:

خداوند انتقام شما را از آنان می گیرد و خداوند به غضب تو غضبناک می گردد. وای بر ظالمان! وای بر ظالمان! وای بر ظالمان! سپس رسول خدا(صلی الله علیه و آله وسلم) گریست.

حضرت علی (علیه السلام) فرمود: به خدا قسم! گمان می کردم پاره ای از وجودم در گریه پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) از دست رفت. مانند ابر بهاری گریه می کرد، طوری که صورت و محاسنش از اشک خیس شد. پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) از حضرت فاطمه (سلام الله علیها) جدا نمی شد و سر او بر سینه من بود و من تکیه گاهش بودم. حسن و حسین (علیهما السلام) پاهای آن حضرت را بوسه می زدند و با صدای بلند گریه می کردند.

حضرت علی (علیه السلام) فرمود: اگر بگویم جبرئیل در خانه بود دروغ نگفته ام. زیرا صدای گریه و زاری می شنیدم که برایم آشنا نبود. می دانستم که آن صدا، صدای ملائکه است. هیچ شکی ندارم. مگر می شود جبرئیل در اینچنین شبی پیامبر را تنها بگذارد. آن شب فاطمه (سلام الله علیها) چنان گریه می کرد که گمان می کنم زمین و آسمان بر او گریه می کردند. سپس پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمود:

ای دخترم! بعد از من خدا با شما خواهد بود. و او بهترین پشتیبان است. سوگند به خدایی که مرا به حق برانگیخت از گریه تو عرش خدا و ملائکه و آسمان ها و زمین و آنچه در آنهاست به گریه افتادند.

ای فاطمه! سوگند به همان خدایی که مرا به حق برانگیخت بهشت بر مردم حرام است تا آنکه من وارد بهشت گردم و پس از من تو اولین کسی هستی که پوشیده، مزین با زیورآلات و مرفه بر بهشت قدم می نهی.

ای فاطمه! گوارایت باد . سوگند به همان خدایی که مرا به حق برانگیخت تو سرور زنان بهشت هستی .

سوگند به خدایی که مرا به حق برانگیخت جهنم شعله ای می کشد که هیچ پیامبر و یا فرشته مقربّی از هراس او در امان نیست و همگی بی هوش می شوند . یک منادی صدا می زند : ای جهنم! خداوند به

تو می گوید : به عزتم سوگندت می دهم که آرام باشی تا فاطمه (سلام الله علیها) دختر محمد (صلی الله علیه و آله وسلم) عبور کند و به سوی بهشت برود . هیچ دود و آتشی به او آسیب نمی رساند .

سوگند به همان خدایی که مرا به حق برانگیخت . امام حسن (علیه السلام) از طرف راست و امام حسین (علیه السلام) از طرف چپ ، تو را همراهی می کنند و به بالاترین مکان بهشت در پیشگاه خداوند متعال در مقامی شریف در کنار حضرت علی بن ابی طالب (علیهما السلام) جای می گیری و پرچم حمد با حضرت علی بن ابی طالب (علیهما السلام) است ؛ و علی (علیه السلام) پوشیده می شود وقتی من پوشانده شوم [از لباس های بهشتی] و به زیور آراسته می شود وقتی من آراسته شوم .

سوگند به همان خدایی که مرا به حق برانگیخت از دشمنانت دادخواهی خواهم نمود و کسانی که حق تو را غصب کردند و رشته محبت تو را بریدند و بر من دروغ بستند همه در مقابل من پشیمان و خجل خواهند شد . آن گاه می گویم : ای امت من! ای امت من! جواب می رسد : امتت پس از شما دگرگون شدند و جهنمی گشتند . (1)

ص: 34

1- . بحار الانوار، ج 22، ص 490، ح 36؛ طرف من الانباء و المناقب ، ص 41-38.

9. گریه حضرت علی (علیه السلام) بر اثر مشاهده آثار سیلی

محمد مهدی حائری گوید :

هرگاه علی (علیه السلام) به چهره حضرت زهرا (سلام الله علیها) نگاه می کرد غم و اندوهش از بین می رفت ، ولی یک روز همین که به صورت آن حضرت (سلام الله علیها) نگاه کرد غم و اندوه دلش را فرا گرفت ؛ زیرا در چشمان آن حضرت بر اثر سیلی آثار سرخی مشاهده کرد. (1)

10. گریه حضرت علی (علیه السلام) در ایام بیماری حضرت زهرا (سلام الله علیها) موقعی که سخن از فراق و جدایی شنیدند

امیرالمؤمنین (علیه السلام) یکی از روزهای بیماری حضرت صدیقه (سلام الله علیها) ، به منزل آمد، دید آن مخدّره خمیری برای نان تهیه کرده است و گلی را در آب گذاشته تا سر پسرانش حسنین (علیهما السلام) و همین طور لباس هایشان را بشوید .

امیرالمؤمنین (علیه السلام) با حالت تعجب پرسید :

ای کسی که دو جهان خادم درگاه او است ، ای معصومه آخرالزمان! ای ملکه و بلقیس خانه تقدیس و جلالت! ای آسیه دنیای تکمیل و تکامل! ای زهرای مرضیه! ای حورای انسیه! ای مادر دو مظلوم! ای دختر پیامبر معصوم! ای عروس کم جهاز! ای خاتون حجله عزت! ای ستاره راه مقبول! ای شمع محفل رسول! ای پاره تن احمد! و ای سرمایه محمد! هیچ گاه ندیدم که در یک

ص: 35

1- . فاطمه زهرا (سلام الله علیها) شادمانی دل پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) ، ص 751 .

روز به دو کار از کارهای دنیا مشغول شوی! امروز می بینم که مشغول سه کاری! گمان می کنم علتی داشته باشد؟

حضرت زهرا (سلام الله علیها) آنقدر گریست که اشک بر گونه های مبارکش جاری شد؛ آنگاه فرمود:

ای تاجدار سوره هل اتی! ای شه سوار عرصه لافتی! ای گوینده و خطیب منبر سألونی! ای وارث جایگاه هارونی (نزد پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم)! ای نقش و نگار حله روشنی! ای امانت دار راز مصطفی! ای شیر بیشه شریعت! بلکه ای کشتی لجه حقیقت! ای شکوفه باغ ابوطالب! ای کسی که نام گذاری شده به اسدالله الغالب!

این جدایی بین من و تو است!

ای علی! دیشب پدرم را در خواب دیدم که در جای بلندی ایستاده، به راست و چپ نظر می کرد؛ انگار منتظر کسی بود. عرض کردم: ای پدر جان! از پیشم رفتی و مرا تک و تنها گذاشتی، شب و روز، شام و صبح بر تو می گریم. نه از غذایی لذت می برم، نه به خواب خوشی می روم.

فرمود: ای فاطمه! من این جا ایستاده ام و انتظار می کشم.

عرض کردم: یا رسول الله! منتظر چه کسی هستید؟

فرمود: منتظر تو هستم. ای فاطمه! فرمان فراق از حد گذشته و از شوق تو طاقتم تمام شده... ای فاطمه! بیا که تا تو نیایی من نمی روم.

گفتم: ای پدر! من هم آرزوی دیدار تو را دارم.

حضرت مصطفی (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمود :

بشتاب ای فاطمه! تا فردا شب نزد من باشی .

حضرت زهرا (سلام الله علیها) ادامه داد :

نان می پزم چون فردا که تو به مصیبت من مشغول باشی ، فرزندانم گرسنه نمانند و لباس فرزندانم را می شویم چون نمی دانم که بعد از من لباس آن ها را چه کسی می شوید . و چه کسی دل یتیمان مرا شاد خواهد کرد . می خواهم سر فرزندان را شانه کنم معلوم نیست که پس از من چه کسی غبار از روی و موی ایشان پاک کند؟!

وقتی امیرالمؤمنین (علیه السلام) حرف جدایی را از خانمش شنید ، شروع به گریه کردن نمودند . و فرمود:

ای فاطمه! اندوه پدرت هنوز در صمیم قلبم باقی است ، چگونه با جدایی تو اندوه ام را زیاد کنم؟!

حضرت زهرا (سلام الله علیها) فرمود :

ای علی! همانطور که بر فراق پدرم صبر نمودی ، بر جدایی من نیز صبر کن ، چون خدا با صبر کنندگان است .

با این حال باز آن مخدره می گریست و پیراهن پسرانش را می شست و سرشان را شانه می زد و می فرمود :

ای کاش می دانستم چه کسی شما را سم می دهد و شهید می کند؟! و کار شما به کجا می کشد؟!

وقتی آن دو آفازاده این کلام را شنیدند شروع به گریستن کردند . آن معصومه به ایشان فرمود:

ای جانان مادر! به قبرستان بقیع روید و مادر خود را دعا کنید .

آن مظلومه می خواست که آن ها، هنگام فوت مادرشان نباشند و به آن ها جزع و فزعی نرسد . پس آن دو امام زاده از نزد مادر رفتند .

پس به فضه امر نمود که بستر بیماری را برایش بگستراند . پس به پهلو، روی آن خوابید و فرمود : ای پسر عمو! نزد من بنشین چون الآن زمان وداع است .

امیرالمؤمنین(علیه السلام) کنارش نشست . آن مخدره به اسماء بنت عمیس امر نمود که غذایی برای حسن و حسین(علیهما السلام) آماده کند ، وقتی آمدند ، آن را بخورند و به کار خودشان مشغول شوند . اسماء امر آن حضرت را اطاعت نمود .

زمانی نگذشت که آن دو آقازاده آمدند . اسماء صدایشان را شنید ، پس نزدشان آمد و از آن ها استقبال نمود و در جایی که مادرشان امر نموده بود ، آن دو را نشاند و غذا را آورد. فرمودند :

ای اسماء! دیدی که ما تنهایی بدون مادرمان غذا بخوریم؟! ما غذا نمی خوریم تا بین ما و مادرمان جدایی بیندازی .

عرض کرد : مادرتان مقداری کار دارد.

فرمودند : ما جز با او غذا نمی خوریم .

پس از جا بلند شدند و نزد مادرشان رفتند . وقتی حضرت زهرا(سلام الله علیها) آن دو را دید ، فرمود : ای امیرالمؤمنین! پسرانت را نزد قبر جدشان ببر .

امیرالمؤمنین(علیه السلام) بر خاسته ، دست آن دو را گرفت و فرمود : بروید در نزد قبر جدتان ای پسرانم!

پس آن دو آفازاده رفتند و امیرالمؤمنین (علیه السلام) برگشت و کنار سر حضرت زهرا (سلام الله علیها) نشست . بی بی فرمودند :

ای پسر عمو! کمی نزد من بنشین و چون وقت جدایی رسیده است .

امیرالمؤمنین (علیه السلام) سر همسر محترمه اش را به دامن گرفته ، این ابیات را خواند :

هو الزمان فلاتفنی عجائبه *** عنا لکرام و لا تهدوا نوائبه

فلیت شعری الی کم ذا تجاذبنا *** فتونه و الی کم ذا نجادبه!؟

حضرت فاطمه (سلام الله علیها) فرمود :

ای پسر عمو! الآن وقت وصیت است نه وقت عزاداری .

فرمود : چه وصیتی داری ؟ ای دختر عمو!

فرمود : چهار وصیت به تو دارم :

اول : این که اگر در مدت زندگی ام با تو ، از من تقصیری سر زد ، مرا ببخشی و درگذری .

امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمود : تقصیر از تو دور است ای سرور بانوان جهانیان! تو در نهایت محبت ، دوستی ، مهربانی با من ، رضایت ،

شکر و قناعت به هر چه که می آوردم ، بودی . فرمود :

دوم : این که ای پسر عمو! تو را وصیت می کنم با فرزندانم مدارا کن و در صورتشان صدایت را بلند نکن و آن دورا از خود دور نکن ؛ زیرا آن

دو بعد ما کشته می شوند و فرزندانشان پراکنده می شوند .

سوم: این که مرا شب دفن کن و به جنازه ام بیگانگان و دشمنان را حاضر نسا. همانطور که مرا در حال حیات ندیدند، در حال ممات هم نبینند.

چهارم: این که مرا از زیارت محروم نکنی. چون من به تو زیاد اُس گرفتم.

امیرالمؤمنین(علیه السلام) فرمود: وصیت را پذیرفتم و به آن راضی ام. ولی تو هم به وصیت های من گوش کن و قبول کن.

فرمود: وصیت هایت را بگو ای پسر عمو!

امیرالمؤمنین(علیه السلام) فرمود: سه وصیت به تو دارم:

اول: این که اگر از من گناهی یا جرمی یا تقصیری سرزد، مرا ببخشی، و از آن درگذری.

دوم: این که وقتی پدرت را ملاقات نمودی، سلام و درود مرا برسان.

سوم: این که وقتی پیش پدرت رفتی، از من به او شکایت نکن.

در همین موقع که آن دو مشغول گفتگو بودند، صداها و گریه بلندی و فریادی شنیدند که می گفتند:

واویلاه! وامصیبتاه! واکرتاه!⁽¹⁾

هنگامی که بیماری سیده زنان(سلام الله علیها) شدید شد، امیرالمؤمنین(علیه السلام) به همراه پسرانش نزد آن بی بی آمد. زیر سر مبارک آن مخدره،

ص: 40

1- . امواج البكاء، 64-69. به نقل از وفاة الزهراء، ص 67؛ روضة الشهداء، ص 137.

بالشی از پوست بُز قرار داشت و بسترش از موی شتر بود؛ و زبان آن معصومه از ذکر پروردگار ساکت نمی ماند. پس فرمود:

ای پسر عمو! ای در شهر علم پیامبر! ای همسرم در دنیا و آخرت! و ای صاحب نسل پاکیزه! وصیت می کنم که بعد از من از این دو پسر ننگه داری کنی؛ چون آن دو، روشنی چشم پیامبرند و مصیبتی که در فراق جدّشان دیده اند، آن ها را بس است. و به

زودی مادرشان را نیز از دست می دهند. و از زیارت قبرم آن دورا منع نکن؛ چون قلبم پیش آن دو است.

پس بدان ای پسر عمو! به درستی که من از تو راضی ام؛ آیا تو نیز از من راضی هستی؟ به اندازه کوشش و توانم به تو خدمت کردم و بر دنیای تو به قدر نیرویم کمک کردم؛ در روز جُ، آرد کردم و در شب با مشک آب آوردم. بعد از همه این ها، اعتراف می کنم که در حق تو کوتاهی کردم. پس مرا ببخش؛ چون پیش رویمان گردنه ای است که از آن جز کسانی که ترسیده اند، نمی گذرند.

امیرالمؤمنین (علیه السلام) با گریه فرمود: ای دخت مصطفی! و ای سرور زنان! روحم فدای روح! ای دختر بشیر نذیر و کسی که برای رحمت بر عالم فرستاده شد!

وقتی آن مخدره رضایت حضرت مرتضی (علیه السلام) را فهمید فرمود:

وقتی از کارم فارغ شدی و مرا در قبرم گذاشتی، این شیشه و جعبه جواهر را بر دار و در لحدم بگذار.

امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمود:

ای سرور زنان! در این شیشه چیست؟

فرمود: ای ابالحسن! به درستی که از پدرم شنیدم که اشک، غضب پروردگار را خاموش می کند و قبر، باغی از باغ های بهشت نخواهد بود مگر این که عبد از ترس خداوند گریسته باشد.

خدای عزیز و جبار می داند که من در سحرها از ترس او با این اشک هایی که در این شیشه است، گریستم و آن را ذخیره قبرم قرار دادم تا در روز قیامت آن را بیابم.

امیرالمؤمنین (علیه السلام) به گریه آمد. حضرت زهرا (سلام الله علیها) نیز اشک های مولا را می گرفت و بر صورتش می کشید.

آنگاه فرمود:

ای ابالحسن! اگر محزونی در امت محمد بگرید، هر آینه خداوند تعالی به آن امت رحم می کند. به درستی که ای پسر عمو! تو برای از دست دادن من! محزونی. و اشک محزون وقتی بر امت واقع شود، خداوند بر آن ها رحم می کند؛ پس چگونه خواهد بود که بر کنیزی واقع شود؟!

من آن اشک را به صورتم کشیدم تا رحمت خداوند شامل من شود؛ چون من کنیز خداوند و دختر پیامبر خدا هستم. و شروع کرد به گریه کردن. پس امام حسن و امام حسین (علیهما السلام) نیز گریستند.

سپس امیرالمؤمنین (علیه السلام) از آن چه که در جعبه جواهر بود، پرسید؛ پس آن را باز کرد، دید که در آن پارچه حریر سبزی است و در حریر، ورق سفیدی است که در آن چند سطر نوشته شده و از آن نور می درخشد.

ص: 42

حضرت زهرا(سلام الله علیها) فرمود :

ای اباالحسن! وقتی پدرم مرا به ازدواج تو در آورد ، من شب عروسی دو پیراهن داشتم ، یکی نو بود و دیگری کهنه و وصله دار . من روی سجاده بودم که فقیری درب را کوبید و گفت :

« ای اهل بیت نبوت و معدن خیر و جوان مردی! عادت مردم این است که به خانه عروس می روند ؛ چون در آن جا برای هر که بیاید ، غذایی پیدا می شود . اگر پیراهن کهنه ای دارید . من سزاوار به آن ام . چون من مرد فقیرم . ای اهل بیت محمد! فقیرتان برهنه است .»

پس پیراهن جدیدم را برداشتم و به فقیر دادم و لباس کهنه را پوشیدم .

حضرت زهرا(سلام الله علیها) فرمود :

ای اباالحسن! وقتی پیش تو با پیراهن کهنه صبح کردم ، پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) نزد من آمد و فرمود : ای دخترکم! آیا لباس جدید نداشتی ؟ چرا نپوشیدی ؟

عرض کردم : پدر جان! آن را به فقیر صدقه دادم .

فرمود : کار خوبی کردی . اگر پیراهن نو را برای شوهرت می پوشیدی ، و کهنه را به فقیر می دادی ، در هر دو کار موفق بودی .

عرض کردم : ای رسول خدا! به شما هدایت شدیم و اقتدا کردیم . چون شما وقتی با مادرم خدیجه(سلام الله علیها) ازدواج کردید و همه آن چه را که مادرم به شما بخشید ، در راه اطاعت پروردگار انفاق کردید تا

جایی که فقیری به درب منزل شما آمد ، شما پیراهن خود را به او دادید ؛ و با حصیری خود را پوشانید تا این که جبرئیل این آیه را آورد :

«وَلَا تَبْسُطْهَا كُلَّ الْبَسِطِ فَتَقْعُدَ مَلُومًا مَّحْسُورًا» (1)

پیامبر گریست آنگاه مرا به سینه چسباند .

پس جبرئیل نازل شد و عرض کرد : « به درستی که خداوند تو را سلام می رساند و می فرماید : به فاطمه سلام برسان و بگو : هر چه می خواهد طلب کند . گرچه هر آن چه در آسمان و زمین است را ، بخواهد . و به او بشارت بده که من او را دوست دارم » .

پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) به من فرمود : دخترکم! پروردگارت سلام می رساند و می فرماید : هر چه می خواهی ، طلب کن .

عرض کردم : ای پدر! هر آینه لذت خدمت پروردگارم، مرا از درخواست از او بازداشته ؛ حاجتی جز نظرم به وجه کریم در بهشت ندارم .

فرمود : ای دخترکم! دستانت را بالا بیاور .

پس دو دستم را بالا آوردم و رسول خدا هم دستانش را بالا آورده ، عرض کرد :

خدایا! امتم را ببخش .

من هم آمین گفتم . پس جبرئیل از طرف خداوند جلیل آمد که :

ص: 44

1- . «وَلَا تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُوبَةً إِلَىٰ عُنُقِكَ وَلَا تَبْسُطْهَا كُلَّ الْبَسِطِ فَتَقْعُدَ مَلُومًا مَّحْسُورًا»؛ و دستت را بسته شده به گردنت مگردان و همه دستت را هم مگشای که سرزنش شده درمانده گردی. سوره مبارکه اسراء/29.

من گنه کاران امت را بخشیدم از کسانی که در قلبشان محبت فاطمه، مادرش، شوهرش و پسرانش (علیهم السلام) باشد.

پس پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمود: من سند می خواهم.

خداوند به جبرئیل امر فرمود که یک پارچه سُندس سبز و یک پارچه سُندس سفید بردارد و در آن اینگونه نوشته بود:

« كَتَبَ رَبُّكُمْ عَلَى نَفْسِهِ الرَّحْمَةَ » (1)

و جبرئیل و میکائیل و پیامبر شاهد بودند.

فرمود: ای دخترکم! این نوشته در این جعبه جواهر هست؛ وقتی که روز وفات رسید، سفارش کن که آن را لحدت بگذارند. وقتی که روز قیامت شد و گنه کاران قطع امید کردند و به زبانیه آن ها را به طرف آتش می کشد، این امانت را به من بده تا از خدا آن چه را که به من و تو بخشیده است،

در خواست کنم. چون تو و پدرت رحمت برای عالمیان هستید. (2)

از کتاب «زهرة الیاض» نقل شده است: حضرت زهرا (سلام الله علیها) فرمود:

ای ابالحسن! وقتی خواستی مرا دفن کنی، از این جعبه جواهر کاغذی را بیرون آور و در کفنم بگذار و در آن نظر نکن.

امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمود: در کاغذ چیست؟

فرمود: راز است.

امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمود: به حق پیامبر به من بگو.

ص: 45

1- یعنی: پروردگارتان بر خویشان رحمت را واجب گرانید. سوره مبارکه انعام، آیه 54.

2- امواج البكاء، ص 74-70.

حضرت فاطمه (سلام الله علیها) فرمود :

وقتی پدرم خواست که مرا به ازدواج تو در آمد، فرمود : « ای فاطمه! آیا راضی هستی که تو را به ازدواج علی در آورم با مهریه چهارصد درهم ؟ »

عرض کردم : به علی راضی ام ؛ ولی به مهر چهارصد درهم خیر .

پس جبرئیل آمد و عرض کرد : ای پیامبر خدا! خداوند تعالی می فرماید : بهشت و آن چه در آن است ، مهر فاطمه (سلام الله علیها) قرار دادم .

عرض کردم : راضی نیستم .

فرمود : چه می خواهی ؟ ای فاطمه!

عرض کردم : امت را می خواهم ؛ زیرا قلب شما نگران امتتان است .

جبرئیل برگشت آنگاه این ورقه را آورد که در آن نوشته است :

« اُمَّتِ مُحَمَّدٍ (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) رَا مِهْرَ فَاطِمَةَ (سَلَامَ اللهُ عَلَيْهَا) قَرَارَ دَادِمٍ . »

وقتی روز قیامت شود، این کاغذ را بردارم و می گویم: معبودم! این قبالة شفاعت امت محمد (صلی الله علیه و آله وسلم) است .

سپس فرمود: ای ابالحسن! برای من جز رمقی از زندگانی نمانده است و وقت کوچ کردن و وداع رسیده؛ پس سخنم را بشنو چون تو بعد از این هیچ گاه صدای فاطمه (سلام الله علیها) را نخواهی شنید .

ای ابالحسن! تو را وصیت می کنم که مرا فراموش نکنی و بعد مرگم مرا زیارت کنی . چون من در زندگانی از تو جدا نشدم و الآن مُقیم خانه تنهایی و ترس می شوم و کسی را که بر تنهایی ام رحم کند و در وحشتم مونس من گردد، نمی یابم .

وصیت های دیگری نیز نمود . پس امیرالمؤمنین(علیه السلام) گریست و فرمود :

ای فاطمه! وقتی حبیبم رسول خدا را دیدار نمودی، سلام مرا برسان و ظلم و جوری که بر من وارد شده را، برای او شرح بده .

سپس آن مخدره به دو پسرش رو نموده ، فرمود :

ای دو پسر! ای دو نور دیده هایم! وقتی من از دنیا رفتم ، چه کسی عهده دار کار شما می شود؟! چه کسی برای شما دلسوزی می کند؟!

وقتی آن دو آقازاده معصوم سخن مادر را شنیدند ، صدا به گریه بلند کردند و گریستند . پس برایشان گران آمد . آن حضرت به ایشان فرمود :

ای دو پسر! به بقیع بروید و از خدا بخواهید که مادرتان را شفا دهد .(1)

11 . جزع امیرالمؤمنین (علیه السلام) هنگام وصیت کردن حضرت زهرا (سلام الله علیها)

از حسین بن علوان روایت شده که او از سعید بن طریف ، و او از امام باقر(علیه السلام) نقل کرده که آن حضرت فرمود : بیماری حضرت فاطمه(سلام الله علیها) پنجاه شب پس از شهادت رسول خدا(صلی الله علیه و آله وسلم) آشکار شد ، پس وقتی آن حضرت آگاه شد که در همین بیماری از دنیا خواهد رفت ، لذا توصیه هایش را به حضرت علی(علیه السلام) فرمود ، و او با عهدهایی نمود و حضرت امیرالمؤمنین علی(علیه السلام) بسیار ناله و زاری می کرد و به همه وصیت ها و سفارش های فاطمه(سلام الله علیها) عمل کرد ... (2)

ص: 47

1- . کوکب دری، ج 1، ص 251؛ امواج البكاء، ص 74-76.

2- . بحار الانوار، ج 43، ص 201، باب 7، ح 30؛ امواج البكاء، ص 67 و 75.

12. گریه های حضرت زینب (سلام الله علیها)

زمانی که حضرت زینب (سلام الله علیها) چهار ساله بودند در کنار بستر مظلومه تاریخ، حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) همراه اسماء بنت عمیس زانوی غم را بغل گرفته و خیره خیره بر چهره تکیده مادر نگاه می کرد.

مادر از او خواست که نزدیک بستر آید. سپس به او دو امانت گرانها سپرد و فرمود: «دخترم زینب! دو بقچه ای که به تو می سپارم، یکی از آنها متعلق به دختر ابوذر غفاری است و دیگری مال خودت، که در آن پیراهنی برای امام حسین (علیه السلام) است. اما بدان هرگاه که او، این پیراهن را از تو طلب نماید، وقت وصل و همراهی شما سر رسیده و حسین (علیه السلام) برای شهادت مهیا می گردد».

حضرت فاطمه (سلام الله علیها) رو به اسماء نمود و فرمود: «من اندکی به خواب می روم. لحظاتی بعد سراغم بیا و مرا صدا نما. اگر جواب تو را ندادم، برو علی (علیه السلام) و اولادم را مطلع کن که زهرا (سلام الله علیها) از دنیا رخت سفر بر بسته است».

سپس مشغول خواندن سوره یس گشت: «یس وَالْقُرْآنِ الْحَکِیمِ...».

اسماء لحظاتی بعد حضرت زهرا (سلام الله علیها) را صدا می زند؛ اما چیزی نمی شنود و در می یابد که دختر پیغمبر (صلی الله علیه و آله وسلم) از دنیا چشم فرو بسته است.

حضرت زینب (سلام الله علیها) بعد از سکوت مادر با حالت صیحه و گریه خود را بر بدن مطهر او می اندازد و صدا می زند و می گوید: «مادر! سلام ما

را به حذمان رسول خدا(صلی الله علیه و آله وسلم) برسان . مادر گویی امروز رسول خدا(صلی الله علیه و آله وسلم) را از دست دادیم مادر!
(1)«...»

13 . گریه حسین c هنگامی که شنیدند هاتقی ندا داد : یتیمان فاطمه (سلام الله علیها) آمدند

پس از اینکه حضرت وصایای خود را به امیرالمؤمنین(علیه السلام) نمودند در همین موقع که آن دو مشغول گفتگو بودند ، صداها و گریه بلندی و فریادی شنیدند که می گفتند :

واویلاه! وامصیبتاه! واکربتاه!

فضّه خارج شد، دید که امام حسن و امام حسین c گریه می کنند . پدرشان به آن ها فرمود : چرا گریه می کنید؟ ای روشنی چشمم!

عرض کردند : پدرجان! به ما فرمودی که به قبر جدمان برویم . وقتی آن جا رسیدیم ، از هاتقی شنیدیم که می گفت:

این ابراهیم خلیل است که می فرماید : به درستی که یتیمان فاطمه(سلام الله علیها) آمدند! و این اسماعیل ذبیح است که می فرماید : به درستی که شفیع ما در روز قیامت آمد! و این محمد مصطفی است که می فرماید : به درستی که دو پسر و نور چشمم ، آمدند!

وقتی این صداها را شنیدیم کنار قبر جدمان آمدیم ، از داخل قبر شنیدیم که کسی می فرماید :

ص: 49

ای پسرانم! نزد مادرتان برگردید، با او قبل وفاتش وداع کنید. پس به درستی که من با گروهی از انبیاء به استقبال روح مادرتان آمدم!

پس برگشتند و نزد مادرشان آمدند، دیدند که بر بسترش تکیه داده و در حال جان دادن است. پس شروع کردند به بوسیدن دست و پای مادر و عرض می کردند:

ای مادر! چشمانت را باز کن و به یتیمان نگاه کن.

وقتی حضرت زهرا(سلام الله علیها) صدایشان را شنید، چشمانش را باز کرد، دید که آن دو می گریند. پس آن دو را به سینه چسباند با گریه می فرمود:

ای نور چشمم! نمی دانم بعد من از طرف دشمنان چه بر سر شما می آید؟! و چه محنت ها، آزار، سختی و جفا خواهید دید؟!!

سپس امر نمود که دخترانش را حاضر کنند و به امام حسن و حسین(علیهما السلام) به سرپرستی و مراقبت احوال آن ها سفارش کرد. (1)

حضرت زهرا(سلام الله علیها) به فرزندانش فرمود:

ای دو پسر! به بقیع بروید و از خدا بخواهید که مادرتان را شفا دهد.

پس آن دو طفل محزون به بقیع رفتند. حضرت فاطمه(سلام الله علیها) به پشت روی تشکش خوابید و به اسما فرمود:

ص: 50

1- . امواج البكاء، 69-64. به نقل از وفاة فاطمه الزهرا (سلام الله علیها)، ص 67؛ روضة الشهداء، ص 137.

ای اسماء! برای آن دو، غذایی آماده کن؛ وقتی از بقیع برگشتند، به آن ها غذا بوده و نگذار که مرا به آن حالتی که هستم، ببینند.

امیرالمؤمنین(علیه السلام) برخاست و به مسجد رفت. و حضرت فاطمه(سلام الله علیها) به گریه و دعا مشغول شد. شنیدم که خداوند را می خواند و عرض می کرد:

معبودم و سرورم! به حق آن کسانی که آنان را برگزیدی؛ و به گریه دو پسرم در فراقم؛ از تو می خواهم که گنه کاران شیعیانم و شیعیان ذریه ام را ببخشی.

اسماء می گوید: ساعتی صبر کردم، آنگاه نزد آن مخدره آمدم و صدایش زدم؛ جوابم را نداد.

اسماء داخل حجره شد و روپوش را از صورت آن معصومه برداشت، ناگهان دید که آن سیده زنان(سلام الله علیها) از دنیا مفارقت کرده است.
. پس گریست و فریاد زد:

وافاطمتاه!

در همین اثنا که او داشت فریاد می زد، حسنین(علیهما السلام) گریان گریان وارد شدند. اسماء نزدشان آمد و آن ها را نشانند و غذا برایشان حاضر کرد. فرمود:

ای اسماء! آیا دیدی که ما بدون مادرمان چیزی بخوریم!؟

ای اسماء! به بقیع رفتیم و برای مادرمان دعا کردیم. آنگاه به کنار قبر جدمان رسول خدا(صلی الله علیه و آله وسلم) برگشتیم؛ شنیدیم که می فرماید: ای دو پسر! به نزد مادرتان برگردید. به درستی که مادرتان از دنیا رفته است.⁽¹⁾

ص: 51

و به روایتی داخل خانه شدند ، فرمودند :

ای اسماء! حال مادرمان چطور است؟

اسما نتوانست خودداری کند، به گریه آمد و مقنعه از سر برداشت و سیلی بر صورت زد . وقتی آن دو آقازاده این حال را از اسماء دیدند ، گریستند و داخل حجره شدند .(1)

از ابن عباس روایت شده : وقتی حضرت زهرا(سلام الله علیها) از دنیا رفت اسماء در مصیبت آن بزرگ بانو گریبان چاک زدند .(2)

14 . گریه اسماء موقعی که دیدند حضرت زهرا (سلام الله علیها) از دنیا رفتند

حضرت زهرا(سلام الله علیها) فرمودند :

ای اسماء! مرا ساعتی تنها بگذار که می خواهم با خدای خود مناجات کنم بعد از آن مرا بخوان . اگر جواب نگفتم ، علی(علیه السلام) را طلب کن و بدان که من به پدرم ملحق شدم .

اسماء می گوید : پس پای خود را رو به قبله کرد و خوابید و جامه ای بر روی خود کشید و با خدای خود مناجات می کرد و در حق گناه کاران امت دعا می کرد که ناگاه صدای مبارکش قطع شد . پس ساعتی صبر کردم بعد از آن ندا کردم: ای دختر محمد مصطفی ! ای دختر بهترین اولاد آدم! یا ام الحسن و الحسین! یا بضعة الرسول! ای صدیقه طاهره! ای زکیه مرضیه! ای طیبه عالم! جوابی نشنیدم چون جامه

ص: 52

1- . امواج البكاء، ص 76-74 به نقل از وفاة فاطمة الزهرا(سلام الله علیها)، ص 79.

2- . صدیقه شهیده، ترجمه کتاب عوالم العلوم، ص 271.

از صورت مبارکش دور کردم دیدم که روح شریفش به ریاض خلد پرواز نموده است. پس اسماء خود را بر روی آن حضرت انداخت و بوسید و گریست و گفت : چون به خدمت حضرت رسول(صلی الله علیه و آله وسلم) برسی سلام اسماء بنت عمیس را به آن حضرت برسان . (1)

15 . گریه حسنین (علیهما السلام) وقتی از اسماء شنیدند گفت : مادران از دنیا رفت

پس از آنکه اسماء خود را بر روی بدن حضرت انداختند ، در این حال حسنین(علیهما السلام) از در آمدند و فرمودند :

ای اسماء! در این وقت مادر ما به خواب رفته است ؟

اسماء گفت :

مادر شما به خواب نرفته است و لیکن به رحمت رب الارباب وصل گردیده است .

امام حسن(علیه السلام) خود را بر روی مادر انداخت و می بوسید و می گفت : ای مادر! با ما سخن بگو پیش از آنکه روحم از بدن مفارقت نماید .

امام حسین(علیه السلام) بر پای مبارکش افتاد و می بوسید و می بویید و می گفت : ای مادر! منم فرزند تو حسین ، با ما سخن بگو پیش از آنکه روحم از بدن مفارقت نماید و دلم شکافته شود . (2)

ص: 53

1- . امواج البكاء ، ص 76 ؛ انوارالشهادة ، ص 331 .

2- . امواج البكاء ، ص 76 .

16 . گریه حسنین (علیهما السلام) وقتی که خبر شهادت مادرشان را به حضرت علی (علیه السلام) دادند

اسماء به امام حسن و امام حسین (علیهما السلام) عرض کرد: به مسجد نزد پدرتان حضرت علی (علیه السلام) بروید، و وفات مادرتان را به او خبر دهید. چون نزدیک مسجد رسیدند، صدا را به گریه بلند کردند. (1)

17 . حضرت علی (علیه السلام) هنگامی که شنیدند همسرشان از دنیا رفته اند شعری خواندند که زمین و آسمان را به گریه در آورد.

اصحاب به استقبال امام حسن و حسین (علیهما السلام) دویدند و سبب گریه را سؤال نمودند؟ فرمودند: مادر ما از دنیا رفت. چون امیرالمؤمنین (علیه السلام) این خبر وحشت زار را شنید بر رو در افتاد و صدا به صیحه و گریه بلند کرد. پس شعری چند در مصیبت آن حضرت ادا فرمود که زمین و آسمان را به گریه در آورد. (2)

راوی می گوید: وقتی دو آقا زاده خیر از دنیا رفتن مادر را گفتند. امیرالمؤمنین (علیه السلام) به صورت به زمین افتاد و می فرمود: با چه کسی دلداری یابم ای دختر محمد! من با تو دلداری می یافتم. حال بعد از تو با چه دلم آرام شود. بعد این شعر را خواند:

لِكُلِّ اجْتِمَاعٍ مِنْ خَلِيلَيْنِ فُرْقَةٌ *** وَ كُلُّ الَّذِي دُونَ الْفِرَاقِ قَلِيلٌ

وَ إِنَّ افْتِقَادِي فَاطِمًا بَعْدَ أَحْمَدَ *** دَلِيلٌ عَلَيَّ أَنْ لَا يَدُومَ خَلِيلٌ

ص: 54

1- . انوارالشهاده ، ص 331 .

2- . همان ، ص 331 ؛ كشف الغمة ، ج 1، ص 472 ؛

«هر دور هم بودن دو دوست جدایی خواهد داشت ، پس هر مصیبتی غیر از جدایی کم است .

از دست دادن من یکی را پس از دیگری ، دلیل این است که هیچ دوستی برای همیشه نخواهد بود .» (1)

18. فرمایش امیرالمؤمنین (علیه السلام) هنگام شهادت حضرت زهرا (سلام الله علیها)

حَبِيبٌ لَيْسَ يَعْدِلُهُ حَبِيبٌ *** وَ مَا لِسِوَاهُ فِي قَلْبِي

نَصِيبٌ

حَبِيبٌ غَابَ عَنْ عَيْنِي وَ جِسْمِي *** وَ عَنْ قَلْبِي حَبِيبِي لَا يَغِيبُ

« محبوبی که هیچ محبوب دیگری هم پای او نخواهد بود و جز او کس دیگری هیچ بهره ای در قلب من ندارد .

محبوبی که پیش دیدگان من و حضور مادی غایب شده ولی محبوبم از دلم غایب نخواهد شد .» (2)

19. گریه حسنین (علیهما السلام) بعد از غسل و کفن نمودن حضرت زهرا (سلام الله علیها)

وقتی امیرالمؤمنین (علیه السلام) در دل شب حضرت زهرا (سلام الله علیها) را غسل داد و در کفن قرار داد خواست که بند کفن را ببندد ، که به اطفال نگاه کرد ؛ دید یتیمان فاطمه (سلام الله علیها) دارند به مادرِ مهربان و دلسوزشان نگاه می کنند . و با گریه و ناله آهسته ، چون شمع می سوزند و می بینند که مادر در کفن پیچیده می شود . در این وقت عواطف پدر مهربان بر

ص: 55

1- . صدیقه شهیده، ترجمه کتاب عوالم العلوم، ص 270.

2- . همان، ص 284.

فرزندان دل شکسته بر انگیخته شد؛ لذا حضرت بند کفن را نبست و با صدایی گریه آلود صدا زد:

يَا حَسَنُ! يَا حُسَيْنُ! يَا زَيْنَبُ! يَا أُمَّ كَلثُومَ! يَا سَكِينَةَ يَا فِضَّةَ هَلُمُّوا تَرَوُّدُوا مِنْ أُمَّكُمْ فَهَذَا الْفِرَاقُ وَاللِّقَاءُ فِي الْجَنَّةِ؛

ای حسین! ای حسین! ای زینب! ای ام کلثوم! ای سکینه! ای فضه! بیاید از مادرتان زهرا(سلام الله علیها) توشه بردارید که این جدایی است و دیدار در بهشت است.

فرزندان منتظر چنین فرصتی بودند تا با آن انسیه حورا مادر نازنیشان وداع کنند و عقده دل بکشایند. لذا با عجله آمدند و مانند پروانه بر دور شمع، خود را بر آن بدن پاک انداختند.

حسین(علیهما السلام) خود را روی سینه مادر انداختند و صدا زدند:

وَاحْسِرَتَا لَا تَنْظِفِي أَبَدًا مِنْ فَقْدِ جَدِّنَا مُحَمَّدِ الْمُصْطَفَى وَأُمَّنَا فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ!

وای بر حسرتی که هیچ گاه خاموش شدنی نیست! که آن از دست دادن جدمان محمد مصطفی(صلی الله علیه و آله وسلم) و مادرم فاطمه زهرا(سلام الله علیها) باشد!

ای مادر حسن! ای مادر حسین! وقتی جدمان محمد مصطفی(صلی الله علیه و آله وسلم) را ملاقات کردی، سلام ما را به او برسان و بگو: ما بعد از تو در دنیا یتیم شدیم.

اطفال آرام آرام می گریسند و کفن مادر دلسوزشان را اشک هایشان می شستند و ناله و آه، آن را خشک می نمود.

امیرالمؤمنین(علیه السلام) در حالی که با یتیمان فاطمه(سلام الله علیها) در گریه و درد هم عنان بود، می فرماید:

خدا گواه است که فاطمه ناله ای زد و دو دستش را از کفن در آورد و ساعتی آن دو را در آغوش کشید . در این هنگام هاتقی از آسمان صدا زد :

يَا أَبَا الْحَسَنِ! ازْفَعُهُمَا عَنْهَا فَلَقَدْ أَبْكَيَا وَاللَّهِ مَلَائِكَةُ السَّمَاءِ، وَقَدْ اشْتَقَقَ الْحَبِيبُ إِلَى حَبِيبِهِ؛

ای ابالحسن! آن دو را از جسد مادرشان بلند کن ؛ به خداوند سوگند که ملائکه آسمان را به گریه آوردند . و هر آینه دوست به سوی دوست خود مشتاق است .

امیرالمؤمنین(علیه السلام) با چشمانی اشک آلود دو فرزندش را از سینه مادر بلند کرد .(1)

20 . گریه امیرالمؤمنین (علیه السلام) در هنگام غسل حضرت زهرا (سلام الله علیها)

حضرت ام ایها ، فاطمه زهرا(سلام الله علیها) هنگام شهادت به شاه ولایت، امیرالمؤمنین(علیه السلام) وصیت نمود که او را شب هنگام از روی لباس غسل دهد . لذا امیرالمؤمنین(علیه السلام) وقتی داشت او را در شب از روی لباس غسل می داد ، دستش به سینه آن بانوی عالمیان رسید ، متوجه جراحی در آن سینه شد . چراغ را از دست اسما گرفته ، آن را نزدیک بدن اطهر حضرت زهرا(سلام الله علیها) نمود ، دید که یکی از استخوان های پهلویش شکسته است .

حضرت(علیه السلام) به کناری آمد و در گوشه ای نشست و شروع به گریستن نمود . حسنین(علیهما السلام) هم آمدند ؛ امام حسن(علیه السلام) در طرف

ص: 57

1- . امواج البكاء، ص 80 و 81 به نقل از فاطمة الزهرا (سلام الله علیها) من المهد الى اللحد، ص 519.

راست، امام حسین(علیه السلام) در سمت چپ پدر نشستند و همراه پدر غریبشان، شروع به گریه کردن نمودند.

اسماء بنت عمیس می گوید:

وقتی حضرت علی(علیه السلام) داشت حضرت فاطمه(سلام الله علیها) را غسل می داد، ناگهان حضرت از کنار بدن آن معصومه کنار آمد و گوشه ای نشست و شروع به گریستن کرد. جلورفتم و عرض کردم: آقای من! چرا از غسل دست کشیدید؟ آیا برای فراق آن مظلومه می گریید؟ فرمود:

نه، ای اسماء! گر چه فراقش سخت است. ولی به این استخوان شکسته اش نگاه کن! در حالی که آن مظلومه آن را از من مخفی نگه می داشت (1).

صاحب «ریاض القدس» می نویسد:

موقعی که حضرت علی(علیه السلام) مشغول غسل بدن مطهر حضرت زهرا(سلام الله علیها) بودند، چنان صیحه بلندی زدند به گونه ای که مردم از بیرون خانه شنیدند. (2)

در روایت دیگری آمده است که:

اسماء آب می ریخت و امیرالمؤمنین(علیه السلام) از زیر پیراهن غسل می داد، اسماء می گوید: وسط غسل دادن، به یک باره امیرالمؤمنین(علیه السلام) صدای گریه اش بلند شد، به حضرتش عرض کردم: یا علی! حق داری گریه کنی، این مصیبت مصیبت بزرگی است منتها چه شد که بی اختیار صدا به گریه بلند کردی؟!

حضرت(علیه السلام) فرمود:

ص: 58

1- . امواج البكاء، ص 79 .

2- . ریاض القدس، ص 255.

ای اسماء! سیاهی و کبودی صورت فاطمه (سلام الله علیها) را دیدم، جای تازیانه ها و ضربات را دیدم، سرخی چشمش که مانند خون شده بود و وروم بازویش که مانند بازوبند شده بود را با چشم خود دیدم. (1)

21. گریه ملائک آسمان به خاطر گریه حسین (علیهما السلام)

فضه نقل کرده است که امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمود:

به خدا سوگند! من فاطمه (سلام الله علیها) را در پیراهنش غسل دادم و او طاهر و پاک بود، و او را به وسیله اضافه حنوط رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) حنوط کردم و کفن نمودم و هنگامی که خواستم بندهای کفن را ببندم گفتم: یا ام کلثوم! یا زینب! یا فضه! یا حسن و یا حسین! بیاید و از مادر خود توشه بگیرید که هنگام جدایی است و ملاقات در بهشت خواهد بود. پس حسن و حسین (علیهما السلام) - در حالی که از فراق جد و مادرشان ناله می زدند - آمدند و گفتند:

ای مادر! سلام ما را به جدمان محمد مصطفی (صلی الله علیه و آله وسلم) برسان و به او بگو که ما بعد از تو در دنیا یتیم شدیم.

امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمود:

خدا را گواه می گیرم که فاطمه (سلام الله علیها) ناله ای زد و آغوش خود را باز کرد و حسن و حسین C را به سینه چسبانید، ناگهان هاتقی از آسمان ندا داد: ای ابالحسن! این کودکان را از مادرشان جدا کن که ملائکه آسمان را به گریه آوردند.

ص: 59

اسماء می گوید: پیش از آنکه علی (علیه السلام) اذن بدهد ناگاه دیدم بند کفن گشوده شد و دست منور حضرت زهرا (سلام الله علیها) از میان کفن بلند شد. « فَحَنَّتْ وَ اَنْتَ وَ بَكَتْ » و صدای ناله و گریه در میان کفن بلند شد، پس حسنین C صورت خود را بر سینه مادر گذاشتند و صدا را به گریه و ناله بلند کردند و یک دست فاطمه (سلام الله علیها) به گردن حسن (علیه السلام) و دست دیگر به گردن حسین (علیه السلام) که ناگاه هاتقی آواز داد: یا علی! حسنین C را از روی سینه فاطمه (سلام الله علیها) بردار که ملائکه آسمان ها به گریه در آمدند.

فِرَاقُكَ اَعْظَمُ الْاَشْيَاءِ عِنْدِي *** وَ فَقْدُكَ فَاطِمَةُ اَذْهَى

التُّكُولِ

سَابِقِي حَسْرَةً وَ اَنْوَحُ شَجْوًا *** عَلَيَّ خَلٌّ مَضَى اَسْنَى سَبِيلِ

اَلَا يَا عَيْنُ جُودِي وَ اَسْعِدِيَنِي *** فَحُزْنِي دَائِمٌ اَبْكَي خَلِيلِي

1- یعنی مفارقت تو نزد من بزرگترین چیزها است، و از دست دادن تو برایم سخت ترین مصیبت است.

2- من برای حسرت و غم شخصی گریه و ناله می کنم که بهترین راه مرگ را رفت.

3- ای چشم من! با من مساعدت و همراهی کن که حزن من دائمی است و برای دوست خودم گریانم. (1)

ص: 60

1- . بحار الانوار، ج 43، ص 179.

22 گریه امیرالمؤمنین (علیه السلام) بعد از دفن حضرت زهرا (سلام الله علیها) و خواندن اشعاری درباره ایشان

گریه امیرالمؤمنین (علیه السلام) بعد از دفن حضرت زهرا (سلام الله علیها) و خواندن اشعاری درباره ایشان. (1)

وقتی امیرالمؤمنین (علیه السلام)، حضرت زهرا (سلام الله علیها) را به قبر مبارک برد دستی بیرون آمد و او را گرفت .

عبدالرحمان همدانی و حمید طولی گفته اند : امیرالمؤمنین (علیه السلام) کنار قبر حضرت زهرا (سلام الله علیها) این شعر را سرود :

دَكَرْتُ أَبَا وَدِّي فَبِتُّ كَأَنِّي *** بِرَدِّ الْهُمُومِ الْمَاضِيَاتِ

وکیل

لِكُلِّ اجْتِمَاعٍ مِنْ خَلِيلَيْنِ فُرْقَةً *** وَكُلِّ الَّذِي دُونَ الْفِرَاقِ قَلِيلٌ

وَإِنَّ أَفْتِقَادِي فَاطِمًا بَعْدَ أَحْمَدَ *** دَلِيلٌ عَلَيَّ أَنْ لَا يَدُومَ خَلِيلٌ

« من محبوبم را به یاد آوردم شب را از شدن ناراحتی طوری به پایان بردم که گویا ضامن برگرداندن هر غم و غصه گذشته ام هستم .

هر دور هم بودن دو دوست جدایی خواهد داشت، پس هر مصیبتی غیر از جدایی کم است .

از دست دادن من یکی را پس از دیگری، دلیل این است که هیچ دوستی برای همیشه نخواهد بود .»

کسی با صدای بلند جواب داد:

يُرِيدُ الْفَتَى أَنْ لَا يَمُوتَ خَلِيلُهُ *** وَ لَيْسَ لَهُ إِلَّا الْمَمَاتَ سَبِيلٌ

فَلَا بُدَّ مِنْ مَوْتٍ وَلَا بُدَّ مِنْ بَلَى *** وَإِنَّ بَقَائِي

بَعْدَكُمْ لَقَلِيلٌ

ص: 61

إِذَا انْقَطَعَتْ يَوْمًا مِنَ الْعَيْشِ مُدَّتِي *** فَإِنَّ بُكَاءَ الْبَاكِيَاتِ قَلِيلٌ

سُتُعْرَضُ عَنْ ذِكْرِي وَتُنْسَى مَوَدَّتِي *** وَيَحْدُثُ بَعْدِي لِلْخَلِيلِ بَدِيلٌ

« جوانمرد می خواهد که دوستش نمیرد در حالی که جز مرگ راه دیگری ندارد .

از مرگ چاره ای نیست و به ناچار باید مورد ابتلا و امتحان واقع شد . بودن من بعد از شما نیز کوتاه خواهد بود.

وقتی یک روز از زندگانی من بگذرد گریه هایم کم خواهد شد .

مرا از یاد می برند و دوستیم فراموش می شود و بعد از من برای دوست جایگزینی پیدا خواهد شد .» (1)

علامه مجلسی گوید :

در دیوان شعری که به علی (علیه السلام) منسوب شده است نوشته:

بعد از وفات حضرت فاطمه (سلام الله علیها)، امیرالمؤمنین (علیه السلام) اشعاری در مرثیه فاطمه (سلام الله علیها) سرود، آن اشعار این است:

أَلَا هَلْ إِلَى طُولِ الْحَيَاةِ سَبِيلٌ *** وَأَنَّى وَهَذَا الْمَوْتُ لَيْسَ يَحُولُ

وَإِنِّي وَإِنْ أَصْبَحْتُ بِالْمَوْتِ مُوقِنًا *** فَلِي أَمَلٌ مِنْ دُونِ ذَلِكَ طَوِيلٌ

وَلِلدَّهْرِ أَلْوَانٌ تَرُوحُ وَتَغْتَدِي *** وَإِنَّ نَفُوسًا بَيْنَهُنَّ تَسِيلُ

وَ مَنْزِلٌ حَقٌّ لَا مُعَرَّجَ دُونَهُ *** لِكُلِّ أَمْرٍ مِنْهَا إِلَيْهِ سَبِيلٌ

قَطَعْتُ بِأَيَّامِ التَّعَزُّزِ ذِكْرَهُ *** وَكُلُّ عَزِيزٍ مَا هُنَاكَ ذَلِيلٌ

أَرَى عِلَلَ الدُّنْيَا عَلَيَّ كَثِيرَةً *** وَصَاحِبُهَا حَتَّى الْمَمَاتِ عَلِيلٌ

ص: 62

وَإِنِّي لَمُشْتَاقٌ إِلَى مَنْ أَحْبَبْتُهُ *** فَهَلْ لِي إِلَى مَنْ قَدْ هَوَيْتُ سَبِيلُ
 وَإِنِّي وَإِنْ شَطَطَتْ بِي الدَّارُ نَارِحاً *** وَقَدْ مَاتَ قَبْلِي بِالفِرَاقِ جَمِيلُ
 فَقَدْ قَالَ فِي الأمْثَالِ فِي البَيْنِ قَائِلٌ *** أَضْرَبُ بِهِ يَوْمَ الفِرَاقِ رَحِيلُ
 لِكُلِّ اجْتِمَاعٍ مِنْ خَلِيلَيْنِ فُرْقَةٌ *** وَكُلُّ الَّذِي دُونَ الفِرَاقِ قَلِيلُ
 وَإِنَّ افْتِقَادِي فَاطِماً بَعْدَ أَحْمَدَ *** دَلِيلٌ عَلَيَّ أَنْ لَا يَدُومَ خَلِيلُ
 وَكَيْفَ هَذَا العَيْشُ مِنْ بَعْدِ فَقْدِهِمْ *** لَعَمْرُكَ شَيْءٌ مَا إِلَيْهِ سَبِيلُ
 سَيُعْرَضُ عَن ذِكْرِي وَتُنْسَى مَوَدَّتِي *** وَيُظْهَرُ بَعْدِي لِلخَيْلِ عَدِيلُ
 وَلَيْسَ خَلِيلِي بِالمَلُولِ وَلَا الَّذِي *** إِذَا غَبْتُ يَرْضَاهُ سِوَايَ بَدِيلُ
 وَلَكِنْ خَلِيلِي مَنْ يَدُومُ وَصَالُهُ *** وَيَحْفَظُ سِرِّي قَلْبُهُ وَدَخِيلُ
 إِذَا انْقَطَعَتْ يَوْمًا مِنَ العَيْشِ مُدَّتِي *** فَإِنَّ بَكَاءَ البَاكِياتِ قَلِيلُ
 يُرِيدُ الفَتَى أَنْ لَا يَمُوتَ حَبِيبُهُ *** وَلَيْسَ إِلَيَّ مَا يَتَّبِعِيهِ سَبِيلُ
 وَلَيْسَ جَلِيلًا رُزْءٌ مَالٍ وَفَقْدُهُ *** وَلكِنَّ رُزْءَ الأَكْرَمِينَ جَلِيلُ
 لِذَلِكَ جَنَّبِي لَا يُؤَاتِيهِ مَضْجَعٌ *** وَفِي القَلْبِ مِنْ حَرِّ الفِرَاقِ غَلِيلُ

1. یعنی آیا به سوی زندگانی طولانی راه و طریقی هست ؟ از کجا خواهد بود در صورتی که (چیزی بین انسان و بین مرگ) حائل نخواهد شد .
2. حقا که من اگر چه بمرگ یقین دارم ، ولی در عین حال امید درازی از نزد موت و مرگ دارم .
3. روزگار دارای رنگ هایی است که شب را صبح می کند ، و خون نفوسی در بین آنها می ریزد .

4. روزگار را منزل بر حقی می باشد که محل اقامت نزد آن نیست ، و برای هر مردی از روزگار به طرف آن راهی خواهد بود .
5. من ذکر او را به وسیله روزهای عزت قطع نمودم، و هر عزیزی در اینجا ذلیل و خوار خواهد شد .
6. مرض های دنیا را برای خود فراوان می بینم ، صاحب آن امراض تا موقع مردن علیل خواهد بود .
7. من مشتاق آن کسی هستم که او را دوست دارم، آیا به سوی آن کسی که من او را دوست دارم راهی هست ؟
8. خانه مرا دور کرده است ، ولی در عین حال آن شخصی که قبل از من از فراق مرده است نیکو بود .
9. گوینده ای در داستان ها راجع به جدائی مثلی زده و من آن مثال را در روز کوچ نمودن زیاد می زنم .
10. حقا که از دست دادن من فاطمه را بعد از احمد(صلی الله علیه و آله وسلم) دلیلی است بر اینکه هیچ دوستی دائمی نخواهد بود .
11. بعد از نایافتن آنان زندگی در اینجا چگونه خواهد بود ، به جان تو قسم این يك مطلبی است که راهی به سوی آن نخواهد بود .
12. به زودی از یاد نمودن من اعراض می شود و دوستی فراموش می گردد ، و بعد از من دوستی برای دوست نظیر من ظاهر خواهد شد .

13. شخص ملول و آن کسی که چون من غائب شوم وی را راضی کند دوست من نخواهد بود .

14. ولی دوست من آن است که وصال او دائمی باشد ، قلب او مرا حفظ کند و برای کارهای من دخیل باشد .

15. وقتی که يك روز از فوت بگذرد یقیناً گریه افراد گریه کننده قلیل خواهد شد .

16. اراده جوانمرد آن است که دوست او نمیرد ، و راهی به سوی آنچه که می خواهد وجود ندارد .

17. مصیبت مال و مفقود شدن آن بزرگ نخواهد بود ولی مصیبت اشخاص بزرگوار بزرگ است .

18. برای این جهت است که خوابگاهی با پهلوی من موافق نیست ، در دل من از حرارت فراق تشنگی جای گزین است .(1)

23. اشعار و مرثیه های حضرت علی (علیه السلام) در کنار قبر همسر بزرگوارشان و جواب دادن آن حضرت از طرف حضرت زهرا (سلام الله علیها)

مَا لِي وَقَفْتُ عَلَى الْقُبُورِ مُسَلِّمًا *** قَبْرِ الْحَبِيبِ فَلَمْ يَرِدَّ جَوَابِي

أَحَبُّبُ مَا لَكَ لَا تَرُدُّ جَوَابَنَا *** أَنْسَيْتَ بَعْدِي خُلَّةَ الْأَحْبَابِ

- مرا چه شده که بر روی قبرها توقف می نمایم ، و بر قبر دوست سلام می کنم ولی او جواب سلام مرا نمی دهد .

ص: 65

1- . زندگانی حضرت زهرا (سلام الله علیها) (ترجمه جلد 43 بحار الأنوار) ، ترجمه نجفی، ص 236.

- ای دوست تو را چه شده که جواب سلام ما را نمی دهی ، آیا بعد از من دوستی دوستان را فراموش کردی .

جواب از حضرت زهرا(سلام الله علیها)

قَالَ الْحَبِيبُ وَ كَيْفَ لِي بِجَوَابِكُمْ *** وَأَنَا رَهِيْنُ جَنَادِلَ وَ تُرَابٍ

أَكَلَ التُّرَابُ مَحَاسِنِي فَسَيِّئْتُكُمْ *** وَ حُجِبْتُ عَنْ أَهْلِي وَ عَنْ أَتْرَابِي

فَعَلَيْكُمْ مِنِّْي السَّلَامُ تَقَطَّعَتْ *** عَنِّي وَ عَنكُمْ

خُلَّةُ الْأَحْبَابِ

- دوست در جواب گفت : من چگونه جواب شما را بگویم ، در صورتی که رهین سنگ های فراوان و خاک قرار گرفتم .

- حقا که خاک اعضای نیکوی بدنم را خورد و من شما را فراموش کردم و از نظر اهل خانه و همسال هایم ناپدید شدم.

- از من بر شما سلام باد که رشته دوستی و محبت من و شما با بازماندگانم قطع شد . (1)

پس از آنکه امیرالمؤمنین(علیه السلام) از دفن حضرت فاطمه(سلام الله علیها) فراغت یافت ، کنار قبر همسر بزرگوارش نشست و صورت بر روی قبر او گذاشت . (2)

ص: 66

1- . جنة العاصمه ، ص 781؛ بحار الانوار، ج 43، ص 217.

2- . تنها یادگار، ص 413.

24. به لرزه در آمدن شهر مدینه از گریه مردم در اثر شهادت حضرت زهرا (سلام الله علیها)

با از دنیا رفتن حضرت زهرا(سلام الله علیها) مدینه یکپارچه شیون شد و زنان بنی هاشم در خانه آن حضرت جمع شدند و یک صدا، شیون زدند طوری که نزدیک بود مدینه از شیون آن ها به لرزه بیاید آن ها حضرت زهرا(سلام الله علیها) را صدا می زدند و عرض می کردند: ای سرور و بانوی ما! ای دختر رسول خدا!⁽¹⁾

ابن عباس می گوید :

حضرت زهرا(سلام الله علیها) همان روز از دنیا رفت . صدای گریه زن و مرد مدینه را به لرزه در آورد ، و مردم مانند روزی که پیامبر(صلی الله علیه و آله وسلم) از دنیا رفته بود متحیر ماندند. ⁽²⁾

25. برگزاری مراسم عزاداری توسط امیرالمؤمنین(علیه السلام) برای حضرت زهرا (سلام الله علیها)

چون خبر شهادت حضرت زهرا(سلام الله علیها) در مدینه منتشر شد مردم دسته دسته خدمت امیرالمؤمنین(علیه السلام) آمدند و آن حضرت نشسته بودند

امام حسن و امام حسین(علیهم السلام) جلوی آن حضرت بودند و می گریستند. مردم از گریه آن دو آفازاده می گریستند. ⁽³⁾

ص: 67

1- . صدیقه شهیده، ترجمه کتاب عوالم العلوم، ص 265.

2- . طبری، دلائل الإمامة، ص 137؛ اسرار آل محمد(صلی الله علیه و آله وسلم)، ص 569؛ کتاب سلیم بن قیس هلالی، ج 2، ص 870.

3- . علل الشرایع، ج 1، ص 185؛ انوارالشهاده، ص 332.

26. گریه های دائمی امیرالمؤمنین (علیه السلام) در شهادت فاطمه (سلام الله علیها)

حضرت حسین بن علی (علیهما السلام) فرموده اند :

چون فاطمه (سلام الله علیها) وفات کرد ، امیرالمؤمنین (علیه السلام) او را پنهان به خاک سپرد و جای قبرش را ناپدید کرد ، سپس برخاست و روبه جانب قبر رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) کرد و فرمود :

سلام بر تو ای رسول خدا! از جانب من و از جانب دخترت و دیدارکننده ات و آنکه در خاک رفته و از من جدا شده و در بقعه تو آمده و خدا زود رسیدن او را نزد تو برایش برگزیده .

ای رسول خدا! شکیباییم از فراق محبوبه ات کم شده و خود داریم از سرور زنان جهان نابود گشته ، جز اینکه برای من در پیروی از سنت تو که در فراق کشیدم جای دلداری باقی است ؛ زیرا من سر تو را در لحد آرامگاهت نهادم و جان مقدس تو از میان گلو و سینه من خارج شد (یعنی هنگام جان دادن سرت به سینه من چسبیده بود) آری ، در کتاب خدا برای من بهترین پذیرش (و صبر بر این مصیبت) است ، **إِنَّا لِلَّهِ وَ إِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ** ، همانا امانت پس گرفته شد و گروگان دریافت گشت و زهرا از دستم ربوده شد .

ای رسول خدا! دیگر چه اندازه این آسمان نیلگون و زمین تیره در نظرم زشت جلوه می کند .

وَهُمْ لَا يَبْرُحُ مِنْ قَلْبِي أَوْ يَخْتَارَ اللَّهُ لِي دَارَكَ الَّتِي أَنْتَ فِيهَا مُقِيمٌ؛

اندوهم همیشگی باشد و شبم در بی خوابی گذرد و غمم پیوسته در دل است، تا خدا خانه ای را که تو در آن اقامت داری برایم برگزیند، (بمیرم و به تو ملحق شوم).

غصه ای دارم دل خون کن و اندوهی دارم هیجان انگیز، چه زود میان ما جدایی افتاد، تنها به سوی خدا شکوه می برم.

به همین زودی دختری از همدست شدن امتت بر ربودن حقیقتش به تو گزارش خواهد داد، همه سرگذشت را از او بپرس و گزارش را از او بخواه؛ زیرا چه بسا درد دل هایی داشت که چون آتش در سینه اش می جوشید و در دنیا راهی برای گفتن و شرح دادن آن نیافت، ولی اکنون می گوید و خدا هم داوری می فرماید و او بهترین داوران است.

سلام بر شما! سلام کننده ای که نه خشمگین است و نه دلتنگ؛ زیرا اگر از اینجا برگردم، به واسطه دلتنگیم نیست و اگر بمانم به واسطه بدگمانی به آنچه خدا به صابران وعده فرموده نباشد.

ص: 69

1- «سرمَد» به معنای دائم و طولانی است و گاهی به چیزی که آغاز و انجامی ندارد «سرمدی» گفته می شود.

2- «مُسَهَّد» از ریشه «سهد» بر وزن «صمد» به معنای بیدار ماندن و بی خوابی کشیدن گرفته شده است. قابل توجه اینکه در اینجا «مُسَهَّد» به عنوان وصف (خبر) برای «لیل» آمده است و امام (علیه السلام) می فرماید: شب های من بیدار و بی تاب است. به جای اینکه بگوید: خودم چنین هستم و این در واقع نوعی تأکید را می رساند. پیام امیرالمؤمنین (علیه السلام)، ج 8، ص 32.

وای ، وای باز هم بردباری مبارك تر و خوش نما تر است اگر چیرگی دشمنان زورگو نبود (که مرا سرزنش کنند یا قبر فاطمه (سلام الله علیها) را بشناسند و نبش کنند) اقامت و درنگ در اینجا را چون معتکفان ملازمت می نمودم و مانند زن بچه مرده بر این مصیبت بزرگ شیون می کردم ، در برابر نظر خدا دخترت پنهان به خاک سپرده شد و حقش پایمال گشت و از ارشش جلوگیری شد، با آنکه دیر زمانی نگذشته و یاد تو کهنه نگشته بود .

ای رسول خدا! شکایت من تنها به سوی خداست و بهترین دلداری از جانب تو است . ای رسول خدا! (چون در مرگ تو صبر کردم یا برای گفتار تو در باره صبر) ، درود خدا بر تو و سلام و رضوانش بر فاطمه (سلام الله علیها) باد . (1)

امام معصوم (علیه السلام) کسی نیست که بخوهد اغراق کند، بلکه حقیقتاً همینطور بوده اند . این فرمایشات حضرت، دلالت بر دائمی بودن حزنشان در مصیبت حضرت زهرا (سلام الله علیها) بوده است .

ابن ابی الحدید معتزلی در کتابش می نویسد :

امیرالمؤمنین

(علیه السلام) از روز شهادت حضرت فاطمه (سلام الله علیها) تا به هنگامی که کشته شد دیگر شب ها نخوابید و آرامش نداشت و هرگاه که از فاطمه (سلام الله علیها) یاد می شد غم و اندوه او را فرا می گرفت . (2)

ص: 70

1- . اصول کافی، ج 1، ص 459.

2- . فاطمه زهرا (سلام الله علیها) شادمانی دل پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) ، ص 752 به نقل از شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 10 ، ص 266 و خطبه 195.

27. عایشه در عزای حضرت زهرا (سلام الله علیها) شرکت نکرد

حضرت زهرا (سلام الله علیها) از دنیا رفت و تمام همسران رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) در عزای او شرکت کردند، غیر از عایشه که نیامد و خود را به مریضی زد و سخنی از او به امیرالمؤمنین (علیه السلام) رسید که اظهار شادمانی کرده بود. (1)

یکی از عمل کردهای عایشه که شیعه آن را نپسندیده، اظهار خشنودی وی از شهادت حضرت زهرا (سلام الله علیها) است که این خبر علاوه بر منابع شیعی در منابع اهل سنت نیز آمده است. چنانکه عالم اهل سنت ابی یعقوب یوسف بن اسماعیل لمعانی معتزلی حنفی (متوفای 606 قمری) - یکی از اساتید حنفی ابن ابی الحدید است - می گوید:

از زمان وفات رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) تا زمان وفات حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) همواره از عایشه، سخنان نیش دار و روانگاه برای امیرالمؤمنین و حضرت زهرا (علیهما السلام) آورده می شد و امیرالمؤمنین و حضرت زهرا (علیهما السلام) بر آن غیظ شدید عایشه صبر پیشه می کردند.

او در ادامه می گوید:

پس از شهادت حضرت زهرا (سلام الله علیها) تمام همسران رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) برای تسلیت گفتن، نزد بنی هاشم آمدند، اما عایشه نیامد و خود را به مریضی زد و به امیرالمؤمنین (علیه السلام) نیز اخباری رسید که عایشه از شهادت حضرت زهرا (سلام الله علیها) ابراز خوشحالی کرده است. (2)

ص: 71

1- شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 9، ص 198؛ فاطمه زهرا (سلام الله علیها) شادمانی دل پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم)، ص 752.

2- شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 81.

گر چه ممکن است قبول این مسأله برای اهل سنت سخت باشد ، اما شادی عایشه از شهادت امیرالمؤمنین(علیه السلام)⁽¹⁾ خود شاهد و مؤید دیگری است که احتمال شادی وی از شهادت حضرت زهرا(سلام الله علیها) را تقویت می کند . و این ها مَهر تأییدی است بر این که او با خط امیرالمؤمنین و فاطمه(علیهما السلام) مخالف بوده به طوری که از مرگشان خوشحال شده است .

ابوالفرج اصفهانی با سند صحیح چنین می نویسد :

لما ان جاء عائشة قتل علی(علیه السلام) سجدت.

هنگامی که خبر شهادت حضرت علی(علیه السلام) به عایشه رسید، سجده کرد.⁽²⁾

28. گریه و بی تابی حضرت ام کلثوم (سلام الله علیها) در عزای مادرشان

روایت شده که چون مادرش وفات یافت ام کلثوم رویند به صورت زدند و چادری به سر کشیدند و در حالی که دامن چادر بر روی زمین کشیده می شد راه می رفتند و با ناله های جانسوزی پی در پی می فرمودند :

« یا ابتاه یا رسول الله! امروز مصیبت پنهان شدن تو در نظر ما آشکار گردید و این فراقی است که هرگز لقای بعد آن نخواهد بود ».⁽³⁾

ص: 72

1- . تاریخ الرس و الملوک، ج 3، ص 15؛ الکامل فی التاریخ، ج 2، ص 743 و 744.

2- . مقاتل الطالبین، ص 55.

3- . بحارالانوار، ج 43، ص 192؛ روضة الواعظین، ج 1، ص 152.

29. گریه عمار وقتی مشاهده کردند حضرت علی و حسنین (علیهم السلام) محزون و گریانند

با از دست دادن حضرت زهرا (سلام الله علیها)، حزن عظیمی بر امیرالمؤمنین (علیه السلام) وارد شد. و به تنهایی مشغول عزا شد و مدت زیادی دور از مردم در خانه نشست.

گروهی از شیعیان راستین جمع شدند و گفتند: علی امام و امیر ما است و حال آن که از ما دوری کرده و جز وقت نماز، آن حضرت را نمی بینیم و از اخبار و احادیث بهره مند نمی شویم. و ما مانند گوسفند بی چوپان شده ایم.

به عمار گفتند: نزد امیرالمؤمنین (علیه السلام) برو و درباره این مطلب با ایشان صحبت کن؛ شاید آن حضرت نزد ما بیاید یا اجازه دهد که ما نزدش برویم.

عمار می گوید: پس برخاستم و خدمت حضرت رسیدم، دیدم حضرت مانند شخص اندوهگین نشسته و پسرانش حسن و حسین (علیهمما السلام) در کنارش هستند. آن حضرت می گریه و حسنین (علیهم السلام) هم برای گریه آن حضرت می گریند. سلام کردم و ساعتی پیش رویش نشستم. آنگاه عرض کردم: سرورم! اجازه می دهید سخن بگویم؛ یا این که ساکت بمانم؟

فرمود: هر چه می خواهی بگو.

عرض کردم: ای سرورم! چه شده که به ما امر به صبر بر مصیبت می کنید در حالی که شما را می بینیم که بی قراری می کنید؟

امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمود:

ای عمار! به درستی که عزا بر کسی که من از دست دادم، هر آینه کم است. و آن معصومه (سلام الله علیها) هرگاه سخن می گفت، گوشم با سخن او از صدای پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) پُر می شد؛ و وقتی که راه می رفت، خوبی راه رفتنش، از راه رفتن پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) حکایت می کرد.

به خدا سوگند ای عمار! درد مصیبت را احساس نکردم مگر با فوت او؛ و درد فراق را نفهمیدم مگر با دوری او.

عمار می گوید: با کلامش مرا به گریه آورد؛ پس دلم سوخته، برایش گریستم. سپس فرمود:

ای عمار! بدان به درستی که این از دست رفته فوت شده، دختر پیامبر - که نزد خدا پاداشش را امید دارم - در حالی که به او ظلم شد و حقش غصب شد و شهیده گشت.

آنگاه آن حضرت (علیه السلام) برخاست در حالی که اشک هایش بر گونه جاری بود. آن گروه حضرت را دیدند و عده ای عذرخواه بودند و عده ای نکوهش گر. حضرت فرمود:

مرا برای از دست دادن دختر پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) ملامت می کنید؟! در حالی که من به پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) اقتدا می کنم؛ زیرا آن حضرت در فوت خدیجه کبری (سلام الله علیها) گریست در حالی که او دختر پیامبری نبود. به درستی که فاطمه زهرا (سلام الله علیها)، سرور زنان، دختر اشرف پیامبران و مادر سرور شهیدان است. [\(1\)](#)

ص: 74

1- . امواج البكاء، ص 82 و 83 به نقل از: کوکب دری، ج 1، ص 249، مجلس 29؛ الموسوعة الکبری، ج 11، ص 104.

30. جریان مقداد و کتک خوردن او از عمر و ذکر مصائب حضرت زهرا (سلام الله علیها)

عمادالدین طبری می نویسد :

از شب پاره ای برفت و مردم به خواب رفتند ، جنازه فاطمه زهرا(سلام الله علیها) را حاضر کردند علی و حسن و حسین(علیهم السلام) و سلمان و مقداد و عباس و پسران ، عبدالله و فضل ، و عقیل بن ابی طالب و عبدالله جعفر و بریده و عمار و زبیر و اسامه و دختران علی(علیه السلام) و زنان قریش از حاضران بر جنازه او نماز کردند و او را پیش رسول خدا(صلی الله علیه و آله وسلم) در جانب منبر دفن کردند ، چون روز شد مردم برای نماز بر جنازه آن حضرت روی به خانه نهادند، مقداد ابوبکر را بدید گفت : ما دوش او را به خاک سپردیم .

عمر گفت : ای ابوبکر! من به تو نگفتم که ایشان چنین خواهند کرد ، مقداد گفت : فاطمه(سلام الله علیها) چنین وصیت کرد ، تا شما بر جنازه او نماز نکنید(1)،

عمر دست بر آورد و بر سر و روی مقداد زد او را چندان بزد که خسته شد مردم که حاضر بودند او را خلاص کردند .

مقداد برابر ایشان بایستاد و گفت :

ص: 75

1- . از بطائنی نقل شده که گفت از امام صادق(علیه السلام) پرسیدم: برای چه حضرت زهرا (سلام الله علیها) شبانه دفن شد نه در روز؟ فرمودند: چون آن مخدره وصیت کرده بود که آن دو مرد بادیه نشین (کافر) بر او نماز نخوانند. صدیقه شهیده، ترجمه کتاب عوالم العلوم، ص 281.

دختر رسول خدا! از دنیا رفت و خون از پشت و پهلوی او می رفت به سبب ضرب شمشیر و تازیانه ای که شما بر او زدید و من پیش شما حقیرتر از علی و فاطمه C می باشم .

در همان کتاب آمده که عقیل به آنها گفت:

به خدا سوگند! شما شدیدترین مردم از لحاظ حساسات و دشمنی نسبت به رسول خدا(صلی الله علیه و آله وسلم) و خاندانش می باشید . شما دیروز او را کتک زدید و از دنیا رفت در حالی که پشتش خونی بود .⁽¹⁾

در این قسمت به وصیت حضرت زهرا(سلام الله علیها) که به امیرالمؤمنین(علیه السلام) فرمودند : آن دو در نماز بر من شرکت ننماید اشاره ای می کنیم:

از امام صادق(علیه السلام) از پدران بزرگوارش b روایت شده که حضرت زهرا(سلام الله علیها) هنگام از دنیا رفتن به گریه آمد . امیرالمؤمنین(علیه السلام) به او فرمود : ای سرور من! چرا گریه می کنی؟

فرمود : گریه می کنم به خاطر آنچه بعد من خواهی دید .

امیرالمؤمنین(علیه السلام) فرمودند :

گریه مکن که به خدا سوگند این در راه خدا برایم کوچک است. و حضرت زهرا(سلام الله علیها) به امیرالمؤمنین(علیه السلام) وصیت کرد که به شیخین اعلام نکنند که بر جنازه اش حاضر شوند امیرالمؤمنین(علیه السلام) هم این وصیت را اجرا کرد .⁽²⁾

حضرت زهرا(سلام الله علیها) فرمودند :

ص: 76

1- . فاطمه زهرا(سلام الله علیها) شادمانی دل پیامبر(صلی الله علیه و آله وسلم) ، ص 749 ؛ کامل بهائی، ص 313.

2- . صدیقه شهیده، ترجمه کتاب عوالم العلوم، ص 254.

به تو وصیت می کنم که هیچ کدام از این هایی که به من ظلم کردند و حقم را گرفتند بر جنازه ام حاضر نشوند، چون آن ها دشمن من و دشمن رسول خدا(صلی الله علیه و آله وسلم) هستند و نگذار نه احدی از آن ها بر من نماز بخواند و نه از پیروان آنها . مرا شب هنگامی که چشم ها آرام گرفت و دیده ها به خواب رفت دفن کن. بعد آن مخدره از دنیا رفت . (1)

واقدی می گوید:

حضرت زهرا(سلام الله علیها) وقت احتضار به امیرالمؤمنین(علیه السلام) وصیت کرد که ابوبکر و عمر به آن حضرت نماز نگذارند . امیرالمؤمنین(علیه السلام) هم به وصیت آن مخدره عمل کرد ... (2)

31. گریه امیرالمؤمنین(علیه السلام) وقتی از و پرسیدند : چرا عمر از قنفذ مالیات نگرفت ؟

از سلیم بن قیس نقل شده است :

عمر بن خطاب در یک سال نصف حقوق همه کارگزارانش را به عنوان غرامت (و کمبود بودجه و مالیات) برداشت ، ولی حقوق قنفذ را کامل پرداخت .

سلیم می گوید :

روزی وارد مسجد رسول خدا(صلی الله علیه و آله وسلم) شدم . عده ای از بنی هاشم به همراه سلمان و ابوذر و مقداد و محمد بن ابی بکر و عمر بن ابی سلمه و

ص: 77

1- . صدیقه شهیده، ترجمه کتاب عوالم العلوم، ص 254، ص 265.

2- . همان، ص 266.

قیس بن ابی عبادہ نشسته بودند . عباس به حضرت علی (علیه السلام) گفت : در این کار که عمر ، قنفذ را از پرداخت غرامت معاف کرد و دیگران را معاف نکرد، نظرت چیست ؟

حضرت به اطرافش نگریست و اشک در چشمانش حلقه زد و سپس فرمود :

شَكَرَ لَهُ صَرْبَةً صَرْبَهَا فَاطِمَةُ (سلام الله علیها) بِالسَّوِطِ فَمَاتَتْ وَفِي عَضُدِهَا أَثَرُهُ كَأَنَّهُ الدَّمْلُجُ ؛

به شکرانه ضرباتی که با تازیانه بر حضرت زهرا (سلام الله علیها) زد و بر اثر همان ضربات از دنیا رفت و بازویش همچون بازوبند بالا آمده بود .
(1)

32 . گریه امیرالمؤمنین (علیه السلام) وقتی شنید که قاتل همسرش به قتل رسید

بعد از آن که ابولؤلؤ ، به پسر خطاب خنجر زد(2)، به حضرت علی (علیه السلام) عرض کرد : ای امیرالمؤمنین! من این مرد را زدم و شکمش را دریدم . حضرت با شنیدن این موضوع اشکش جاری شده و به شدت گریست

ص: 78

1- . بیت الاحزان، ص 251 ؛ کتاب سلیم بن قیس الکوفی، ص 134؛ فاطمه زهرا (سلام الله علیها) شادمانی دل پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم)، ص 715 .

2- . حضرت زهرا (سلام الله علیها) به عمر گفت: یابن خطاب مزقت کتابی مزق الله بطنک ... ؛ ای پسر خطاب! خداوند شکمت را پاره کند همان گونه که نامه ام را پاره کردی . شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 16، ص 336 .

و آرزو کرد که ای کاش، حضرت فاطمه (سلام الله علیها) زنده می بود و این خبر را می شنید. (1)

ماجرای کوچه

شافعی و ابن ابی الحدید گویند :

ابوبکر بعد از سخنان حضرت فاطمه (سلام الله علیها) درباره فدک متأثر شد و گریه کرد، و نوشت : « من فدک را به فاطمه (سلام الله علیها) رد نمودم » . اما عمر نامه را گرفت و پاره کرد. (2)

شیخ مفید در یک حدیث بلند ، ماجرای کوچه را چنین نقل می کند :

ابوبکر ، کاغذی طلبید و ردّ فدک را در آن نوشت و به حضرت فاطمه (سلام الله علیها) داد . حضرت فاطمه (سلام الله علیها) با گرفتن سند ، از نزد ابوبکر بیرون آمد ؛ ولی در راه عمر با او ملاقات کرد ، و از جریان نامه پرسید .

حضرت فاطمه (سلام الله علیها) فرمودند : این نامه ، سند رد فدک است که ابوبکر برایم نوشته .

عمر گفت : آن را به من بده .

حضرت فاطمه (سلام الله علیها) امتناع ورزید . عمر با لگد به سینه و پهلوی حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) زد ! به طوری که فرزندش محسن (علیه السلام) سقط شد! و چنان سیلی به صورت آن بانو زد که گوشواره اش شکست!

ص: 79

1- . فاطمه زهرا (سلام الله علیها) شادمانی دل پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) ، ص 752.

2- . 360 داستان از فضائل، مصائب و کرامات فاطمه زهرا (سلام الله علیها) ، ص 268 به نقل از: شبهای پیشاور، ص 672.

سپس سند را گرفت و پاره کرد؛ و همین خشونت باعث شد که حضرت فاطمه (سلام الله علیها) بستری گردید و بعد از 75 روز بیماری، از دنیا رفت. (1)

نفرین حضرت زهرا (سلام الله علیها) بر عمر

مرحوم شیخ عباس قمی لا می نویسد:

وقتی حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) قبالة فدک را از ابوبکر گرفت و از خانه او بیرون آمد، در مسیر راه به عمر بن خطاب برخورد و آن پلید از صدیقه طاهره (سلام الله علیها) پرسید: از کجا می آیی و منازعه شما با خلیفه به کجا رسید؟

بانوی بانوان (سلام الله علیها) فرمود:

اینک ابوبکر نوشته ای به من داده که فدک حق من است و کسی حق مداخله در آن جا را ندارد.

عمر سخت بر آشفت و با زور و تعدی، آن نوشته را از دست حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) گرفت و پاره کرد. وقتی حضرت زهرا (سلام الله علیها) این جسارت و بی شرمی را از عمر دید، محزون و دل شکسته گردید و زبان به نفرین او گشود و فرمود:

« یابن خطاب مزقت کتابی مزق الله بطنک... ؛ ای پسر خطاب! نامه مرا پاره کردی، خداوند شکم تو را پاره کند. » (2)

ص: 80

-
- 1- 360 داستان از فضائل، مصائب و کرامات فاطمه زهرا (سلام الله علیها)، ص 268 به نقل از: الاختصاص، شیخ مفید، ص 185.
 - 2- 360 داستان از فضائل، مصائب و کرامات فاطمه زهرا (سلام الله علیها)، ص 272 و 273؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 16، ص 336.

33. کلمات امام حسن مجتبی (علیه السلام) به مغیره

امام حسن (علیه السلام) در احتجاجاتی که با معاویه و اصحابش داشت وقتی با مغیره بن شعبه ملعون رو برو شد به او فرمود :

تو همان کسی هستی که فاطمه دختر پیغمبر خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) را زدی و بدنش را خون آلود نمودی ، او بدین جهت جنین خود را سقط کرد . تو این عمل را به علّت اینکه رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) را ذلیل شمردی و با امر آن حضرت مخالفت کنی و نسبت به آن بزرگوار هتک حرمت کرده باشی انجام دادی . در صورتی که پیغمبر اسلام (صلی الله علیه و آله وسلم) به حضرت زهرا (سلام الله علیها) می فرمود :

ای فاطمه! تو برترین زنان اهل بهشت می باشی . ای مغیره! بدان که خداوند تو را طعمه آتش جهنّم خواهد کرد . (1)

34. بیان مصائب حضرت زهرا (سلام الله علیها) توسط فضّه خادمه در مکه مکرمه به ورقه بن عبدالله

ورقه بن عبدالله از دی روایت کرده : برای حج با امید به ثواب الهی به خانه خداوند رفتم ، در بین طواف کنیزی با کمال و جمال دیدم که با زبانی رسا و فصیح خدا را می خواند و عرضه می دارد :

ص: 81

1- . احتجاج، ج 2، ص 40؛ بحار الانوار، ج 31، ص 645 ، و ج 43 ، ص 197 و ج 44 ، ص 83؛ الصحیح من سیره النبی الاعظم (صلی الله علیه و آله وسلم)، ج 6، ص 188؛ الهجوم علی بیت فاطمه (سلام الله علیها) ، ص 300؛ مأساة الزهرا (سلام الله علیها)، ج 2 ، ص 51 و 141.

اللَّهُمَّ رَبَّ الْكَعْبَةِ الْحَرَامِ، وَالْحَفْظَةِ الْكَرِيمِ، وَزَمْرَمَ وَالْمَقَامِ، وَالْمَشَاعِرِ الْعِظَامِ، وَرَبَّ مُحَمَّدٍ خَيْرِ الْأَنْبِيَاءِ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ الْبَرَّةِ الْكَرِيمِ
أَسْأَلُكَ أَنْ تَحْشُرَنِي مَعَ سَادَاتِي الطَّاهِرِينَ، وَأَبْنَائِهِمُ الْغُرِّ الْمُحَجَّلِينَ الْمَيَامِينَ.

خدایا! ای پروردگار کعبه بیت الحرام، پروردگار فرشتگان حافظ کرام، پروردگار زمزم و مقام ابراهیم (علیه السلام)، و پروردگار مشعرهای بزرگ (و بلند مرتبه)، و ای پروردگار محمد بهترین انسانم (جن و انس) درود خداوند بر او و خاندان نیکوکار و گرامی او باد، (خدایا) از تو می خواهم مرا با آقایان پاکم و پیروان سفیدرو و با میمنت آنها محشور کنی.

و فرمود: آگاه باشید ای حجاج و عمره گزاران شاهد و گواه باشید که سروران من! بهترین و برگزیده نیکان هستند کسانی که قدر و منزلت آن ها از قدر و منزلت همه برتر است و ذکر آنها در همه جا بلند شده است کسانی که عبادی فخر به دوش انداخته اند.

ورقة بن عبدالله می گوید: به او گفتم: ای کنیز! به گمانم از شیعیان اهل بیت b باشی؟

فرمود: بلی.

گفتم: نامت چیست؟

فرمود: من فضه ام، کنیز حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها)، دختر محمد مصطفی (صلی الله علیه و آله وسلم) و شوهر عالی مقدار و فرزندان محترم او.

ضمن خوش آمد به او گفتم: من دوست داشتم سخن شما را بشنوم پس الآن می خواهم از یک سؤالی که مطرح می کنم جواب بدهی، پس بعد از طواف کنار سوق طعام بایست تا من بیایم ان

ص: 82

شاء الله مأجور باشی . از هم جدا شدیم و مشغول طواف خود شدیم وقتی طوافم تمام شد، و خواستم به خانه برگردم مسیرم را به آن سمتی که وعده گذاشتم قرار دادم . وقتی رسیدم دیدم جناب فضه در گوشه ای به دور از مردم نشسته است . خدمت او رفتم و تنها من در خدمتش بودم و هدیه ای به او دادم ، بعد عرض کردم : ای فضه! از سرورت حضرت فاطمه زهرا(سلام الله علیها) به من خبر بده و از هنگام شهادتش بعد از پدر بزرگوارش چه دیده ای .

ورقه می گوید : وقتی جناب فضه سخن مرا شنید اشک در چشمانش حلقه زد بعد به شدت گریست و فرمود:

ای ورقه بن عبدالله! ناراحتی و غم را که آرام گرفته بود و غصه های دلم را که پنهان شده بود دوباره زنده کردی ، پس حال آنچه من از آن مخدره مشاهده کردم را گوش کن .

بدان ، وقتی رسول خدا(صلی الله علیه و آله وسلم) از دنیا رفت بزرگ و کوچک مصیبت زده داغ آن حضرت شدند و گریه بر آن حضرت بسیار شده بود و آرامش کم . مصیبت آن حضرت برای همه بزرگ بود : از خویشان ، اصحاب ، پیروان ، دوستان ، گرفته تا کسانی که نسبت به آن حضرت غریبه محسوب می شدند هر که را می دیدی گریان بود و روضه خوان .

در بین مردم روی زمین ، اصحاب ، خویشاوندان و دوستان کسی محزون تر ، گریان تر و نالان تر ، از سرورم حضرت فاطمه زهرا(سلام الله علیها) نبود ، ناراحتی آن مخدره پیوسته تجدید و بیشتر و گریه اش شدیدتر

می شد هفت روز نشست و ناله اش آرام نمی شد ، هر روز گریه اش شدیدتر می شد هفت روز نشست و ناله اش آرام نمی شد هر روز گریه اش از روز اول بیشتر بود ، روز هشتم آن غم و ناراحتی دورنش را آشکار کرد و دیگر طاقت نیاورد و از منزل یرن آمد و شیون می زد گویا از لبان رسول خدا(صلی الله علیه و آله وسلم) صحبت می کند . زن ها شتافتند ، دختران و پسران از خانه بیرون آمدند ، و مردم شیون می زدند و گریه و ناله سر دادند از هر سمتی مردم آمدند ، چراغ ها را خاموش کردند تا صورت زن ها مشخص نباشد ، اینطور به خیال زن ها آمد رسول خدا(صلی الله علیه و آله وسلم) از قبر برخاسته است ، مردم از این قضیه دچار حیرت و سرگردانی شدند ، حضرت زهرا(سلام الله علیها) صدا می زد و برای پدرش ندبه می کرد : وای باباجان! وای ای برگزیده! وامحمداه! وای ابالقاسم! وای ای بهار بیوه زنان و یتیمان! دیگر قبله و محراب چه کسی را دارد و دختر حیران مصیبت زده ات چه کسی را دارد ؟

بعد به راه افتاد در حالی که پا به دامن می زد و می لغزید و از بس می گریست و اشک مانند باران از چشمانش سرازیر بود چیزی را نمی دید تا این که نزدیک قبر پدر بزرگوارش پیامبر(صلی الله علیه و آله وسلم) آمد ، وقتی حجره را دید نگاهش بر مأذنه افتاد ، آن وقت قدم هایش را کوتاه کرد و و پیوسته ناله و گریه می کرد تا اینکه از هوش رفت .

زن ها سمت آن مخدره شتافتند و آب به آن بانو و سینه و پیشانیش پاشیدند تا به هوش آمد . وقتی به هوش آمد برخاست و می فرمود : توانم رفت ، شکیبایی ام مرا تنها گذاشت ، دشمن شاد

شدم و غم و غصه درونم قاتلم شده ، بابا جان! بعد تو حیران و سرگردان و تک و تنها مانده ام ، صدایم خاموش شده ، کمرم از هم گسسته و زندگیم دیگر خوش و گوارا نیست و زندگانیم مکدر شده است . پس بعد از تو بابا جان مونسی برای تنهاییم ندارم و کسی را که مرا از گریه منع کند نمی بینم و کسی را نمی یابم که به ضعف من کمک کند بعد از تو قرآن ، محل نزول جبرئیل و مکان میکائیل از بین رفت . بعد از تو بابا جان اسباب (خیر و برکت) دگرگون شد ، و درب ها به رویم بسته شد . پس من بعد از تو نسبت به دنیا خشمگینم و تا نفسم می آید گریانم و اشتیاق و اندوه من نسبت به تو از بین نخواهد رفت .

بعد صدا زد : بابا جان! وای قلبم ، و همه هستیم! بعد این شعر را خواند :

إِنْ حُرْنِي عَلَيْكَ حُزْنٌ جَدِيدٌ *** وَفُؤَادِي وَاللَّهِ صَبٌّ عَنِيْدٌ

كُلَّ يَوْمٍ يَزِيْدُ فِيهِ شُجُونِي *** وَ اَكْتِيَابِي عَلَيْكَ لَيْسَ يَبِيْدُ

جَلَّ حَظِّي فَبَانَ عَنِّي عَزَائِي *** فَبَكَائِي كُلَّ وَفْتٍ جَدِيْدٌ

إِنَّ قَلْبًا عَلَيْكَ يَأْلَفُ صَبْرًا *** أَوْ عَزَاءً فَإِنَّهُ لَجَلِيْدٌ

« اندوه من برای تو اندوه جدیدی است ، و قلبم به خدا سوگند بسیار دلباخته و مشتاق توست .

هر روز غم و غصه هایم زیاد می شود ، و بد حالی و اندوهم برای تو از بین نخواهد رفت .

مصیبتم بزرگ است ، و آرامشم از من جدا شده و گریه ام دم به دم تجدید می شود .

قلبی که در مصیبت تو بتواند با صبر و دلداری دم خوش باشد حقا که قلب سختی است .»

بعد صدا زد : بابا جان! دنیا با رفتن تو نورش را از دست داد و روشنایش از دست رفته است در حالی که دنیا با حُسن تو درخشان بود ولی الآن روز دنیا سیاه شده و تاریکی آن تر و خشک را فرا گرفت! بابا جان! پیوسته بر تو اسفناکم تا روزی که به ملاقات تو بیایم . بابا جان! چشمانم برای آرامش بسته نمی شود از وقتی که جدایی محقق شد . بابا جان! بیوه زنان و فقرا چه کسی را دارند امت تا روز قیامت چه کسی را دارد!؟

بابا جان! ما در شام فراق تو چزه ضعیفان شمرده شدیم .

بابا جان! مردم صبحگاهان از ما روگردان شدند در حالی که ما با تو بین مردم محترم بودیم و کسی ما را ضعیف نمی شمرد . پس چه اشکی برای فراق تو روان نمی شود و چه اندوهی بعد تو برایت پیوسته نخواهد بود و چه پلکی بعد از تو خواب را سر مه خواهد کرد و تو بهار دین و نور پیامبران بودی . پس چطور کوه ها به موج و اضطراب نمی افتد .

بابا جان! به مشکل بزرگی گرفتار آمده ام ، و مصیبتم اندک و کوچک نیست .

ای پدر جان! مصیبت بزرگ و پیشامد هراسناکی به من روی آورده .

بابای من! فرشتگان برایت گریستند ، گردون و افلاک از حرکت ایستادند . پس منبرت بعد تو احساس تنهایی می کند ، و محرابت از مناجاتت خالی شده ، و قبرت خوشحال است که تو را در خود پوشانده است، و بهشت مشتاق تو و دعا و نماز توست .

پدر جانم! چقدر جای نشستنت با نبود تو تاریک شده است . پس آن قدر برای دوریت تأسف می خورم تا به زودی نزد تو بیایم .

ابوالحسنِ امین به مصیبت دوست گرفتار شد ، پدر دو فرزندت حسن و حسین (علیهما السلام) ، برادر و ولی، و حبیبیت ، کسی که در کوچکی او را تربیت کردی و در بزرگی با او برادری بستی ، کسی که از همه اصحاب و دوستانت برایت شیرین تر بود و کسی که بین آن ها پیش بود و هجرت کرد و یاور بود. مصیبت از دست دادن عزیز ما را فرا گرفته و گریه قاتل مان شده و ناراحتی ملازم ماست .

بعد ناله ای از دل زد و آهی کشید که نزدیک بود روحش از کالبد خارج شود بعد این شعر را خواند :

قَلَّ صَبْرِي وَبَانَ عَنِّي عَزَائِي *** بَعْدَ فَقْدِي لِخَاتِمِ الْأَنْبِيَاءِ

عَيْنُ يَا عَيْنُ اسْكُبِي الدَّمَاحَ سَحًّا *** وَيَكُ لَا تَبْخَلِي بِفَيْضِ الدَّمَاءِ

يَا رَسُولَ الْإِلَهِ يَا خَيْرَةَ اللَّهِ *** وَكَهْفَ الْأَيْتَامِ وَالضُّعْفَاءِ

قَدْ بَكَتْكَ الْجِبَالُ وَالْوَحْشُ جَمْعًا *** وَالطَّيْرُ وَالْأَرْضُ بَعْدَ بَكَى السَّمَاءِ

وَبَكَكَ الْحَجُونَ وَالرُّكُنُ وَالْمَشْعَرُ *** يَا سَيِّدِي مَعَ الْبَطْحَاءِ

وَبَكَكَ الْمِحْرَابُ وَالِدَّرْسُ *** لِلْقُرْآنِ فِي الصُّبْحِ مُعَلِّناً وَالْمَسَاءِ

وَبَكَكَ الْإِسْلَامُ إِذْ صَارَ فِي النَّاسِ *** غَرِيبًا مِنْ سَائِرِ الْغُرَبَاءِ

لَوْ تَرَى الْمُنْبِرَ الَّذِي كُنْتَ تَعْلُوهُ *** عَلَاهُ الظُّلَامُ بَعْدَ الضِّيَاءِ

يَا إِلَهِي عَجَلْ وَفَاتِي سَرِيعاً *** فَلَقَدْ تَغَصَّتِ الْحَيَاةُ يَا مَوْلَانِي

« صبرم کم شده و آرامشم از من جدا شده بعد از آن که خاتم انبیا(صلی الله علیه و آله وسلم) ، را از دست دادم .

ای دیده پیاپی اشک ببار، وای نکند بخل کنی و خون نباری.

ای رسول خدا! ای برگزیده خدا! وای پناهگاه یتیمان و ضعیفان!

کوه ها، همه حیوانات وحشی، پرندگان، زمین و آسمان، برایت گریستند.

حجون (کوهی در مکه) ، رکن و مشعر و سرزمین بطحاء ای سرورم برایت گریستند .

محراب و تعلیم و تعلّم قرآن صبح و شب آشکارا برایت گریستند . (که صاحب و معلم م مفسّر خود را از دست دادند).

اسلام برایت گریست ، چون بین مردم مثل غریبان غریب واقع شد .

ای کاش منبری که روی آن بالا می رفتی را می دید که تاریکی بر فراز آن رفته بعد از آن که روشنایی و نور روی آن می رفت .

ای معبود من! وفاتم را سریع برسان که زندگی برایم مکدر شده ، ای مولا و ای سرور من .»

جناب فضه ادامه داد :

بعد حضرت فاطمه زهرا(سلام الله علیها) به منزلش برگشت و شب و روز به گریه و ناله بلند پرداخت به گونه ای که اشک چشمش قطع ، و آهش آرام نمی گرفت .

بزرگان اهل مدینه جمع شدند و خدمت امیرالمؤمنین(علیه السلام) آمدند و گفتند : ای ابوالحسن! فاطمه (سلام الله علیها) شب و روز گریه می کند ، کسی از ما نه شب روی بستر خواب خوشی دارد و نه روز سر کارها و طلب معاش خود آرامشی داریم ما به تو می گوئیم که از او بخواهی یا شب گریه کند یا روز .

لذا امیرالمؤمنین(علیه السلام) نزد حضرت فاطمه(سلام الله علیها) آمد ، و آن بانو از گریه استراحت نمی کرد و دلداری برایش فایده ای نداشت . وقتی نگاهش به امیرالمؤمنین(علیه السلام) افتاد کمی آرام گرفت ؛ امیرالمؤمنین(علیه السلام) به او فرمود : ای دختر رسول خدا! بزرگان مدینه از من می خواهند که از شما بخواهم برای پدر بزرگوارت یا شب گریه کنی یا روز .

حضرت فاطمه زهرا(سلام الله علیها) فرمود :

ای ابوالحسن! چقدر کم بین آنها درنگ خواهم نمود ، و چه زود از میان آنان خواهم رفت . به خدا سوگند! شب و روز ساکت نخواهم ماند تا اینکه به پدرم رسول خدا(صلی الله علیه و آله وسلم) ملحق شوم .

امیرالمؤمنین(علیه السلام) فرمود: ای دختر رسول خدا! هر طور مصلحت می دانی رفتار کن .

بعد امیرالمؤمنین(علیه السلام) اتافی در بقیع بیرون مدینه برای آن مخدره ساخت که آن را «بیت الاحزان: خانه غم ها» می نامند . صبح که

می شد حضرت فاطمه زهرا(سلام الله علیها)، امام حسن و امام حسین (علیهما السلام) را جلو می انداخت و گریان به سمت بقیع می رفت، و پیوسته بین قبور مشغول گریه بود، وقتی شب می شد امیرالمؤمنین(علیه السلام) می آمد و او را پیشاپیش خود به منزل می برد.

رفتار حضرت زهرا(سلام الله علیها) پیوسته به همین منوال بود تا اینکه هفتاد و پنج روز بعد از شهادت پدر بزرگوارش شد و به بیماری که در همان بیماری از دنیا رفت دچار شد و تا این که چهل روز گذشت. روز چهارم امیرالمؤمنین(علیه السلام) نماز ظهر را به جا آورد و به سوی منزل می آمد که کنیزان محزون و غم زده به استقبال آن حضرت رفتند. حضرت فرمود: چه خبر شده؟ چرا رنگ چهره و صورتتان برگشته است؟

عرض کردند: ای امیرالمؤمنین! دختر عمویت حضرت زهرا(سلام الله علیها) را دریاب، گمان نمی کنیم که او را زنده دریابی.

امیرالمؤمنین(علیه السلام) سریع نزد آن مخدره آمد دید آن بانو روی بستر خود که پارچه سفید نازک مصری بود آرمیده و به طرف راست و چپ پیچ می خورد. امیرالمؤمنین(علیه السلام) عبا از دوش و عمامه از سر انداخت و کمرنبش را باز کرد و آمد و سر آن حضرت را به دامن گرفت و صدا زد: یا زهرا! ولی حضرت جواب نداد. امیرالمؤمنین(علیه السلام) صدا زد: ای دختر محمد مصطفی! باز حضرت پاسخ نداد. امیرالمؤمنین(علیه السلام) صدا زد: ای دختر کسی که در آسمان بر فرشتگان نماز گزارد. باز حضرت پاسخ نداد. بار سوم امیرالمؤمنین(علیه السلام) صدا زد: ای فاطمه! با من سخن بگو که من پسر عمویت علی بن ابی طالبم.

این بار حضرت زهرا(سلام الله علیها) چشمانش را به چهره امیرالمؤمنین(علیه السلام) گشود و نگاهی به آن حضرت انداخت و شروع کرد به گریه کردن و امیرالمؤمنین(علیه السلام) هم به گریه آمد و فرمود: چه شده من پسر عمویت علی بن ابی طالبم.

حضرت زهرا(سلام الله علیها) فرمود:

ای پسر عمو! من در حال مرگ هستم، مرگی که گریز و چاره و پناهگاهی از آن نیست، و من می دانم که بعد از من باید ازدواج کنی، پس اگر با زنی ازدواج کردی، یک شبانه روز برای او قرار بده و یک شبانه روز برای فرزندانم.

ای ابالحسن! در صورت دو فرزندم فریاد زن که بعد از من یتیم، غریب و دل شکسته خواهند شد که آن ها دیروز جدشان را از دست دادند، و امروز مادرشان را از دست می دهند. پس وای بر امتی که آن دورا می کشند و کینه و بغض آن ها را در دل می گیرند! بعد این اشعار را سرود:

ابُكَيْبِي إِنَّ بَكَيْتَ يَا خَيْرَ هَادٍ *** وَ اسْبِلِ الدَّمَعَ فَهُوَ يَوْمُ الْفِرَاقِ

يَا قَرِينَ الْبُتُولِ أَوْصِيكَ بِالنَّسْلِ *** فَقَدْ أَصْبَحَا حَلِيفَ اشْتِيَاقِ

ابُكَيْبِي وَ ابْنِكَ لِئِتَامَى وَ لَا *** تَنْسَ قَتِيلَ الْعَدَى بِطَفِّ الْعِرَاقِ

فَارْقُوا فَأَصْبَحُوا يَتَامَى حَيَارَى *** يَحْلِفُ اللَّهُ فَهُوَ يَوْمُ الْفِرَاقِ

« برای من گریه کن، اگر گریه می کنی ای بهترین هدایتگر! و اشک روان ساز که امروز، روز جدایی است.

ای همدم بتول ، به تو سفارش فرزندان را می کنم که آن دو (با از دست دادن مادر) همواره مشتاق و دلتنگ مادر خواهند بود .

برای من گریه کن ، و برای یتیمان من گریه کن ، و کشته دشمنان در زمین طف عراق (کربلا) را فراموش مکن .

اینان با جدایی از مادر حیران و سرگردان شده اند خدانگهدار که امروز، روز فراق و جدایی است .».

جناب فضه ادامه داد :

بعد از این خبر دادن حضرت زهرا(سلام الله علیها) از شهادت خود ، امیرالمؤمنین(علیه السلام) از او سؤال کرد که از کجا این مطلب را می فرماید . حضرت زهرا(سلام الله علیها) فرمود :

ای اباالحسن! الآن خواب حبییم رسول خدا(صلی الله علیه و آله وسلم) را دیدم که در قصری از درّ سفید حضور دارد وقتی که نگاهش به من افتاد فرمود : بیا نزد من دختر عزیزم که من مشتاق تو هستم .

عرض کردم : به خدا سوگند من بیشتر مشتاقم که شما را ملاقات کنم .

فرمود : تو امشب نزد من خواهی بود. پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) هم که در وعده خود راستگو است و به عهد خود پایبند است .

پس وقتی شما سوره یس را قرائت نمودی ، بدان که من از دنیا رفتم ، پس مرا غسل بده ، ولی لباسم را کنار من که من پاک و پاکیزه هستم ، و همراه تو از خانواده ام - به ترتیب نزدیک تر بودن- و

ص: 92

کسی که ثواب حضور در نماز بر من روزیش باشد به من نماز بگذارند و شبانه مرا در قبرم دفن کن . به این مطلب حبیبم رسول خدا(صلی الله علیه و آله وسلم) خبر داده است .

امیرالمؤمنین(علیه السلام) می فرماید :

به خدا سوگند! شروع به کارهای آن مخدره کردم و او را در پیراهنش غسل دادم و پیراهن را کنار زدم ، پس به خدا سوگند که آن بانو با میمنت و پاکیزه شده بود ، بعد او را از باقیمانده حنوط رسول خدا(صلی الله علیه و آله وسلم) حنوط کردم و او را در کفن هایش پیچیدم وقتی خواستم بند کفن را ببندم ، صدا زدم : ای ام کلثوم! ای زینب! ای سکینه! ای فضه! ای حسن! ای حسین! بیاید و از مادرتان توشه بردارید ، که این زمان ، زمان جدایی است و دیگر در بهشت با او ملاقات خواهید نمود .

امام حسن و امام حسین(علیهما السلام) آمدند، در حالی که صدا می زدند: وای از حسرتی که هرگز خاموش نخواهد شد به خاطر از دست دادن جدمان حضرت محمد مصطفی(صلی الله علیه و آله وسلم) و مادرم فاطمه زهرا(سلام الله علیها)، ای مادر حسن! ای مادر حسین! وقتی که جدمان حضرت محمد مصطفی(صلی الله علیه و آله وسلم) ملاقات نمودی، بهاو از طرف ما سلام برسان و بگو: ما بعد از تو در دنیا یتیم شدیم.

امیرالمؤمنین(علیه السلام) می فرماید:

من خدا را شاهد و گواه می گیرم که آن مخدره آهی از سر دلسوزی و مهربانی کشید و ناله ای زد و دستش را دراز کرد و دو آقا

زاده (حسن و حسین) (علیهما السلام) را مدتی به سینه کشید که ناگاه هاتقی از آسمان ندا کرد :

ای اباالحسن! آن دورا از آن دو بانو بردار که به خدا سوگند ملائکه آسمان ها را به گریه درآورده اند، که حبیب به محبوب خود مشتاق شده است.

امیرالمؤمنین (علیه السلام) می فرماید :

آن دورا از سینه مادر بلند کردم و شروع کردم به بستن کفن و این ابیات را می خواندم :

فِرَاقُكَ أَعْظَمُ الْأَشْيَاءِ عِنْدِي *** وَفَقْدُكَ فَاطِمَةَ أَذْهَى الثُّكُولِ

سَابِقِي حَسْرَةً وَأَنْوَحُ شَجْوًا *** عَلَى خَلِّ مَضَى أَسْنَى سَبِيلِ

أَلَا يَا عَيْنُ جُودِي وَأَسْعِدِي *** فَحُزْنِي دَائِمٌ أَبْكِي خَلِيلِي

« فراق و جدای تو برای من بزرگترین چیزهاست ، و از دست دادن تو ای فاطمه بزرگترین مصیبت عزیز است .

از روی حسرت خواهم گریست و از روی اندوه نوحه خواهم کرد ، برای دوستی که به بالاترین راه رفته است .

هان ای چشم ، جود کن و بیار و کمک کن که حزن و اندوه من همیشگی است و برای فقدان دوستم گریه می کنم .»

بعد امیرالمؤمنین (علیه السلام) جنازه فاطمه زهرا (سلام الله علیها) را روی دست برداشت و سمت قبر پدر بزرگوارش آورد و صدا کرد :

سلام بر تو ای رسول خدا! سلام بر تو ای حبیب خدا! سلام بر تو ای نور خدا! سلام من بر تو ای برگزیده خدا! سلام بر تو، و درود از

من و از جانب دخترت که به ساحت تو وارد شد ، به راستی که امانت (شما) برگردانده ، و گرو (شما) گرفته شد ، پس وای بر اندوه من بر رسول (خدا) ، و بعد از او ، بر بتول (حضرت زهرا(سلام الله علیها)) ، به راستی که زمین برای من سیاه ، و آسمان از من دور گردیده است ، پس وای بر اندوه و ناراحتی و تأسف من .

بعد به سمت روضه پیامبر(صلی الله علیه و آله وسلم) (ما بین منبر و قبر آن حضرت) آمد و به همراه خانواده ، اصحاب ، پیروان ، دوستان و عده ای از مهاجرین و انصار بر آن بانو نماز گزارد ، بعد وقتی جنازه حضرت زهرا(سلام الله علیها) را در خاک سپرد و لحد را چید ، این ابیات را سرود :

أَرَى عِلَلِ الدُّنْيَا عَلَيَّ كَثِيرَةً *** وَصَاحِبُهَا حَتَّى الْمَمَاتِ عَلِيلٌ

لِكُلِّ اجْتِمَاعٍ مِنْ خَلِيلَيْنِ فُرْقَةٌ *** وَإِنَّ بَقَائِي عِنْدَكُمْ لَقَلِيلٌ

وَإِنَّ أَفْتِقَادِي فَاطِمًا بَعْدَ أَحْمَدَ *** دَلِيلٌ عَلَيَّ أَنْ لَا يَدُومَ خَلِيلٌ

« می بینم که مصائب و گرفتاری های دنیا بر من بسیار شده ، و صاحب این گرفتاری ها تا وقت مرگ گرفتار خواهد بود .

هر اجتماع دو دوستی ، روزی جدایی و فراق خواهد داشت ، و به راستی بقای من بعد از شما کم خواهد بود.

به راستی از دست دادن من فاطمه(سلام الله علیها) را بعد از پیامبر(صلی الله علیه و آله وسلم) دلیل این است که هیچ دوستی همیشه نخواهد ماند .» (1)

ص: 95

1- . بحار الانوار، ج 43، ص 180-174؛ فاطمه زهرا(سلام الله علیها) شادمانی دل پیامبر(صلی الله علیه و آله وسلم) ، ص 708-699.

مادرشان حضرت زهرا (سلام الله علیها)

در حدیث آمده است که امام باقر (علیه السلام) هرگاه که گرفتار تب شدید می گردیدند و در بستر بیماری می افتادند، آب خنک طلب می کردند. وقتی آب به دستشان می رسید و جرعه ای چند از آن میل می کردند، لحظه ای از نوشیدن بازمی ماندند و سپس با صدای بلند، به حدی که در بیرون خانه نیز شنیده شود، از ته دل مادرشان فاطمه زهرا (سلام الله علیها) را صدا می کردند و می فرمودند: مادرم، فاطمه (سلام الله علیها)، ای دختر رسول الله! و بدین گونه در آن لحظات سوز تب، نوعی تشفی دل و مرهم غم و تسکین خاطر می جستند، و جان و روح خود را با نام زیبای محبوب و معشوق و مادر عزیز خود، عطر آگین و سکون آمیز می ساختند. (1)

نکته: من احتمال قوی می دهم همانگونه که تب در جسم لطیف او اثر داشت، همچنین پوشاندن اندوهش به خاطر مصائب مادر مظلومش، در قلب شریفش اثر می کرده است و همانگونه که گرمی تب را به وسیله آب، از بدنش می زدود با یاد مادرش حضرت زهرا (سلام الله علیها) ، از شدت اندوه او می کاست، چنانچه اندوهگین با آه سوزان و نفس های عمیق، از اندوه خود می کاهد؛ زیرا تأثیر مصائب حضرت زهرا (سلام الله علیها) در دل های فرزندانها، ائمه اطهار (علیهم السلام) از بریدن شمشیر و کارد دردناکتر و از سوزش آتش سوزاننده تر می باشد، چرا که در شرایطی بودند که تقیه می کردند و قدرت بر آشکار نمودن مصائب حضرت

ص: 96

زهرا(سلام الله علیها) را نداشتند از این رو وقتی که نام حضرت فاطمه(سلام الله علیها) در حضور آنها برده می شد قلبشان پر اندوه می شد به طوری که هر آدم هوشیاری آثار اندوه را از چهره آنها مشاهده می کرد. (1)

36. یادآوری و ذکر مصیبت حضرت زهرا (سلام الله علیها) در زمان امام صادق (علیه السلام)

امام صادق(علیه السلام) می فرماید :

(ابوبکر نوشته ای برای فاطمه در رد فدک نوشت پس خارج شد فاطمه در حالی که نوشته با او بود) عمر در راه به او رسید پس گفت : ای دختر محمد! این نوشته که با خود داری چیست ؟

فرمود : نوشته ای است که ابوبکر در برگرداندن فدک نوشته است؛ پس عمر گفت: آن را به من بده! حضرت زهرا(سلام الله علیها) از دادن آن امتناع کرد ... سپس لگدی به حضرت زد ... سپس لطمه ای به صورت حضرت زد به طوری که گویا می بینم گوشواره حضرت در گوشش شکست و ... و سپس عمر نوشته را گرفت و پاره کرد....(2)

سکونی(3)

(از علمای بزرگ اهل سنت در عصر امام صادق(علیه السلام)) می گوید : بر امام صادق(علیه السلام) وارد شدم ، قیافه ام گرفته و محزون بود

ص: 97

1- . بیت الاحزان ، ص 156 .

2- . الاختصاص، ص 185.

3- . اسماعیل بن ابی زیاد سکونی، از اصحاب امام صادق (علیه السلام) و یکی از روایانی است که بیشترین روایت را از ائمه(علیهم السلام) نقل کرده است. از ایشان حدود 1122 روایت در کتاب های اربعه حدیثی (فقیه، کافی، تهذیب و استبصار) موجود است. موسوعة طبقات الفقهاء، ج 2، ص 70.

حضرت از علت آن پرسید. جواب دادم: خداوند دختری به من داد.

حضرت فرمودند: ای سکونی! سنگینی آن بر زمین و روزیش با خداست، او عمر خودش را می کند و از روزی خویش می خورد، تو چرا ناراحتی؟ سپس فرمود: اسم او را چه گذاشتی؟

گفتم: فاطمه! امام چون نام فاطمه را شنید سه بار فرمود: آه، آه، آه، گویا با شنیدن این نام تمام مصائب و مظلومیت های مادر را تداعی کرد و لذا دست خویش را بر پیشانی گذاشته و خطاب به من فرمود: چون نام او را فاطمه گذاشته ای، مبادا بر وی ناسزا بگویی و یا او را لعن کنی و یا بزنی. (1)

مرحوم علامه مجلسی (رحمه الله علیه) در شرح این حدیث گفته است:

«آه گفتن امام صادق (علیه السلام) پس از شنیدن نام حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها)، به سبب یادآوری مظلومیت جده اش [حضرت صدیقه کبری (سلام الله علیها)] بوده است. (2)

37. گریه طولانی امام صادق (علیه السلام) در عزای مادرش فاطمه زهرا (سلام الله علیها)

علامه مجلسی (رحمه الله علیه) می نویسد:

در یک روایت طولانی مفضل بن عمر می گوید از امام صادق (علیه السلام) سؤال کردم:

ص: 98

1- . وسائل الشیعه، ج 21، ص 482، ح 1؛ کافی، ج 6، ص 48؛ تهذیب، ج 8، ص 112. روضه المتقین، ج 8، ص 598.

2- . مرآة العقول، ج 21، ص 85.

... تا جایی که حضرت(علیه السلام) در مورد ظلم هایی که به اهل بیت(علیهم السلام) می شود سخن می گویند تا اینجا که : ... آنگاه امام حسین(علیه السلام) با بدنی آغشته به خون ، خود و یارانش که با وی کشته شدند ، در جلو پیغمبر(صلی الله علیه و آله وسلم) می ایستد . چون پیغمبر(صلی الله علیه و آله وسلم) او را می نگرد زار زار می گرید . از گریه او اهل آسمان و زمین نیز گریه می کنند . فاطمه زهرا(سلام الله علیها) هم ناله جانکاه از دل پر الم بر می آورد . از ناله و شیون و گریه و زاری آن حضرت(سلام الله علیها) زمین و اهل زمین متزلزل می گردند . سپس امیرالمؤمنین و امام حسن(علیهما السلام) در سمت راست پیغمبر و فاطمه زهرا(سلام الله علیها) در سمت چپ آن حضرت(علیه السلام) قرار می گیرند . پیغمبر(صلی الله علیه و آله وسلم) او را در آغوش می گیرد و می فرماید : یا حسین فدایت گردم! دیدگان روشن باد و دیدگان من هم روشن باشد سپس حمزه سیدالشهدا(علیه السلام) عموی پیغمبر(صلی الله علیه و آله وسلم) در سمت راست آن حضرت(علیه السلام) می ایستد و در سمت چپ جعفر بن ابی طالب (طیار) قرار می گیرد . ناگاه خدیجه کبری(سلام الله علیها) و فاطمه دختر اسد(سلام الله علیها) (مادر امیرالمؤمنین(علیه السلام)) محسن سقط شده فاطمه زهرا (سلام الله علیها) را به دست گرفته ناله کنان به نزد پیغمبر(صلی الله علیه و آله وسلم) می آیند و مادرش فاطمه(سلام الله علیها) این آیه قرآن را می خواند :

« هَذَا يَوْمُكُمْ الَّذِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ(1) »

الْيَوْمَ تَجِدُ كُلُّ نَفْسٍ مَّا عَمِلَتْ مِنْ خَيْرٍ مُحْضَرًا وَ مَّا عَمِلَتْ مِنْ سُوءٍ تَوَدُّ لَوْ أَنَّ بَيْنَهَا وَ بَيْنَهُ أَمَدًا بَعِيدًا «(2)»

این است آن روزی که به شما وعده شده بود . امروز هر کس کار

ص: 99

1- . انبیاء/ 103.

2- . آل عمران/ 30.

نیکی کرده یا عمل بدی نموده، کرده خود را خواهد یافت، امروز هر کس آرزو می کند که کاش میان او و عمل بدش زمان متمادی فاصله بود.»

مفضل گفت:

فَبَكَى الصَّادِقُ (عليه السلام) حَتَّى اخْضَعَتْ لِحَيْثُهُ بِالذُّمُوعِ ثُمَّ قَالَ لَا قَرَّتْ عَيْنٌ لَا تَبْكِي عِنْدَ هَذَا الذُّكْرِ قَالَ وَبَكَى الْمُفْضَلُ بُكَاءً طَوِيلًا ثُمَّ قَالَ يَا مَوْلَايَ مَا فِي الذُّمُوعِ يَا مَوْلَايَ فَقَالَ مَا لَا يُحْصَى إِذَا كَانَ مِنْ مُحِقِّ .

در این وقت حضرت صادق (علیه السلام) چنان گریستند که محاسن مبارکش از سیلاب اشک تر شد! سپس فرمودند: روشن مباد چشمی که با این گفته نگرید! مفضل هم بسیار گریست و آنگاه عرض کرد: آقا این قدر گریه چقدر ثواب دارد؟

فرمود: وقتی از روی حقیقت باشد به شماره نمی آید!... (1)

در کتاب «هدایة الکبری» ، بیان دیگری در باب گریه دارد . علاوه بر اضافه ای که بسیار بسیار مهم است :

يَا مُفْضَلُ لَوْ قُلْتُ عَيْنًا بَكَتْ مَا فِي الذُّمُوعِ مِنْ ثَوَابٍ وَإِنَّمَا تَرْجُو إِنْ بَكَيْتَا الدَّمَاءَ أَنْ تَابَ بِهِ فَبَكَى الْمُفْضَلُ طَوِيلًا، ثُمَّ قَالَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ إِنَّ يَوْمَكُمْ فِي الْقِصَاصِ لِأَعْظَمُ مِنْ يَوْمِ مِحْنَتِكُمْ فَقَالَ لَهُ الصَّادِقُ (عليه السلام): وَلَا كَيْوَمِ مِحْنَتِنَا بِكَرْبَلَا وَإِنْ كَانَ كَيْوَمِ السَّقِيفَةِ وَإِحْرَاقِ الْبَابِ عَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَفَاطِمَةَ وَ

ص: 100

الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ وَزَيْنَبَ وَأُمَّ كَثُومٍ وَفِضَّةَ وَقَتْلَ مُحَسِّنٍ بِالرَّفْسَةِ لِأَعْظَمِ وَأَمْرًا لِأَنَّهُ أَصْلُ يَوْمِ الْفِرَاشِ؛

حضرت(علیه السلام) می فرماید :

ما امید داریم که اگر در این مصیبت خون گریه کنیم ، خدا به ما اجر و پاداش دهد

آن گاه مفضل گریه ای طولانی کرد ، سپس عرض کرد : ای فرزند رسول خدا! آیا روز شما در قصاص [و مجازات ظالمین در زمان رجعت] بزرگ تر است از روز محنت شما [روزی که مصیبت را بر شما وارد کردند]؟

امام صادق(علیه السلام) فرمودند :

« نه به مانند [و بزرگی] روز محنت [بلا- و مصیبت] ما در کربلا! اگرچه روز سقیفه و سوزاندن درب خانه امیرالمؤمنین ، فاطمه ، حسن ، حسین(علیهم السلام) ، زینب(سلام الله علیها) ، ام کلثوم(سلام الله علیها) ، فضّه و کشته شدن محسن(علیه السلام) با لگد به پهلو ؛ عظیم تر [و فاجعه بارتر] و تلخ تر [از روز محنت در کربلا] بود ؛ زیرا که این روز اصل و ریشه روز عذاب و سختی بر اهل بیت(علیهم السلام) است. (1)

ص: 101

1- . هدایة الكبرى، ص 417؛ عوالم العلوم، ج 11، ص 442 ؛ الهجوم علی بیت فاطمه(سلام الله علیها) ، ص 340 .

38. مادرم فاطمه (سلام الله علیها) در اثر ضربه های قنفذ به شهادت رسیدند

ابوبصیر می گوید: روزی صحبت فاطمه (سلام الله علیها) در میان بود، حضرت امام صادق (علیه السلام) پس از ذکر تاریخ وفات آن بانو، فرمودند:

وَ كَانَ سَبَبُ وَفَاتِهَا أَنْ قُنْفُذاً مَوْلَى عُمَرَ لَكَزَهَا بِنَعْلِ السَّيْفِ بِأَمْرِهِ، فَأَسْقَطَتْ مُحْسِنًا وَ مَرَضَتْ مِنْ ذَلِكَ مَرَضًا شَدِيدًا... (1)

مادرم فاطمه (سلام الله علیها) در اثر ضربت قنفذ (غلام خلیفه دوم) از دنیا رفت، که به امر اربابش به فاطمه (سلام الله علیها) زد و آن حضرت بچه اش را سقط کرده و شدیداً مریض شد و سپس وفات نمود.

39. امام کاظم (علیه السلام) و یاد مادر (سلام الله علیها)

امام موسی بن جعفر (علیهما السلام) همواره از مادر محبوبش و فداکاری ها، مبارزات، ایثارگری ها و مظلومیتش یاد می کرد و به ویژه مسأله فدک که در مورد آن یکی از سیاه ترین صفحات تاریخ صدر اسلام توسط غاصبین حقوق اهل بیت (علیهم السلام) به وجود آمد، همیشه مورد نظر و توجه امام بود که با یادآوری و تشریح و تحلیل ابعاد آن، حقایق مسلمی را درباره حقانیت خاندان رسالت فاش و بیان می فرمود. (2)

ص: 102

1- . عوالم العلوم، ج 11، ص 566؛ بحار، ج 43، ص 170، ح 11؛ دلائل الامامه، ص 134.

2- . دانستی های فاطمی، ص 221.

40. گریه طولانی امام کاظم (علیه السلام) در هنگام نقل حدیث « أَلَا إِنَّ فَاطِمَةَ بَابُهَا بَابِي »

... مَعَاشِرَ الْأَنْصَارِ أَلَا فَاسْمَعُوا وَمَنْ حَضَرَ، أَلَا إِنَّ فَاطِمَةَ بَابُهَا بَابِي، وَبَيْتُهَا بَيْتِي، فَمَنْ هَتَكَهُ فَقَدْ هَتَكَ حِجَابَ اللَّهِ.

قَالَ عَيْسَى (1) فَبَكَى أَبُو الْحَسَنِ (عليه السلام) طَوِيلًا، وَقَطَعَ بَقِيَّةَ كَلَامِهِ (2)

، وَقَالَ: هُتِكَ وَاللَّهِ حِجَابُ اللَّهِ، هُتِكَ وَاللَّهِ حِجَابُ اللَّهِ، هُتِكَ وَاللَّهِ حِجَابُ اللَّهِ، وَحِجَابُ اللَّهِ، يَا أُمَّهُ (3) صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهَا. (4)

ای گروه انصار! آگاه باشید پس خوب گوش فرا دهید و کسی که حاضر است . آگاه باشید درب فاطمه (سلام الله علیها) درب من است . خانه اش خانه من است . هر کس حرمت آن منزل را حفظ نکند حجاب خدا را دریده است .

عیسی بن استفاد گفت : حضرت موسی بن جعفر (علیهما السلام) پس از بیان این حدیث ، گریه سختی کرده و از سخن بازماندند . پس از آن فرمودند : به خدا سوگند! حجاب خدا دریده شد . به خدا سوگند! حجاب خدا دریده شد . به خدا سوگند! حجاب خدا دریده شد . ای مادر! درود خدا بر او باد .

ص: 103

1- . عیسی بن استفاد.

2- . في المصدر: و قطع عنه بقية حديثه و أكثر البكاء.

3- . في المصدر: يا أمه يا أمه.

4- . طرف من الانباء و المناقب، ص 146 ؛ بحار الانوار، ج 22 ، ص 477 .

علی بن ابی حمزه گوید:

حضرت موسی بن جعفر (علیهما السلام) فرمود: من هفت ماه است که دچار تب شده ام و پسر دوازده ماه است که تب می کند و این تب همچنان در بدن ما بالا می رود، و احساس می کنم که همه بدن را نمی گیرد، گاهی بالای تن را می گیرد و به پائین بدن کار ندارد و گاهی پائین بدن را می گیرد و بالا را نمی گیرد.

گوید من عرض کردم: قربانت اگر اجازه دهید من حدیثی را که از ابی بصیر از جدّت (علیه السلام) شنیده ام برای شما بگویم. آن حضرت هر گاه تب می کرد از آب سرد کمک می گرفت، و دو جامه داشت که یکی در آب سرد بود و دیگری را بر تن می کرد و همچنان آن دو را به نوبت می پوشید (و هر گاه جامه که تنش بود خشک می شد آن را بیرون می آورد و جامه ای را که در آب بود به تن می کرد و آن دیگر را در آب می گذارد) سپس فریاد می زد به طوری که صدایش دم در خانه می آمد که می گفت: «ای فاطمه دختر محمد!»

فرمود: راست گفتی.

عرض کردم: قربانت! شما برای تب دوائی ندارید؟

فرمود: دوائی برای آن در نزد ما یافت نشود جز دعا و آب سرد، و من بیمار شدم و محمد بن ابراهیم برایم طبیبی فرستاد و آن طبیب

دارویی برایم آورد که قی آور بود و من آن را نخوردم؛ زیرا هر گاه من قی می کنم بندهایم از هم جدا می شود. (1)

42. امام جواد(علیه السلام) فرمودند: به یاد مادرم فاطمه (سلام الله علیها) و ستم هایی که بر او رفت افتادم....

ابوعبدالله برقی از زکریا بن آدم روایت کند که من در خدمت حضرت رضا(علیه السلام) بودم که حضرت ابوجعفر جواد الاثمه(علیه السلام) را که کمتر از چهار سال داشت به خدمت حضرت آوردند، وی دستش را بر زمین را کوبیده و سرش را به سوی آسمان بلند کرده و به اندیشه فرورفت.

حضرت رضا(علیه السلام) فرمود: فدایت شوم چرا به فکر فرورفته ای؟

فِيمَا صُنِعَ بِأُمِّي فَاطِمَةَ (سلام الله علیها)

فرمودند: به یاد مادرم فاطمه(سلام الله علیها) و ستم هایی که بر او رفت افتادم، به خدا سوگند! آن دو را بیرون خواهم آورد و سپس می سوزانمشان و خاکسترشان را به باد خواهم داد و به دریا خواهم افکند، حضرت او را به نزدیک خود آورده و بین دو دیده اش را بوسید و فرمود، تو برای آن- منصب- می باشی. (2)

ص: 105

1- . الروضة من الكافي، ج 1، ص 158.

2- . بيت الاحزان، ص 156؛ طبری، دلائل الامه، ص 212؛ فاطمه زهرا(سلام الله علیها) شادمانی دل پیامبر(صلی الله علیه و آله وسلم)، ص 744.

43. امام جواد (علیه السلام) و گریه بر مادر (سلام الله علیها)

عبدالله بن رزین می گوید : من مجاور مدینه بودم و حضرت جواد(علیه السلام) هر روز ، نزدیک ظهر ، به مسجد نبی اکرم(صلی الله علیه و آله وسلم) در مدینه می آمد و از سنگی که برای نشستن گذاشته بودند پایین می آمد . سپس به طرف قبر پیامبر(صلی الله علیه و آله وسلم) می رفت و سلام می داد. سپس به جانب خانه فاطمه زهرا(سلام الله علیها) بر می گشت و کفش از پای بیرون می آورد و به نماز می ایستاد . (1)

با نهایت ادب و خضوع داخل خانه شده و در آن جا نماز و دعا می خواند و دقایقی طولانی به عبادت مشغول می شد . و هرگز دیده نشد به زیارت حضرت رسول(صلی الله علیه و آله وسلم) برود و سراغ مادرش را نگیرد . (2)

44. حضرت ولی عصر ۷ و یاد مظلومیت مادرشان

حضرت ولی عصر(عجل الله تعالی فرجه الشریف) از مظلومیت مادرشان یاد می کند و روزی که ظهور می کند ، به مدینه می آید و ناله ها و استغاثه های فاطمه (سلام الله علیها) را متذکر می گردد و می فرماید :

ای مادر! امروز از قاتلانت انتقام می گیرم و آنان را به سزای اعمالشان می رسانم . آنگاه به سراغ قبر قاتلان او می آید و با اذن خدا آن دو را زنده می کند و سؤال می کند : به چه جرمی مادرم را مصدوم و مجروح کردید ؟ بچه اش را کشتید ؟ خانه اش را مورد تهاجم قرار دادید ؟ سپس با شمشیری که در دست دارد آنان را به قتل می رساند

ص: 106

1- . بحار الانوار، ج 50 ، ص 60 .

2- . ریاحین الشریعه ، ج 1 ، ص 58.

و جسدشان را به آتش می کشد و خاکسترشان را بر باد می دهد (با همان هیز می که برای سوزاندن علی و فاطمه و حسن و حسین b جمع کرده بودند) ... (1).

45 . گریه شدید امام زمان ۲

از علامه سید باقر پسر آیت الله سید محمد هندی (متوفای 1329) نقل شده که:

حضرت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را در شب عید غدیر در خواب به حالت افسرده و غمگین دید. پرسید:

آقای من! چه شده که شما را امروز غمگین و افسرده می بینم با اینکه مردم از عید غدیر خوشحال و مسرورند!؟

حضرت فرمود: حزن و اندوه مادرم زهرا (سلام الله علیها) را به یاد آوردم، سپس فرمود:

لا ترانی اتَّخَذْتُ لا و علاها بَعْدَ بَيْتِ الْاِحْزَانِ بَيْتِ سُورِ

سوگند به شرف و مقام آن حضرت مرا نخواهی دید که پس از بیت الاحزان خانه خوشی بگیرم.

پس از آنکه سید از خواب بیدار شد قصیده ای در حالت غدیر و ستم هایی که پس از شهادت حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم)

بر حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) وارد شد سرود و بیتهای را نیز که حضرت سروده بود، در آن

ص: 107

1- . بحار الانوار، ج 52، ص 386؛ فاطمه زهرا (سلام الله علیها) شادمانی دل پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم)، ص 743 .

قصیده گنجانید . قصیده او موجود و مشهور است و مطلعش چنین می باشد :

كُلُّ غَدْرٍ وَقَوْلٍ إِفْكٍ وَزُورٍ *** هُوَ فَرَعٌ مِنْ جَحْدِ نَصِّ الْغَدِيرِ

هر نیرنگ و تهمت و ناروا فرعی از انکار نص صریح غدیر است . (1)

عزاداری و گریه برای حضرت زهرا (سلام الله علیها) از قبل از شهادت ایشان وجود داشته و هر زمان که اهل بیت (علیهم السلام) ، فراغتی برای اقامه عزا داشتند به این کار اهتمام می ورزیدند .

46 . نخستین حکم در قیامت

« وَ أَوَّلُ مَنْ يُحَكَّمُ فِيهِمْ مُحَسِّنُ بْنُ عَلِيٍّ عَ وَ فِي قَاتِلِهِ ثُمَّ فِي قَتْلِهِ... »

اولین

جنایتی که در دادگاه عدل قیامت بررسی می گردد ، موضوع کشته شدن حضرت محسن (علیه السلام) فرزند امیرالمؤمنین (علیه السلام) است ؛ پس از آنکه قاتلش محکوم می گردد، نوبت به قنفذ فرا می رسد . (2)

47 . عزای فاطمی در قیامت

در روز قیامت حضرت خدیجه (سلام الله علیها) و فاطمه بنت اسد (سلام الله علیها) ، که جدّه های حضرت محسن (علیه السلام) می باشند ، او را در حالی که خون آلود است با خود می آورند به همراه آنان امّ هانی و جمانه ، عمه های او که دختران ابوطالب می باشند ، و اسماء بنت عمیس ، خشمیّه فریاد زنان

ص: 108

1- . عوالم العلوم، ج 11، ص 795 ؛ فاطمه زهرا (سلام الله علیها) شادمانی دل پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) ، ص 826 .

2- . کامل الزیارات، ص 334؛ فاطمه زهرا (سلام الله علیها) شادمانی دل پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) ، ص 745 .

و شیون کنان ، دست هایشان را بر صورت ها کوبیده موهای سر را پریشان می کنند و فرشتگان آنان را با بال هایشان می پوشانند و مادرش حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) گریه می کند و فریاد می زند و می گوید:

« هَذَا يَوْمُكُمْ الَّذِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ » (1)

(جبرئیل از طرف) محسن فریاد می زند و می گوید :

من ستمدیده ام و یاری می جویم . رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) محسن (علیه السلام) را روی دست گرفته او را بالا به سوی آسمان نگه می دارد و می فرماید :

ای خدای من و ای مولای من! ما به خاطر تو در دنیا صبر و بردباری کردیم امروز روزی است که هر کسی هر کار خوبی را که انجام داده ، در مقابل خود می بیند و آرزو می کند که ای کاش بین او و بین کار بدی که انجام داده ، فاصله ای بس دور می بود . (2)

48. گریه ملانکه و حاملین عرش الهی و اهل دنیا

امام صادق (علیه السلام) به مفضل فرمود :

روز قیامت حضرت زهرا (سلام الله علیها) بر می خیزد و عرض می کند: خدایا! وعده ات را در مورد کسانی که به من ظلم کرده اند و حق مرا غصب نمودند و مرا زدند و من را با ظلم به تمام فرزندانم به گریه انداختند ، عملی ساز و انتقام بگیر ! در این وقت فرشتگان هفت آسمان و حاملین عرش الهی و ساکنان هوا و اهل دنیا و آنها که در زیر طبقات

ص: 109

1- . انبیاء/ 103.

2- . نواب الدهور ، ص 192 ؛ فاطمه زهرا (سلام الله علیها) شادمانی دل پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم)، ص 699 .

زمین هستند، با ناله و فریاد می‌گریند و به خدا شکایت می‌کنند. در آن روز تمام قاتلان و ظالمان به ما و آنها که از آنچه بر سر ما آمده، راضی بودند، هزار بار به قتل می‌رسند نه مثل کشته شدن آنها که در راه خدا شهید می‌شوند. (1)

ص: 110

1- . بحار الانوار، ج 53، ص 23.

فصل دوم : اسناد مرتبط با غير معصومين (عليهم السلام)

اسناد مرتبط با غير معصومين (عليهم السلام)

ص: 111

قدیمی ترین سند از عزاداری و گریه غیر معصوم ، برای حضرت زهرا(سلام الله علیها) (غیر از اسناد مربوط به همان زمان شهادتشان) مربوط به ابن عباس در سال 61 هجری و بعد از شهادت امام حسین(علیه السلام) است . شاذان بن جبرئیل در این باره می نویسد :

بِالْإِسْنَادِ

يَرْفَعُهُ إِلَى سُلَيْمِ بْنِ قَيْسٍ أَنَّهُ قَالَ لَمَّا قُتِلَ الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ (عليهما السلام) بَكَى ابْنُ عَبَّاسٍ بُكَاءً شَدِيداً... وَ لَقَدْ دَخَلْتُ عَلَى عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (عليهما السلام) ابْنِ عَمِّ رَسُولِ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم) بِذِي قَارٍ فَأَخْرَجَ لِي صَحِيفَةً وَقَالَ يَا ابْنَ عَبَّاسٍ هَذِهِ الصَّحِيفَةُ إِمْلَأْ رَسُولِ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم) وَ حَطِّي بِيَدِي قَالَ فَقُلْتُ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ اقْرَأْهَا عَلَيَّ فَقَرَأَهَا... وَ كَيْفَ تُسْتَشْهَدُ فَاطِمَةُ (سلام الله عليها).

سلیم بن قیس گفت : وقتی که حسین بن علی(علیهما السلام) شهید شد ، ابن عباس به شدت گریه کرد و گفت : در ذی قار خدمت آقا امیرالمؤمنین(علیه السلام) وارد شدم حضرت کتابی را برایم بیرون آورد و فرمود : ای ابن عباس ! این کتابی است که پیامبر(صلی الله علیه و آله وسلم) بر من املاء فرموده و دست خط خودم است . عرض کردم : یا امیرالمؤمنین ! آن را برایم بخوان . حضرت آن را خواند ... و اینکه چگونه حضرت فاطمه(سلام الله علیها) شهیده می شود ... (1)

ص: 113

2: توسعه عزاداری از قرن سوم به بعد

در هر دوره ای که شیعیان تحت فشار حکومت ها نبوده اند، عزاداری برای ائمه اطهار و فاطمه زهرا (سلام الله علیها) بیشتر می شده و شیعیان با خیالی آسوده تر و آشکارا به عزاداری می پرداخته اند. اما در دوره هایی که این فشار و تهدید از ناحیه حکومت و حاکمان وجود داشته، عزاداری کمتر، و به صورت مخفیانه صورت می گرفته و به واسطه همین امر در دوره های اخیر که شیعه کمتر احساس خطر کرده عزاداری برای حضرت زهرا و سایر معصومین (علیهم السلام) بیشتر و بهتر شده است .

ابن اثیر می نویسد: « در قرن سوم و چهارم و پنجم و همزمان با تشکیل دولت های آل بویه در عراق و حمدانیون در سوریه و فاطمیون در مصر ، مذهب شیعه گسترش یافت و مراسم عزاداری توسعه یافت .»⁽¹⁾

ولی قبل از آن عزاداری به صورت پنهانی انجام شده است، آن چنان که تاریخ نویسان نوشته اند:

در دوران حکومت عباسیان، علویان یا از دم تیغ گذشتند و یا در سیاه چال ها پوسیدند و یا از ترس جان، گمنام در دهکده ها و بیخوله ها به سر می بردند ... نوحه گری در مجلس های سری و سپس بر سر بازارها بر دختر پیغمبر و ستم هایی که بر او و فرزندان او رفته است، آغاز شد.»⁽²⁾

ص: 114

1- . الکامل فی التاریخ ، ترجمه عباس خلیلی ، ج 8 ، ص 549 .

2- . زندگانی فاطمه زهرا (سلام الله علیها) ، شهیدی، سیدجعفر، ص 184 .

3: گفته های قاضی عبدالجبار معتزلی (م 415 قمری، از متکلمین اهل سنت)

قاضی عبدالجبار در کتابش « تثبیت دلائل النبوه »، ضمن نام بردن تعدادی از علمای شیعه من جمله شیخ مفید (رحمه الله علیه) (م 413 ق) ، تصریح دارد این بزرگان ضمن اعتقاد به شهادت حضرت زهرا (سلام الله علیها) توسط خلیفه دوم، بر آن حضرت گریه کرده و مراسم نوحه سرایی بر پا می کردند:

«وفی هذا الزمان منهم مثل ابي جبلة ابراهيم بن غسان ، ومثل جابر المتوفى ، وأبي الفوارس الحسن بن محمد الميمدى وأبي الحسين أحمد بن محمد بن الكميت، وأبي محمد الطبري ، وأبي الحسن الحلبي وأبي يتيم الرباي، وأبي القاسم النجاري ، وأبي الوفا الديلمي ، وابن أبي الديس ، وخزيمه، وأبي خزيمه ، وأبي عبد الله محمد بن النعمان ، فهؤلاء بمصر وبالرمله وبصور ، وبعكا وبعسقلان ودمشق وبيغداد وبعجل البسماق . وكل هؤلاء بهذه النواحي يدعون التشيع ومحبه رسول الله صَلَّى الله عليه وسلم و أهل بيته ، فيبكون على فاطمه وعلى ابنها المحسن الذي زعموا أن عمر قتله» (1)؛

و در این زمان از جمله آن ها مانند ابي جبلة ابراهيم بن غسان و جابر المتوفى و ابو الفوارس حسن بن محمد ميمدى و ابو الحسين

ص: 115

1- . تثبیت دلائل النبوه ، ج 2 ، ص 594 و 595 .

احمد بن محمد بن الڪمیت و ابو محمد طبری(1) و ابو الحسن حلبی(2)

و ابو یتیم و ابو القاسم نجاری(3) و ابو الوفا دیلمی(4)

و ابن ابی الدیس(5) و خزیمه

ص: 116

1- . حسن بن حمزه بن علی بن عبد الله بن محمد بن الحسن بن الحسين بن علی بن ابی طالب (علیهم السلام) ابو محمد الطبری: از بزرگ ترین علما و فقهای شیعه است که علمای امامیه از جمله نجاشی و شیخ طوسی و علامه حلبی و جزائری و حائری مازندرانی و مجلسی و بحر العلوم و مامقانی و غیره، او را توثیق و مدح کرده اند . تنقیح المقال ، علامه مامقانی ، چاپ مؤسسه آل البیت ، ج 19، ص 138 تا 151 مراجعه شود .

2- . ثابت بن أسلم بن عبد الوهاب أبو الحسن الحلبي النحوی: از علمای بزرگ شیعه و از شاگردان ابوالصلاح حلبی بود . به جرم اینکه او کتابی علیه اسماعیلیه نوشت ، در سال 460 مستنصر بالله (خلیفه فاطمی مصر) او را به صلیب کشید و کتابخانه اش با 10 هزار جلد کتاب را آتش زدند . برای اطلاع بیشتر درباره ایشان به کتاب تنقیح المقال فی علم الرجال علامه مامقانی چاپ مؤسسه آل البیت ، ج 13، ص 232 تا 235 مراجعه شود .

3- . ابوالقاسم الحسن بن فرح بن حوشب بن زادن الكوفي النجاری منصور الیمن : او اهل کوفه بوده و در سال 268 به یمن می رود و نخستین داعی اسماعیلی ها در کشور یمن می شود و یمنی ها تابع او می شوند . کتبی به او منسوب است و شرح حال مفصلش در رساله افتتاح الدعوه قاضی نعمان مغربی آمده است .

4- . ازادویه بن عبدالله الاصفهسالار (سپهسالار) المرشد ابوالوفاء الدیلمی : از حاکمان و فرماندهان شیعه در منطقه دیلم (شمال ایران فعلی) بوده و حتی امارت کوفه را به دست می آورد و در آنجا خطبه می گذارد و در سال 444 فوت می کند . (ابن فوطی ، مجمع الاداب ، ج 5، ص 190 و 191) .

5- . عبدالله بن ابی الدیس ابو محمد : فقط می دانیم که او ، قاضی دمشق بوده و نماز میت عبدالوهاب بن عزون (قاضی منطقه باناس سوریه) را در سال 397 خوانده (ابن عساکر ، تاریخ دمشق ، ج 37 ، ص 336) و خودش هم در سال همان زمان ها فوت کرده . (ابن عساکر ، تاریخ دمشق ، ج 37 ، ص 317) .

و ابی عبد الله محمد بن النعمان(1) هستند که در مصر(2) و رمله(3)

و صور و عکا(4)

و عسقلان(5) و دمشق(6) و بغداد و جبل بسماق(7)

سکونت دارند و همه این ها در این مناطق ادعای تشیع و محبت رسول الله(صلی الله علیه و آله وسلم) و اهل بیتش(علیهم السلام) را دارند و بر فاطمه و فرزندش محسن که اعتقاد دارند عمر او را کشته است گریه می کنند».

و در چند جمله بعد می نویسد :

«و یقیمون المنشدین و المناحات فی ذلک...»

«و در این زمینه مجالس مداحی و نوحه برپا می کنند.»(8)

این یعنی عزاداری فاطمیه در آن زمان توسط شیعیان مصر و فلسطین و سوریه و عراق برگزار می شده است .

ص: 117

- 1- محمد بن محمد بن النعمان ابو عبدالله معروف به ابن معلم و شیخ مفید : وی از برجسته ترین علمای شیعه در تمام تاریخ بوده و اساتید و شاگردانش هم همگی از نوادر دوران و برجسته ترین علمای شیعه بودند . برای مطالعه درباره ایشان به تنقیح المقال فی علم الرجال علامه مامقانی ، چاپ سنگی ، ج 3 ، ص 180 و 181 مراجعه شود .
- 2- مصر : کشوری در افریقا .
- 3- رمله : شهری در فلسطین امروزی .
- 4- عکا : شهری در فلسطین امروزی .
- 5- عسقلان : شهری در فلسطین امروزی .
- 6- دمشق : پایتخت کشور سوریه .
- 7- جبل البسماق : کردستان سوریه امروزی .
- 8- تثبیت دلائل النبوه ، ج 2 ، ص 594 و 595 .

بنابراین اعتقاد به شهادت حضرت فاطمه (سلام الله علیها) و مضروب شدن ایشان و شهادت حضرت محسن و برپایی مجالس عزاداری در این زمینه در بین شیعیان قدمتی طولانی داشته و از امور جدید نیست.

4: تشکیل انجمن ها جهت فضائل اهل البیت (علیهم السلام)

با گسترش تسلط دیلمیان بر بغداد در این شهر که سال ها پیش مرکز اجتماع شاعران شیعی بود انجمن ها تشکیل گردید که در آن فضیلت های اهل بیت (علیهم السلام) را نقل نموده و بر مظلومیت آن ها اشک می ریختند. (1)

5. خواندن حدیث فدک در حرم حضرت موسی بن جعفر (علیهما السلام)

در سال 608 هجری قمری الناصر لدین الله، ابوالعباس احمد بن المستضیء امر کرد تا کتاب مسند امام «احمد بن حنبل» در «حرم موسی بن جعفر (علیهما السلام)» با اجازه خلیفه در حضور «صفی الدین محمد بن معدّ موسوی» خوانده شود. اولین چیزی که از آن خواند «مسند ابوبکر» و «حدیث فدک» و ماجراهایی بود که در مورد فدک به وقوع پیوست. (2)

ص: 118

1- زندگانی حضرت زهرا (سلام الله علیها)، شهیدی، سید جعفر، ص 213.

2- آیین های دینی - شیعی، ص 244.

6: ابن حجر عسقلانی (متوفای 852 قمری / از علمای اهل سنت)

ابن حجر عسقلانی از علمای بزرگ اهل سنت ، ماجرای را در مورد مجلس عزاداری شیعیان برای حضرت فاطمه (سلام الله علیها) را در کتاب « لسان المیزان » نقل می کند:

أخبرني علي بن محمود قال كان البلخي الواعظ كثيرا ما يذم من في مجالسه سب الصحابه فحضرت مرة مجلسه فقال : بكت فاطمه يوما من الأيام فقال لها علي : يا فاطمه لِمَ تبكين علي أأخذت منك فيئك اغصبتك حثك افعلت افعلت و عدّ أشياء مما يزعم الروافض أن الشيخين فعلاها في حق فاطمه قال فضج المجلس بالبكاء من الرافضة الحاضرين؛ (1)

علی بن محمود به من خبر داد که بلخی واعظ ، اکثر آنچه در مجالسش می گفت سب صحابه بود . یک بار در مجلسش حاضر شدم . او گفت روزی از روزها حضرت فاطمه (سلام الله علیها) گریه کرد . پس حضرت علی (علیه السلام) به او فرمودند : برای چه چیزی گریه می کنی ؟ مگر من بودم که اموال تو را گرفتم حق تو را غصب کردم ؟ مگر من بودم که با تو چنین و چنان کردم ؟ و در آن مجلس واعظ بلخی مواردی را به جای چنین و چنان شمرد که شیعیان (به دلیل تعصب مذهب ابن حجر به شیعیان ، از واژه رافضیان استفاده کرده است) بر این باورند که ابوبکر و عمر در حق فاطمه (سلام الله علیها) روا داشته اند ، پس صدای ضجه و گریه شیعیان حاضر در آن مجلس به آه و فغان بلند گردید .

ص: 119

جالب اینجاست که واعظ بلخی (متوفای 596 قمری) بنا به مستندات موجود در کتب مختلف، از بزرگان و شخصیت های برجسته اهل سنت هم به حساب می آمده است. به طوری که او سال های سال از شاگردان ابو شجاع بلخی بسطامی، از علمای بزرگ اهل سنت در بلخ در قرن ششم و ابوسعید سمعانی، مؤلف کتاب مشهور انساب، بوده و علی بن مفضل مقدسی که از فقهای بزرگ مالکی ها بوده، از شاگردان او بود و از بزرگان نظامیه بغداد به حساب می رفت (1) و ابن عنین شاعر، شعری در مدح او گفته (2) و خطیب بغدادی از او اجازه روایت گرفته است. (3)

7: سندی موجود در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران به شماره ثبت 8255.

در صفحه اول آن سند، نامه ای به امضای ناصرالدین شاه مربوط به سال 1265 قمری (228 شمسی) وجود دارد که دستور داده است هر سال، یک گوسفند به نصرالله خان زنبورکچی باشی (معروف به نصر الملک. پسر میرزا نبی قزوینی و برادر میرزا حسین سپهسالار) داده شود تا در ایام فاطمیه برای مراسم حضرت زهرا (سلام الله علیها) قربانی شود.

ص: 120

1- تاریخ اسلام، ذهبی، ج 12، ص 1085.

2- دیوان، ابن عنین، ص 391.

3- تاریخ بغداد، ج 15، ص 34.

8 : علنی شدن و رونق گرفتن مراسم عزاداری

شاید بتوان گفت از دوره صفویه به بعد که عزاداری ها علنی شد و با تثبیت حاکمیت ایل قاجار ، و علاقه ای که آنان به ترویج نمادها و آئین های شیعی داشتند گرامی داشت فاطمیه نیز رونق رسمی در این دوره پیدا کرد .

روایتی که می تواند شاهی بر رواج فاطمیه در دوره قاجار و خصوصاً عهد ناصرالدین شاه باشد ، گزارشی است که شیخ ابراهیم زنجانی در خاطراتش از مرسوم شدن فاطمیه در این دوره داده است . وی درباره سنت سوگواری ایام فاطمیه چنین می نویسد :

باری ، تازه معمول شده هم درعبات ، هم در زنجان به جهت فاصله از محرم و رمضان و سایر ایام عزا و اجتماعات دینی ، آن روایت که مطابق است با وفات حضرت فاطمه (سلام الله علیها) در ماه جمادی الاول احتیاطاً سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم سه روز روضه خوانی و جمع کردن مردم و سبب اشتها است . من با هزار زحمت از کار بریدم ، حاجی ملاصادق هم کمک کرد ، روضه خوانی به راه انداختیم .(1)

با استفاده از این نقل می توان دریافت که حوزه نجف در عهد ناصرالدین شاه و مظفرالدین شاه به برپایی عزاداری فاطمیه اهتمام داشته است . آخوند خراسانی در این میان نقش برجسته ای داشته و سوگواری فاطمیه دوم در بیت او با استقبال گسترده ای مواجه بوده است . حتی پس از وفات ایشان نیز این سنت از سوی خاندان وی ادامه یافته ، اکنون نیز در خانه نوه وی در قم (میرزا عبدالرضا

ص: 121

1- . سرگذشت زندگانی من ، (خاطرات شیخ ابراهیم زنجانی) ، ص 107 .

کفایی) روضه فاطمیه بر پا می شود. در اسناد کنسولی ایران نیز به برپایی روضه فاطمیه در بیت آخوند خراسانی در عهد رضا شاه اشاره شده و آمده که طلاب حاضر در مراسم فاطمیه در تاریخ آبان 1307 شمسی نسبت به دعای سخنران برای سلامتی شاه اعتراض کرده اند. (1)

9: سند موجود در کتابخانه آستان قدس رضوی به شماره 16899

در این سند صورت حساب هزینه های برگزاری مراسم شهادت حضرت زهرا(سلام الله علیها) در سال 1317 هجری قمری (1278 هجری شمسی) وجود دارد.

10: سند دیگر، وقف نامه غلامحسین خان عامری سردار مجلل

سند دیگر، وقف نامه غلامحسین خان عامری سردار مجلل است که در سال 1337 قمری (1297 شمسی) نوشته شده و در آن گفته شده که برخی از اموالش اعم از زمین های وسیعی که داشته را وقف عزاداری حضرت زهرا(سلام الله علیها) کرده است که این وقف نامه، الآن در مجموعه شخصی خانم بیتا عامری موجود است. (2)

ص: 122

1- . چالش ها و تعاملات ایران در نیمه نخست قرن بیستم، ص 78 .

2- . سایت اجتهاد مقاله آقای پوسانی .

فصل سوم: یک‌هزار و چهارصدمین سال

شهادت حضرت زهرا (سلام الله علیها)

ص: 123

سال 1411 قمری در چهاردهمین قرن شهادت حضرت صدیقه طاهره (سلام الله علیها) حوزه علمیه اصفهان « نهضت فاطمی » را آغاز کرد، با تشکیل جلسات، تهیه پرچم، بنر، پوستر، کتاب، جزوه، و راه انداختن دستجات عزاداری در اصفهان، سپس اعزام حوزویان، دانشگاهیان، بازاریان به شهرهای مختلف به صورت کاروان های تبلیغی در توسعه این جنبش خودجوش مردمی بسیار تأثیر گذاشتند و موجب رونق جلسات، هیأت و دستجات در ایام فاطمیّه شدند.

در سال های بعد مراجع بزرگ تقلید با چاپ و نشر بیانیّه بر گستره نهضت افزودند. سرانجام با اعلام تعطیلی روز شهادت آن حضرت، با اهتمام مرجعیت اعلای تشیّع در سال 1420 قمری و حرکت مراجع تقلید از بیوت خود با پای برهنه و پیاده به سوی حرم مطهر حضرت فاطمه معصومه (سلام الله علیها) و گسترش آن در کشورهای آسیایی، اروپایی، آفریقایی، کانادا، آمریکا، و استرالیا، تا حدی حق آن حضرت ادا شد.

آثار و برکات این نهضت عظیم به تألیف کتاب هایی متنوع و متعدد نیاز دارد، که گزارش قسمتی از آن در کتاب « نهضت فاطمیّه »⁽¹⁾

در دو مجلد و ترجمه آن تحت عنوان: « کرامات الزّهر (سلام الله علیها) » و

ص: 125

1- . این کتاب یکی از آثار تاریخی و ماندگار حضرت آیت الله میرسید حجت موحد ابطحی (علیه حفظه الله) می باشد که خود از پیشگامان، بنیان گذاران و مؤسس فاطمیّه ابتدا در اصفهان و بعد در کشور و به تبع آن در جهان می باشد. کتاب فوق در دو جلد به زیور طبع آراسته گردید که به موضوع: عوامل مؤثر در گسترش نهضت فاطمیّه، نقش مراجع تقلید در حفظ و گسترش نهضت فاطمیّه، نقش تحقیق و تألیف در نهضت فاطمیّه، آثار بزرگداشت فاطمیّه، نهضت فاطمیّه از دیدگاه صاحب نظران و شعراء اهل بیت (علیهم السلام) و گزارشی از سفرهای تبلیغی برای بزرگداشت فاطمیّه و به 113 کرامت و عنایت فاطمی پرداخته اند. خداوند طول عمر به حضرت استاد عنایت بگرداند.

ترجمه انگلیسی و اردوی آن به چاپ رسیده و سهم به سزایی در جهانی شدن آن داشته است .

پس از آنکه حرکت نورانی و معنوی نهضت فاطمیه در سطحی وسیع و به شکلی قابل توجه در کشور ایران و سایر بلاد مطرح گردید نیروهای شیطانی دست به کار شدند و به اشکال گوناگون برای رشد و گسترش و جهانی شدن این حرکت نورانی مانع تراشی کردند و با طرح سؤالات و شبهه های رنگارنگ در صدد تضعیف و توقف نهضت فاطمیه بر آمدند و سعی نمودند که از یک طرف طرفداران و یاوران این حرکت مقدس را متزلزل نمایند و از طرف دیگر از رشد و گسترش آن جلوگیری نموده و نگذارند جمعیت هایی تازه و علاقه مندانی جدید به این برنامه حیات بخش و انسان ساز بپیوندند و در این موقعیت بسیار حساس و خطیر بود که مراجع معظم تقلید دامت برکاتهم و ادام الله ظلهم اقدام نمودند و از یک طرف با اطاعیه های روشنگر و آگاهی بخش و از طرف دیگر با پاسخ به سؤالات و دفع شبهه ها با منطقی قوی و استدلالاتی مستحکم به دفاع از این حرکت مقدس پرداختند و نیروهای فکری

ص: 126

دشمن را به عقب راندند و فضای فکری و عاطفی جامعه را در تمامی بلاد اسلامی و غیر اسلامی برای حفظ و تداوم و گسترش این حرکت الهی و حیات بخش آماده نگه داشتند . این بزرگواران با بهره گیری از جایگاه مقدس و بلند خود در جامعه از یک طرف و با خضوع و تواضع خویش در برابر عظمت حضرت زهرا(سلام الله علیها) از طرف دیگر و با اشک و آه جانسوز خویشتن در مصائب آن مظلومه شهیده دل و جان مردم و احساسات و عواطف پاک انسان های حق طلب و حقیقت جو را تحت تاثیر قرار دادند و آنها را هر چه بیشتر در مسیر فعالیت و کوشش در راه مقدسی که در پیش گرفته بودند یاری رسانیدند. و اینک برای نمونه از اقدامات چند تن از مراجع معظم تقلید دامت برکاتهم یاد می کنیم .

اقدامات مرحوم آیه الله العظمی گلپایگانی(رحمه الله علیه)

مرجع عالیقدر جهان تشیع و زعیم حوزه های علمیه مرحوم آیه الله العظمی آقای حاج سید محمدرضا موسوی گلپایگانی(رحمه الله علیه) این بزرگ فقیه و مرجع آگاه از دیر زمان علاقمند به بزرگداشت مقام حضرت زهرا(سلام الله علیها) بوده اند و نسبت به مظلومیت و شهادت آن حضرت عنایت خاص داشته اند و در شروع نهضت فاطمیه در سال 1411 قمری که مقارن با چهاردهمین قرن شهادت حضرت زهرا (سلام الله علیها) بود نقش اساسی و حیاتی ایفا نمودند و با اطلاعیه تاریخی و راه گشای خود نه تنها در بیداری و توجه جامعه آن روز (در ایران و جهان)

نسبت به شخصیت و شهادت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) تاثیر کم نظیری گذاردند ، بلکه در به ثمر رسیدن برنامه های گسترده ای که در شهر ولایتی اصفهان در آن سال انجام گرفت و به خاطر گستردگی و تنوع آنها و شرایط حساس آن زمان (با توجه به وجود گروه های انحرافی که در اصفهان و توابع آن دارای قدرت و سلطه بودند) نقش بسیار حساسی ایفا نمودند و اطلاعیه ایشان پشتیبانی بی نظیری از آن اقدامات بزرگ و دست اندرکاران آن به حساب آمد . مرحوم آیه الله العظمی آقای گلپایگانی (رحمه الله علیه) در

رهنمودهای تاریخی خود به همه برنامه های گسترده ای که در شهر اصفهان در حال انجام بود عنایت فرمودند و آنها را به عنوان دستورالعملی برای کل ایران و شیعیان جهان مطرح نمودند .

اطلاعیه مهم و تاریخی آیه الله العظمی گلپایگانی درباره چهاردهمین قرن شهادت حضرت زهرا (سلام الله علیها)

قال الله تعالى : « وَ ذَكَّرَهُمْ بِآيَاتِ اللَّهِ » و قال عزَّ من قائل : « قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى »

یکهزار و چهارصدمین سال شهادت ام الائمه النقباء حجة الله الكبرى بقیة النبوة و ثمرة الرسالة سيدة نساء العالمین فاطمة الزهراء (سلام الله علیها) یگانه دخت پاک نبی گرامی (صلی الله علیه و آله وسلم) را به محضر مقدس حضرت بقیة الله الاعظم حجة بن الحسن العسکری ارواحنا و ارواح العالمین له الفداء و مسلمانان جهان خصوصاً شیعیان و ملت

شریف ایران تسلیت عرض می کنم و توجه تمامی مسلمانان را به جلالت و عظمت مقام والای بانوی معطوف می دارم که خداوند متعال در قرآن از او به کوثر یاد می کند و بعد از نزول آیه تطهیر در کنار خانه فاطمه (سلام الله علیها) می فرماید: السَّلَامُ عَلَيْكُمْ اهل البيت و رحمة الله وبركاته إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً و به هنگام مباحله مصداق « نِسَاءَنَا وَ نِسَاءَكُمْ » قرار می گیرد و آیات وَ يُطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مِسْكِيناً وَ يَتِيماً وَ أَسِيراً * إِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ لِوَجْهِ اللَّهِ لَا نُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَ لَا شُكُوراً ، « وَ يُؤَثِّرُونَ عَلَى أَنْفُسِهِمْ وَ لَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ » در شأن او و همسر و فرزندان نازل می گردد .

پیامبر گرامی اسلام دستش را می بوسید و او را به جای خویش می نشاند و با لقب ام اییها خطاب می کرد و کراراً درباره اش می فرمود :

أَنْتِ سَيِّدَةُ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ أَنْتِ سَيِّدَةُ نِسَاءِ أَهْلِ الْجَنَّةِ مِنَ الْأُولَى وَالْآخِرِينَ فِدَاكِ أَبُوكِ يَا فَاطِمَةُ ، إِنَّ اللَّهَ يَرْضَى لِرِضَاكِ وَيَغْضَبُ لِعِصْيَانِكِ .

و هرگاه پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) با حضرت علی (علیه السلام) برای بیان اسرار خلوت می فرمود فاطمه (سلام الله علیها) را نیز شرکت می داد . فاطمه (سلام الله علیها) ولیة الله ، حجة الله و پاره تن و روح رسول الله (صلی الله علیه و آله وسلم) بود احدی از او به پیغمبر (صلی الله علیه و آله وسلم) شبیه تر و نزدیکتر و محبوب تر نبود . او صدیقه کبری و ناموس الله عظمی بود و خداوند متعال نسب پیغمبر (صلی الله علیه و آله وسلم) و امامان مکرم را از ذریه او قرار داد . ادب و اطاعت خالص او از پدرش و احترام بی نظیر پدرش از او ، همسر داری ، خانه داری ، تربیت فرزند و همه صفات و اخلاقش

آموزنده و مشحون به حقایق عالی عرفانی و عنایات خاصهٔ سبحانی بود. اکنون که این ایام مصادف با یکهزار و چهارصدمین سال شهادت صدیقهٔ طاهره (سلام الله علیها) است انتظار دارم مسلمانان و شیعیانی که به وسیلهٔ مودت و دوستی خاندان رسالت و ولایت اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم السلام) به خداوند متعال تقرب می‌جویند با اقامهٔ مجالس بیشتر و مراسم سوگواری و ذکر مناقب و فضائل و تعظیم و تجلیل از شخصیت آن بانوی اسلام و فخر عالم نسوان و انسان با پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) و اهل بیت (علیهم السلام) تجدید عهد کنند و برای خودسازی و تکمیل نفس و تهذیب اخلاق از این برنامه‌ها استفاده‌های ارزشمند نمایند. و نیز پیرامون ابعاد گستردهٔ حیات و شخصیت والا- و خصائص مقدّس اخلاقی و علمی و سیره و روش و مجاهدت آگاهانه و احتجاجات و عبادات و زهد و صبر و ایثار و شجاعت و صراحت و فصاحت و بلاغت و علم و عرفان و عبادت و عصمت و طهارت آن بانوی بانوان، سمینارها تشکیل شود و رسانه‌های گروهی، مؤلفان و نویسندگان، با تالیف کتاب و رساله و خطباء و شعراء با ایراد سخنرانی‌ها و سرودن اشعار نغز و شیوا و خلاصه همگان در خور امکانات خود این فرصت را گرامی بدانند و ابعاد عظمت شخصیت آن بانوی بی‌همتا و همچنین دیدگاه‌ها و تعالیم قولی و عملی آن حبیبه خدا را در مورد زن و نقش و موضع او در اجتماع تبلیغ نمایند.

شایسته است بانوان برای پیمودن مدارج ترقی و تعالی، به حضرت زهرا (سلام الله علیها) این بانوی برگزیده خدا تاسی بجویند و در رعایت

حیا و حجاب و عفت و التزام به تکالیف شرعی او را رهبر یگانه خود بدانند؛ زیرا فاطمه زهرا (سلام الله علیها) برای جامعه بانوان بهترین الگو می باشند. و نیز شایسته است متمکنین با تأسیس مراکز عام المنفعه در جهت تأمین نیازهای جامعه اسلامیمان خاطره بزرگداشت مطلع پانزدهمین قرن شهادت دخت گرامی پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله وسلم) را برای همیشه در دل ها زنده نگهدارند. از خداوند متعال مسئلت می نمائیم که در آخرت ما را از شفاعت آن شفیعه کبری و در دنیا از عنایات و تائیدات فرزند عزیزش فخر آل رسول (صلی الله علیه و آله وسلم) حضرت بقیة الله الاعظم مهدی موعود ارواح العالمین له الفداء محروم نفرماید و به همه مسلمانان توفیق حفظ ارزش های اسلامی و وحدت کلمه و تعظیم شعائر و نیروی کفر ستیزی و روحیه استقلال و استغنا از بیگانگان و جهاد با استعمارگران عطا فرماید و وطن اسلامی ما و همه سرزمین های مسلمان نشین را از شر تجاوز استکبار غرب و شرق محافظت فرماید.

بِحَقِّ سَيِّدَتِنَا فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ وَبِحَقِّ آيِبِهَا وَبَعْلِهَا وَبِنَيْهَا صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ

نهم جمادی الاولی 1411 محمدرضا الموسوی الکلیپایگانی(1)

پس از انتشار اطلاعیه یاد شده در سطح اصفهان و چاپ بخش هایی

از آن در روزنامه های اطلاعات و رسالت و جمهوری اسلامی و ابرار در روز پنجشنبه 8 آذرماه 1369 برابر 10 جمادی الاولی 1411 قمری

ص: 131

1- . نهضت فاطمیه ، ج1، ص 50 - 47 .

و مشاهده آثار و برکات آن ، نامه مفصل و جالبی تهیه شد و با امضای علماء بزرگ و مجتهدین و مدرسین حوزه علمیه اصفهان در ماه جمادی الاولی 1412 قمری به محضر آیه الله العظمی آقای گلپایگانی ارسال گردید و با اظهار تشکر از اطلاعیه مهم و تاریخی ایشان و اشاره به برکات و آثار اقدامات آن بزرگ مرجع عالیقدر تقاضا گردید که مجدداً برای تعطیلی رسمی و قانونی سالروز شهادت حضرت زهرا (سلام الله علیها) اقدام فرمایند و اینک متن آن نامه :

متن نامه مجتهدین و مدرسین اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم

محضر مبارک مرجع عالیقدر شیعه حضرت آیه الله العظمی آقای حاج سید محمد رضا گلپایگانی متع الله المسلمین بطول بقائه الشریف بعد از تقدیم مراتب تجلیل و احترام و دعا برای طول عمر و عزت و عظمت آن پیشوا و مرجع بزرگ دینی معروض می داریم : نزدیک به یک سال است که از برگزاری مراسم بزرگداشت یک هزار و چهارصدمین سال شهادت صدیقه طاهره ، حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) می گذرد و اطلاعیه بسیار مهم و تاریخی آن جناب در آن مناسبت و راهنمایی های اساسی که از آن مقام مقدس ابراز گردید و نیز پیام آن مرجع عالیقدر برای مسئولین محترم دولت جمهوری اسلامی ایران برای انجام تعطیلی رسمی به مناسبت سالگرد شهادت حضرت زهرا (سلام الله علیها) که مقامات رسمی کشور با کمال احترام و ادب پذیرا گردیدند همه و همه آثار بسیار ارزشمند معنوی و

ص: 132

تبلیغی به جای گذارده و هر چه بیشتر مکتب مقدس اهل بیت (علیهم السلام) گردیده و تاکنون چندین موسسه خیریه به نام حضرت زهرا (سلام الله علیها) تأسیس گشته و در دستگیری و کمک به نیازمندان اقدامات سودمندی تحقق یافته است و مجموعاً نه تنها پیام و رهنمودهای آن پیشوای عالیقدر موجب گردید که مراسم سوگواری ایام فاطمیه در سراسر کشور و بالخصوص شهر مذهبی اصفهان به صورت کاملایی سابقه ای انجام پذیرد بلکه آثار و برکات معنوی و ارشادی و اجتماعی آن هنوز مستمر می باشد و ادامه یافته است .

فرصت را مغتنم شمرده تقاضا می نمائیم که مجدداً در مورد تعطیلی سراسری سالروز شهادت حضرت زهرا (سلام الله علیها) برای این سال و همه سال ها اقدام فرمائید . سلامت و طول عمر و عظمت آن مرجع عالیقدر را از خداوند بزرگ خواهانیم . و السلام علیکم ورحمة الله و برکاته . (1)

چند نکته مهم دربارهٔ عزاداری بر حضرت زهرا (سلام الله علیها)

مرحوم آیه الله العظمی آقای گلپایگانی (رحمه الله علیه) نسبت به حضرت زهرا (سلام الله علیها) و عزاداری بر آن حضرت توجه و عنایت خاصی داشتند ، در این رابطه چند نکته و گفته مهم از ایشان را نقل می نمائیم :

1 : ایشان می فرمودند : گریه بر ائمه اطهار (علیهم السلام) تولی (اظهار محبت و پذیرش ولایت و سرپرستی خاندان عصمت (علیهم السلام)) است ولی

ص: 133

- گریه بر حضرت زهرا(سلام الله علیها) هم تولی است و هم تبرّی (تبری اظهار بیزارى از دشمنان خاندان عصمت و طهارت(علیهم السلام))
- 2: ایشان پس از رحلت، در عالم رؤیا فرمودند: هر چیزی که مربوط به من بوده را اگر خواستید تعطیل کنید مانعی ندارد، لکن توسل و عرض ادب به مقام والای حضرت زهرا(سلام الله علیها) را ترک نکنید.
- 3: ایشان را پس از ارتحالشان در عالم رویا دیده بودند که مشغول پذیرایی از عزاداران حضرت زهرا(سلام الله علیها) هستند و می فرمایند: خودم می خواهم عرض ادب نمایم.
- 4: در خفقان حکومت ستم شاهی، در ایام فاطمیه عدّه ای به آقا گفتند آقا روضه نگیریم که عمال حکومت سوء استفاده می کنند و به بهانه آن شما را اذیت می کنند.
- معظم له فرمودند: باید روضه مان را همچون سابق داشته باشیم. به علاوه حالا که بیچاره و گرفتار هستیم باید بیشتر و با حال بهتری مجالس اهل بیت را برگزار کنیم که شاید خدا به برکت اهل بیت(علیهم السلام) ما را از این مشکل نجات دهد!
- عرض کردند: آقا حالا که می خواهید روضه بگیرید، پس خودتان به مجلس تشریف نیاورید یا کمتر بیایید. آقا در جواب فرمودند: ما مردم را دعوت کنیم برای مجلس عزا و خودمان نیاییم اگر بلائی قرار است نازل شود ما هم با مردم هستیم؛ لذا مجلس روضه را همچون سابق برگزار کردند، و جمعیت زیادی در جلسه شرکت

کرده بودند . بعد از ظهر آن روز ساواک به منزل ایشان وارد شده و افراد دفتر را مورد ضرب و شتم قرار دادند .

بعد آمدند کنار اتاق شخصی معظم له ، شیشه اتاق را شکستند و گاز اشک آور به داخل اتاق انداختند. و به خاطر همین ، آقا و عیالشان حالشان وخیم شد و آنها را به بیمارستان منتقل کردند . جالب اینکه با اینحال آقا فردای همان روز روضه را برگزار کردند که البته افراد محدودی شرکت داشتند .

5 : در ایام بمباران که اغلب مردم شهر را ترك کرده بودند . معظم له در قم ماندند و در این مدت هیچ وقت به جای دیگری نرفتند . چون خود را در پناه اهل بیت(علیهم السلام) می دانستند . وقتی ایام فاطمیه فرا رسید ، آقا فرمودند مجلس روضه می گیریم و مجلس را برگزار کردند ، روز سوم طبق سنوات قبل ، از منزل همراه هیئت عزاداری برای عرض تسلیت به محضر حضرت معصومه(سلام الله علیها) به حرم مطهر مشرف شدند .

6: خود معظم له نقل کرده بودند : در زمان مرحوم آیه الله حاج شیخ عبد الکریم حائری بین علما صحبت بود که چه کنیم ایام عزاداری است ، و مجلس عزا نمی توانیم برگزار کنیم و مأمورین اجازه نمی دهند مجلس بگیریم .

من گفتم خانه ما بین الطلوعین مجلس عزا می گیریم و خودم هم منبر می روم و روضه می خوانم مجلس روضه را برگزار کردیم مرحوم آیت الله حاج شیخ عبد الکریم و آقا شیخ ابو القاسم کبیر و

دیگر بزرگان هم به مجلس مشرف می شدند و بنده خودم منبر می رفتم و روضه می خواندم. (1)

اقدامات آیت الله العظمی تبریزی (رحمه الله علیه)

برای دفاع از مظلومیت حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) هر کاری که بتوانیم، باید انجام دهیم

مرحوم میرزا جواد آقا تبریزی (رحمه الله علیه) به همه تکلیف می نمودند که باید از مظلومیت حضرت (سلام الله علیها) دفاع کنند، به مشکین اجازه ندهند که حرف های واهی را به جامعه القاء کنند و عوام از مؤمنین را فریب دهند. معظم له وقتی شنیدند شخصی در خصوص قضیه هجوم به خانه دختر رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) و سوزاندن درب خانه تشکیکاتی راه انداخته است، سر درس خارج فقه در مسجد اعظم، خطبه آتشی ايراد نموده و با صراحت کامل با رد گفتار منحرفین، از مظلومیت حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) دفاع نمودند، و جملات مرحوم میرزا (رحمه الله علیه) آن قدر سوزاننده بود که صدای گریه طلاب در مسجد اعظم می پیچید و ایشان با تمام وجود از بی بی (سلام الله علیها) دفاع می کردند و بارها می گفتند که: « اگر همه چیز من در راه دفاع از حضرت برود، باکی ندارم » خطبه مرحوم میرزا (رحمه الله علیه) آنچنان صریح و مؤثر بود که موجب حرکت فضلا و طلاب شد. (2)

ص: 136

1- . نوری از ملکوت، زندگانی آیت الله العظمی گلپایگانی، ص 181-180.

2- . سیره عالمانه و پندهای حکیمانه، ص 84 - 80 .

با قلبی مطمئن به سوی پروردگار سفر می کنم

فقیه مقدّس میرزای تبریزی (رحمه الله علیه) در آخرین روزهای عمر پر برکتشان به فرزندشان تأکید کردند ، من آنچه که انجام داده ام برای رضای خدا و به محبت و موَدّت اهل بیت (علیهم السلام) بوده و من بر آنچه انجام دادم یقین دارم و تا آخرین نفس از آن مواقف دفاع می کنم و با قلبی مطمئن به سوی پروردگار سفر می کنم ، هرکس که در قضایای فاطمه زهرا (سلام الله علیها) شك و تردید ایجاد نماید ، ضال و مضل می باشد و از رحمت خدا به دور است . قضایایی همچون : عصمت ، مظلومیت ، شهادت و فضایل حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) از مسلمات نزد شیعه اثنا عشری است و همین طور از ضروریات مذهب می باشد ، هرکس به هر نحوی در آن مجامله کند ، فردای قیامت مسئول است . (1)

بگذار پاهایم برای مظلومیت حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) بسوزد

فرزند فقیه مقدّس ، میرزای تبریزی (رحمه الله علیه) می گوید : حرکت مرحوم میرزا (رحمه الله علیه) با پای برهنه با جمعی از فضلا ، طلاب و مؤمنین در روز سوم جمادی الثانی ؛ یعنی روز شهادت حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) در فصل گرما واقع می شد ، گرما بسیار سوزاننده بود ، حتی يك گام برداشتن بر روی زمین با پای برهنه مشکل بود. از این رو به مرحوم والد (رحمه الله علیه) گفتم : آقا ! گرما شدید است اگر شما اذیت می شوید ، کفش بپوشید . ایشان همان طور که به سینه می زد و گریه می کرد ،

ص: 137

فرمودند: فرزندانم! بگذار پاهایم بسوزد. برای مصیبت حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) هر کاری بکنم، کم است؛ مگر این دختر رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) چه گناهی داشت که این همه ظلم را در حق او مرتکب شدند، پسر من! مگر مصیبت حضرت کم بود؟ ما در مصیبت بی بی دو عالم (سلام الله علیها) هر کاری کنیم، کم کرده ایم. می خواهم هر آنچه در توان دارم در راه حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) تلاش نمایم تا قیامت حسرت آن را نخورم». فرزندان مرحوم میرزا (رحمه الله علیه) می گوید: وقتی به خانه برگشتیم، کف پای ایشان بر اثر شدت گرمای سوزان آسیب دیده بود؛ و لکن ایشان اشک می ریخت و می فرمود: این برای مصیبت حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) کم است. ما قدر و منزلت سرور زنان عالم را نمی دانیم، او کفو امیرالمؤمنین (علیه السلام) است و اگر امیرالمؤمنین (علیه السلام) نبود، برای فاطمه کفوی پیدا نمی شد که امام صادق (علیه السلام) فرمود:

«لَوْلَا أَنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى خَلَقَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ (علیه السلام) لِفَاطِمَةَ مَا كَانَ لَهَا كُفُوٌ عَلَى ظَهْرِ الْأَرْضِ مِنْ آدَمَ وَمَنْ دُونَهُ» (1)

با این حساب مولای متقیان برای استحکام پیوند و حرمت پیامبر عزیز اسلام، وصایت اموال خویش را به عهده فرزندان فاطمه گذاشته و فرمود:

«... وَإِنِّي إِنَّمَا جَعَلْتُ الْقِيَامَ بِذَلِكَ إِلَى ابْنِي فَاطِمَةَ ابْتِغَاءَ وَجْهِ اللَّهِ وَقُرْبَةً إِلَى رَسُولِ اللَّهِ (صلی الله علیه و آله وسلم) وَتَكْرِيماً لِحُرْمَتِهِ وَتَشْرِيفاً لِرُؤُوسِهِ» (2)

ص: 138

1- . الکافی ، ج 1، ص 461، ح 10 .

2- . نهج البلاغه ، ص 358 ، نامه 24 .

با در نظر گرفتن این دو مطلب آیا باز می توان گفت : ما برای فاطمه زهرا(سلام الله علیها) کاری کرده و خدمتی به مذهب بر حق تشیع نموده ایم مذهبی که چون فاطمه(سلام الله علیها) و پدر بزرگوارش(صلی الله علیه و آله وسلم) فدایی آن هستند. (1)

انحراف چشم مرحوم میرزا (رحمه الله علیه) دلیل گریه فراوان در ایام فاطمیّه

مرحوم آیت الله العظمی میرزا جواد تبریزی(رحمه الله علیه) در ایام سوگواری حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) (ایام فاطمیّه سال 1427 هـ - ق) سخت بی تابی کرده و به شدت گریه می کردند . چون ایشان کسالت داشتند ، اطرافیان برای حال ایشان بسیار نگران بودند و می گفتند : آقا! کمی تحمل کنید ، برای حالتان خوب نیست ، کمتر بی تابی کنید ؛ ولی ایشان می فرمودند : نمی توانم ! مصائب حضرت فاطمه زهرا(سلام الله علیها) به قدری است که انسان نمی تواند خود را کنترل کند . ایشان آن قدر بی تابی می کرد که سرانجام چشم چپ ایشان از شدت فشار منحرف شد و اطرافیان به خصوص اعضای شورای استفتاء به وضوح مشاهده می کردند که مرحوم میرزا u اختیار یکی از چشمان خود را از دست داده است .

برای علاج چشم مرحوم میرزا(رحمه الله علیه)به پزشکان مختلف مراجعه شد و بعد از بررسی و معاینه ، نظر دکترها این بود که چشم هیچ عیبی

ص: 139

ندارد، و لکن به آن فشار آمده و زیاد خسته شده است باید آقا کمی استراحت کنند و از چشم خود کار نکشند. (1)

معظم له در آخرین سال عمر مبارکشان که برای معالجه به خارج از کشور رفته بودند خود را به عزای حضرت زهرا (سلام الله علیها) در فاطمیه رساندند و با آن شور و علاقه ای که داشتند با پای برهنه روی آسفالت های داغ شهر قم به عزاداری پرداختند.

اقدام آیت الله العظمی وحید خراسانی (علیه حفظه الله) برای تعطیلی سالروز شهادت حضرت زهرا (سلام الله علیها)

مرجع عالیقدر، حضرت آیت الله العظمی آقای حاج شیخ حسین وحید خراسانی (علیه حفظه الله) با توجه به موقعیت برجسته ای که در حوزه علمیه قم دارند و با عنایت به شمار بسیار زیاد شاگردان و تربیت یافتگان مکتب علمی و اجتهادیشان، برای برافراشتن پرچم بزرگداشت شهادت حضرت زهرا (سلام الله علیها) از هیچ اقدام و کوششی دریغ نفرمودند.

ایشان با مجاهدتی پیگیرانه، از رئیس محترم جمهور وقت و هیئت دولت و نمایندگان مجلس شورای اسلامی خواستند که، روز شهادت حضرت زهرا (سلام الله علیها) را به طور رسمی و قانونی، تعطیل سراسری در کشور اعلام نمایند، و در اثر فعالیت های مخلصانه و صادقانه بسیار، این آرزوی بزرگ برآورده گردید، و در هیئت دولت، و نیز در مجلس

ص: 140

شورای اسلامی، با رأی قاطع نمایندگان، روز سوم جمادی الثانیه هر سال، به عنوان سالروز شهادت حضرت فاطمه زهرا(سلام الله علیها) تعطیل رسمی اعلام گردید و از سال 1420 قمری (1378 شمسی) این مصوبه بسیار ارزشمند و تاریخی به اجرا در آمد. (1)

دسته عزاداری با پای برهنه

حضرت آیه الله العظمی وحید خراسانی(علیه حفظه الله) علاوه بر اقامه مجلس عزا در بیت شریف خود به مناسبت شهادت حضرت زهرا(سلام الله علیها) از سال 1420 قمری (1378 شمسی) در روز سوم جمادی الثانیه با پای پیاده و برهنه روی آسفالت های داغ شهر قم به سوی حرم مطهر حضرت معصومه(سلام الله علیها) حرکت می کنند و جمعیت عزادار (از علما و فضلا و عموم مردم دلسوخته) به دنبال ایشان به راه می افتند و شور عزای حضرت زهرا(سلام الله علیها) را همگانی می نمایند.

اطلاعیه ای تاریخی و هدایتگر

آیت الله العظمی وحید خراسانی(علیه حفظه الله) در جمادی الثانیه 1422 قمری اطلاعیه ای اصولی و مستدل در پنج صفحه تشریح نمودند که در قسمتی از آن وظیفه ما را معین فرموده اند. ایشان می فرمایند:

وظیفه ما در این مصیبت کبری این است که به پا خیزیم، و آنچه در توان داریم در تعظیم شعائر روز شهادت انجام دهیم، چون

ص: 141

1- . نهضت فاطیمه، ج 1، ص 69.

شهادت آن حضرت ، سند احقاق حق اول المظلومین است ، و لَمْ أَرِ مِثْلَهُ حَقّاً أُضْيَعاً (1).

آیت الله العظمی مرحوم حاج شیخ محمد فاضل لنکرانی (رحمه الله علیه)

معظم له از سال 1380 همه ساله به طور متوالی در عرض 5 سال ، پیام صادر نموده اند . در وصیت نامه خویش به آن پیام ها افتخار کرده و فرمودند : «من تلاش علمی زیادی کردم ، درس و بحث زیادی داشتم ، اما امیدم برای قیامت ، همین چند سالی است که برای حضرت فاطمه زهرا(سلام الله علیها) فریاد زدم .»

چند سال پیش از رحلت فرمودند : «احساس می کنم يك خطری برای تضعیف مقام ائمه معصومین(علیهم السلام) و حضرت زهرا(سلام الله علیها) در جریان است و باید با آن مقابله کرد . باید فاطمیه را با عظمت برگزار کنیم و عاشورای دومی بسازیم .» (2)

پیام به مناسبت ایام فاطمیه

تعظیم شعائر دینی از وظایف مردم و هیأت های مذهبی است و شما نباید خود را از این وظیفه مهم کنار کشیده و آن را فقط از وظایف مسؤلان فرهنگی بدانید .

ص: 142

1- . نهضت فاطمیه ، ج 1 ، ص 71.

2- . سینای فقاہت، ص 106 .

شکوه و حرارت این مراسم مشت محکمی است بر دهان یاوه سرایان و کسانی که سعی در القاء شبهه بین مردم ما را دارند؛ و فکر نکنید که این مطالب ضدّ وحدت است.

« وحدتی که مدّ نظر مرحوم حضرت امام است، کنار گذاشتن عقاید و آرمان های استوار تشیع و دست کشیدن از آنها نیست. حفظ وحدت آن نیست که کیان تشیع به فراموشی سپرده شود. اگر خدای ناکرده مبتلا به انحراف فکری شده و تحت عنوان حفظ وحدت از عقیده و آرمان و ولایت معصومین (علیهم السلام) و سیره آن بزرگواران دست بکشیم، تشیع را به مسلخ کشانده و از بین برده ایم.»

سکوت و بی تفاوتی در این مورد و کم توجهی به ایام فاطمیه سبب جدایی از تشیع و آرمان های مقدس آن است.

من خویش را در مقابل خدای سبحان مسؤول می بینم؛ از این رو، مطالب فوق را به عنوان اتمام حجت با شما در میان گذاشتم. (1)

ناگفته نماند علما و مراجع بزرگوار دیگری در فاطمیه نقش داشته اند که به خاطر طولانی شدن این مقاله از آن صرف نظر گردید خوانندگان عزیز جهت اطلاع به کتاب نهضت فاطمیه جلد اول مراجعه نمایند.

لازم به ذکر است که کتاب « یادواره یکهزار و چهارصدمین سال شهادت حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) » توسط استاد حوزه علمیه اصفهان و

ص: 143

1- . فاطمه (سلام الله علیها) و فاطمیه، ص 59-58. در تاریخ 1381/5/18.

بنیان گذار فاطمیه در اصفهان (و به تبع آن در شهرهای دیگر و کشورهای دنیا ،) حضرت آیت الله آقای حاج سید حجت موحد ابطحی (علیه حفظه الله) در سال 1370 شمسی فاطمیه سال 1412 قمری در 314 صفحه به زیور طبع آراسته گردیده که شامل سه بخش می باشد .

بخش اول : گزارش مراسم یکهزار و چهارصدمین سال شهادت حضرت زهرا(سلام الله علیها) در اصفهان و همچنین نمونه هایی از پوسترهایی که در آن سال چاپ شده است .

بخش دوم : ارزش شعر الهی و شعراء با ایمان از دیدگاه قرآن و اهل البیت(علیهم السلام) و به 85 نفر از شعرا بزرگ شیعه در طول تاریخ اشاره ، و سپس به مفاخر شعر و ادب فارسی و مناقب و مراثی اهل البیت(علیهم السلام) پرداخته شده و شرح حال یکصد تن از آن شعرا را ذکر نموده اند .

بخش سوم : سروده های شعرای اصفهان به مناسبت یکهزار و چهارصدمین سال شهادت حضرت زهرا(سلام الله علیها) ذکر گردیده است .

برکات فاطمیه

از برکات فاطمیه نشر کتب فراوان پیرامون آن بانوی شهیده می باشد . مرحوم محقق بزرگوار آقای اسماعیل انصاری زنجانی در کتاب نفیس « فاطمه زهرا(سلام الله علیها) در آینه کتاب » چاپ اول آن 700 جلد کتاب پیرامون حضرت معرفی نموده ، و در چاپ های دیگر در سال های بعد بر تعداد کتب ها افزوده شده که در چاپ پنجم آن که در سال 1393 شمسی در 1479 صفحه توسط انتشارات دلیل ما به زیور

طبع آراسته گردید، 3611 عنوان کتاب چاپی و خطی مستقل به 30 زبان زنده دنیا معرفی شده است. لازم به ذکر است که طبق تحقیقی کوتاه که در همین اواخر انجام شد، تا 5000 جلد کتاب را مشاهده نموده ایم که به رشته تحریر در آمده است.

ناگفته نماند مرحوم حاج شیخ اسماعیل انصاری زنجانی کتابی در زمینه شرح زندگانی حضرت صدیقه کبری (سلام الله علیها) تحت عنوان: « الموسوعة الكبرى عن فاطمة الزهراء (سلام الله علیها) »، در 25 مجلد نوشته و به چاپ رسانده اند.

سفرهای تبلیغی برای بزرگداشت فاطمیه

پس از آنکه بزرگداشت شهادت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) در سال 1411 قمری، در اصفهان به نحو گسترده و همه جانبه، و در برخی از شهرها در محدوده ای معین، انجام گرفت، و برکات و آثار دینی و معنوی آن کاملاً محسوس گردید، با جمعی از دوستان تبادل نظر و مشورت نمودیم، برای مسافرت به شهرها و استان هائی که در این زمینه فعالیت مناسب نداشته اند، و به همین جهت با چند اتومبیل سواری و با همراهی عده ای از علاقمندان، عازم مسافرت شدیم. (1)

1. مسافرت به استان های یزد و کرمان و سیستان و بلوچستان، در سال 1415 قمری / 1373 شمسی .

ص: 145

1- . نهضت فاطمیه، ج 2، ص 353 شرح این مسافرت های تبلیغی از صفحه 353 تا صفحه 434 ذکر شده است .

2. مسافرت به استان فارس ، در سال 1416ق / 1374ش .
3. سفر به کاشان ، قم ، مشهد مقدّس و ... ، در سال 1417 قمری / 1375ش .
4. سفر به شهرهای کویری و خراسان و تهران و قم در سال 1418 ق/ 1376 ش .
5. سفر به استان های قزوین ، زنجان ، آذربایجان شرقی ، اردبیل و گیلان در سال 1419 قمری / 1377 ش .
6. سفر به استان های کهگیلویه بویر احمد و چهارمحال و بختیاری و مرکزی ، در سال 1420 قمری / 1378 ش .
7. سفر به استان های لرستان و کرمانشاه و همدان در سال 1421 قمری / 1379 ش .
8. سفر به استان های مازندران ، گلستان و خراسان در سال 1422 قمری / 1380ش .
9. سفر به استان های لرستان ، کرمانشاه ، ایلام و کردستان و همدان ، در فاطمیّه 1423 قمری / 1381ش .

کاروان های عزاداری در ایّام فاطمیّه

از سال 1420 قمری ، به دنبال سفارشهای مکرّر و تأکیدات برخی از مراجع معظّم تقلید ، تصمیم گرفتیم که در ایّام فاطمیّه دوّم ، به مناسبت شهادت حضرت زهرا(سلام الله علیها) کاروان عزاداری به راه بیندازیم ، و مسیر حرکت کاروان را عمدتاً در شهرهای تهران و قم و مشهد مقدّس قرار دهیم ، زیرا گسترش و عمیق شدن برنامه های

بزرگداشت شهادت فاطمه زهرا(سلام الله علیها) در این شهرها، می تواند آثار و نتایج بسیاری را در تمامی شهرهای ایران، و سایر کشورهای جهان داشته باشد (1).

1. سال 1420 قمری / قم، تهران، سوادکوه و ساری .

در روز شهادت حضرت مردم با ولایت و دوستدار اهل البیت(علیهم السلام) و هیئت های عزاداری شهر ساری به استقبال آمده بودند، و در خیابان های شهر، با پای برهنه و سرهای بدون عمامه و بر سر و سینه زنان، عاشورای فاطمی به راه افتاد، و منطقه به لرزه در آمده بود.

2. سال 1421 قمری / قم - دهق

عزاداری در بیت آیت الله العظمی گلپایگانی بر پا شد و جمعیت عزادار با حضور علماء اعلام، بر سر و سینه زنان، بر روی آسفالت های داغ، برای تسلیت شهادت حضرت زهرا(سلام الله علیها) به محضر حضرت معصومه(علیهم السلام) به سوی حرم مطهر آن حضرت رهسپار شدیم.

با ورود در آستانه صحن مقدس، ناگاه یک انقلاب عجیبی در روح جمعیت عزادار پیدا شد، که دلیل ظاهری خاصی نداشت، گویا هیچکس اختیار خود را ندارد، شدت بر سر و سینه زدن، ضجه و ناله، اشک و سوز، استثنائی بود، بدون اختیار شعار سینه زنی عوض شد، و همه فریاد می کردند: کشتند زهراء را - امّ ابیها را و

ص: 147

1- . نهضت فاطمیه، ج 2، ص 434 .

برخی از اشخاص مورد وثوق اظهار داشتند که امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در آن مراسم عظیم در صحن حضرت معصومه (سلام الله علیها) دیده شدند .

پس از آن ، با همان پاهای برهنه و با اشک جاری و گریه و ناله به سوی مدرسه و مؤسسه الإمام المهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) رهسپار شدیم ، و به امامت آیه الله العظمی آقای حاج سید محمد باقر ابطحی (رحمه الله علیه) ، نماز ظهر و عصر را به جماعت خواندیم ، و ایشان مقداری درباره بزرگداشت شهادت حضرت زهراء سخنرانی نمودند .

3 . سال 1422 قمری / قم - تهران

در منزل حضرت آیه الله العظمی وحید خراسانی (علیه حفظه الله) عده ای از علماء و فضلاء قم ، همانند : حضرت آیه الله العظمی ، آقای حاج سید محمد باقر ابطحی (رحمه الله علیه) آوردند ، و حال و هوای عزاداری به جایی رسید که بعضی از علماء حاضر در مجلس ، عمامه از سر خود انداختند ، و دو شخصیت بزرگوار یادشده نیز ، عمامه های خود را برداشتند ، و گویا منظره تازیانه زدن به حضرت زهرا (سلام الله علیها) را می دیدند ، و صدای وا اُبتاه وا اُبتاه ، آهکذا يفعل بابتک و صفتیک را می شنیدند ، و بی اختیار خود را می زدند ، و چشم ها کاسه خون شد ، و بدن ها سرخ و عرق ریزان گردیده بود .

پس از اتمام عزاداری ، حضرت آیه الله العظمی آقای وحید خراسانی با بیاناتی بسیار شیوا ، و با خلوصی عجیب ، همراه با تجلیل از عظمت بی مانند حضرت زهرا (سلام الله علیها) برای حاضرین (که آن عزاداری مخلصانه و خاضعانه را انجام دادند) دعا نمودند ، و متواضعانه فرمودند :

ص: 148

امیدوارم به خاطر اینها (اشاره به عزاداران) خداوند به ما هم عنایتی بفرماید که همین تواضع و آداب ، نشان می دهد که چرا حضرت بقیة الله الأعظم(عجل الله تعالی فرجه الشریف) از دیر زمانی ، به ایشان عنایت داشته اند .

سپس با همان حالت عزاداری و سینه زنی ، به بیت شریف مرجع عالیقدر شیعه مرحوم آیه الله العظمی ، آقای حاج سید محمد رضا گلپایگانی(رحمه الله علیه)(که پیشگام در احیای فاطمیّه و مراسم بزرگداشت شهادت حضرت زهرا(سلام الله علیها) بودند) مشرف شدیم ، حضرت آیه الله العظمی ، آقای حاج شیخ لطف الله صافی گلپایگانی(رحمه الله علیه)و عدّه ای از علما و مدرّسین عظیم الشان حوزه علمیه و سایر طلاب و مردم نیز حضور داشتند ، و عزاداری بسیار تکان دهنده ای انجام شد ، که حضرت آیه الله صافی از شدت گریه شانه هایشان می لرزید ، و پس از پایان عزاداری توضیحاتی درباره اقدامات حیاتی مرحوم آیه الله العظمی گلپایگانی در بزرگداشت فاطمیّه(سلام الله علیها) دادم که برای همه حاضرین جالب و تکان دهنده بود، و سپس حضرت آیه الله صافی(رحمه الله علیه) با اشک جاری ، و با علاقه و محبتی زائد الوصف ، نسبت به حضرت زهرا (سلام الله علیها) از کاروان عزاداری و این همه احساسات پاک قدردانی نمودند ، و این عزاداری های پرشور را سبب استحکام بنیان های اعتقادی و دینداری ، و حفظ ارزش های اسلامی دانستند. (1)

ص: 149

در این دهه اخیر حرکت قافله عزاداری به شهرهای مختلف کشور و امامزادگان در مسیر، انجام گرفت و موجب توسعه و گسترش حرکت فاطمی گردید که در ذیل به صورت فهرست وار تقدیم شما خوانندگان عزیز می گردد:

1. سفر به کوهپایه، نائین، خورو بیابانک، طبس، مشهد، ساری، تهران و قم در سال 1433 قمری.

2. سفر به خرم آباد، شوش، دزفول، شوشتر، اهواز در سال 1434 قمری.

3. سفر به قم و تهران در سال 1435 قمری.

4. سفر به قم، گلپایگان، خوانسار و چادگان در سال 1436 قمری.

5. سفر به قم

و تهران در سال 1437 قمری.

6. سفر به قم، اقلید امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، امامزادگان در مسیر، در سال 1438 قمری.

7. سفر به قم و تهران در سال 1439 قمری.

8. سفر به شهرهای قم، ساری، مشهد و... و استان مقدس امامزادگان در مسیر، در سال 1440 قمری.

9. سفر به قم و تهران در سال 1441 قمری.

10. سفر به نراق، قم، مشهد و امامزادگان در مسیر، در سال 1442 قمری (همین امسال).

11. سفر به قم و امامزادگان مسیر، در سال 1443 قمری.

سال 1442 قمری سال کرونایی بود و ترس و اضطراب و نگرانی بر مردم حاکم بود مردم فهیم و ولایی، در شهرهای مختلف کشور، بالاخص شهر اصفهان همراهی و همدلی نموده و از جان و مال خویش سرمایه گذاشتند و نگذاشتند که عَلم عزای فاطمی روی زمین بیفتد و مرد و مردانه، فاطمی وار وارد میدان شدند و خالصانه و آنچه که در توان داشتند مجالس فاطمی را پر سوز و پر شور برگزار نمودند و در شهرهایی مانند اصفهان، مشهد، قم، کاشان و... دسته جات و قافله های عظیم عزاداری راه انداختند و آن چنان سوز و شوری در بین مردم دیده می شد که سال های قبل این چنین نبود و به جهان و جهانیان و تاریخ ثابت نمودند که همان طور که پیامبر رحمت (صلی الله علیه و آله وسلم) فرموده اند: دخترم فاطمه پناهگاه مردم است. مردم سوی این پناهگاه و کهف حصین الهی آمدند و گفتند تا پای جانمان از حضرت زهرا (سلام الله علیها) دفاع می نمایم. همانطور که حضرت زهرا (سلام الله علیها) از مظلومیت و ولایت حضرت علی (علیه السلام) دفاع نموده و در این راه، خود و فرزندشان شهید راه ولایت علوی شدند. ما مردم متدین، ولایتمدار و محبان حضرت از پا نمی نشینیم و تا آخرین لحظه از عمرمان آنچه در توان داریم در طبق اخلاص نهاده و با شور و سوز این مجالس را بر پا خواهیم نمود.

در پایان به فرازهایی از یادداشت و پیام مرجع عالیقدر شیعه حضرت آیه الله العظمی صافی گلپایگانی (رحمه الله علیه) در آستانه فرارسیدن ایام جانسوز فاطمیه (سلام الله علیها) می پردازیم :

فرازهایی از اطلاعیه آیه الله العظمی صافی گلپایگانی (رحمه الله علیه) به مناسبت ایام جانسوز فاطمیه 1442 ق

در میان اهل بیت (علیهم السلام)، حضرت زهرا (سلام الله علیها) یک محوریت خاصی دارند؛ ملاحظه کنید وقتی اهل بیت (علیهم السلام) معرفی می شوند ایشان در صدر هستند؛ «هُم فَاطِمَةٌ وَأَبُوهَا وَبَعْلُهَا وَبَنُوهَا»

آن حضرت در بین اهل بیت (علیهم السلام)، مقام و عظمت خاصی دارند که همه ائمه (علیهم السلام) به وجود ایشان افتخار می کنند. در واقع، آن وجود مقدس برای همه اهل بیت (علیهم السلام) حجت است، یعنی برای حقانیت خودشان و برای بطلان غاصبین و ستمگران به وجود آن بزرگوار احتجاج می کنند. همه اهل بیت (علیهم السلام) حجتند، ولی حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) از این جهات، حجیتش از همه بیشتر است.

گرامی داشت فاطمیه و مواضع فاطمه، سیره فاطمه، زهد فاطمه، عبادت فاطمه، علم و حکمت فاطمه باید همیشه جزء برنامه ها باشد و در سخنرانی ها، تألیفات و در هر فرصت مناسب باید آن را بازگو کرد.

باید مصایبی که بر آن حضرت وارد شده است و آن قدر فاش و آشکار است که حتی در مثل کتاب النهایة ابن اثیر - با این که سنّی است و کتابش لغت است - به مناسبت از اشاره به این مصائب پس از رحلت رسول الله (صلی الله علیه و آله وسلم) نتوانسته خودداری کند و آنها را برای همه بازگو می کند.

باید در این فاطمیه ها ، شخصیت ملکوتی آن حضرت تجلیل و تعظیم شود و همه مردم در این ایام ، ارادت و مودت خود را به یگانه بانوی اسلام دخت گرامی پیامبر رحمت حضرت فاطمه زهرا(سلام الله علیها) اثبات نمایند . امروز ما به تاسی به آن حضرت احتیاج داریم .

فاطمیه يك تاريخ است ، فاطمیه یعنی فریاد بر سر ظالمان ، فاطمیه یعنی جهاد برای پیروزی حق بر باطل ، و بالاخره فاطمیه یعنی روز حکومت جهانی و الهی حضرت مهدی(عجل الله تعالی فرجه الشریف) .

آری ! فاطمیه عاشوراست ، فاطمیه شب قدر است ، فاطمیه غدیر و نیمه شعبان است و فاطمیه یعنی روز پیروزی نور بر ظلمت .

باید با بدعت ها ، با بیگانه گرایی ها ، با نابسامانی ها ، با گناه ، با شیوع مناهی و ملامتی ، با فساد ، با جهل و ضلالت مبارزه نمود .

مکتب اهل بیت(علیهم السلام) ، مکتب معرفت ، مکتب علم و بیداری ، مکتب آگاهی و عدالت و برابری و رشد عقلی و اندیشه های نورانی است که همه باید آن را در این فرصت ها بازگو کنیم و همه باید قدردان مجالس نورانی فاطمی باشیم و از برکات آن کمال استفاده را نموده و مهمترین وظیفه خود را دعا با تضرع و انابه به درگاه خداوند متعال برای تعجیل در فرج موفور السرور فرزند عزیز فاطمه ، حضرت مهدی(عجل الله تعالی فرجه الشریف) قرار دهیم ؛ اللهم عجل فرجه الشریف و اجعلنا من أعوانه و أنصاره و المستشهدین بین یدیه .»(1) (7)

(/10/1399

ص: 153

قرآن مجید

نهج البلاغه

الاختصاص، مفید، محمد بن محمد، محقق / مصحح: غفاری، علی اکبر و محرمی زرنندی، محمود، ناشر: المؤتمر العالمی لالفیة الشیخ المفید، قم، چاپ اول، 1413 ق.

ادب الطف، شبر، جواد، انتشارات دارالمرتضی، بیروت، 1409 ق.

اسرار آل محمد، ترجمه کتاب سلیم بن قیس، هلالی، سلیم بن قیس، مترجم: انصاری زنجانی خوینی، اسماعیل، نشر الهادی، قم، چاپ اول، 1416 ق.

امالی صدوق، ابن بابویه، محمد بن علی، ناشر: کتابچی، تهران، چاپ ششم، 1376 ش.

امالی، طوسی، محمد بن الحسن، محقق / مصحح: مؤسسة البعثة، ناشر: دارالثقافة، قم، چاپ اول، 1414 ق.

امواج البكاء، بسطامی، ملانوروز علی، تحقیق و اضافات: مجتبی خورشیدی، انتشارات طوبای محبت، چاپ دوم، 1392.

انوارالشهادة، یزدی، محمدحسن بن علی، انتشارات حق بین، چاپ اول، زمستان 1374.

آیین های دینی - شیعی، بین سال های 313 تا 665 قمری، جعفری، محمدرضا، مترجم: محمدی، حسین، نشر تک، تهران، چاپ اول، 1397.

ص: 154

بحار الانوار، مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، ناشر: دار إحياء التراث العربي، بيروت، چاپ دوم، 1403 ق.

بشارة المصطفى لشيعة المرتضى (عليه السلام)، طبري آملی، عماد الدين أبي جعفر محمد بن أبي القاسم، ناشر: المكتبة الحيدرية، نجف، چاپ دوم، 1383 ق.

بيت الاحزان، قمی، شيخ عباس، مترجم: محمدی اشتهااردی، محمد، انتشارات ناصر، قم، چاپخانه دفتر تبلیغات اسلامی قم.

تاریخ اسلام، ذهبی، محمد بن احمد، محقق: تدمری، عمر عبدالسلام، دار الكتاب العربي - بيروت - لبنان، 1409 ق.

تاریخ بغداد، الخطیب البغدادی، أبي بكر أحمد بن علی، دراسة و تحقیق مصطفى عبد القادر عطا الجزء الاول دار الكتب العلمية بيروت - لبنان.

تاریخ دمشق، ابن عساکر، أبي القاسم علی بن الحسن ابن هبة الله بن عبد الله الشافعی، تحقیق: علی شیری، الناشر: دار الفكر للطباعة والنشر والتوزيع.

تثبیت دلائل النبوه، القاضی عبد الجبار معتزلی بن أحمد بن عبد الجبار الهمذانی الأسد أبادی، أبو الحسين، الناشر: دار المصطفى - شبرا- القاهرة.

ترجمه امالی صدوق، كمره ای، ابن بابویه، محمد بن علی، مترجم: كمره ای، محمد باقر، ناشر: کتابچی، تهران، چاپ ششم، 1376 .

تنقیح المقال فی علم الرجال علامه مامقانی، چاپ سنگی .

تنقيح المقال في علم الرجال، علامه مامقانی، چاپ موسسه آل البيت (عليهم السلام).

تهذيب الاحكام، طوسی، ابوجعفر، محمد بن حسن، دارالکتب الاسلاميه، تهران چاپ چهارم، 1407ق.

جَنَّةُ الْعاصِمَةِ، ميرجهانی طباطبائی، علامه سيّد محمد حسن، تصحيح و تحقيق: فدوى اردستاني، حامد، ناشر: نسيم كوثر، چاپ دوم، 1391.

چالش ها و تعاملات ايران در نيمه نخست قرن بيستم، كوهستاني نژاد، مسعود، انتشارات: اداره نشر وزارت امور خارجه، چاپ اول، 1384.

دانستنی های فاطمی، غزالی، علی، انتشارات عطر عترت، چاپ اول، 139 ش.

دلایل الإمامة، طبری آملی صغیر، محمد بن جریر بن رستم، محقق / مصحح: قسم الدراسات الإسلامية مؤسسة البعثة، ناشر: بعثت، قم، چاپ اول، 1413 ق.

ديوان، ابن عُنَيْن، شرف الدين أبي المحاسن محمد بن نصر المشهور بابن عُنَيْن الأنصاري الدمشقي، نشر دارصادر، بيروت.

روضه الشهداء، واعظ كاشفی، ملاحسين،

روضه الواعظین، فتال نیشابوری، محمد بن احمد، ناشر: انتشارات رضی، قم، چاپ اول، 1375 ش.

روضه المتقين، مجلسی، محمد تقی بن مقصود علی، محقق / مصحح: موسوی کرمانی، حسین و اشتهااردی علی پناه، ناشر: مؤسسه فرهنگی اسلامی کوشانبور، قم، چاپ دوم، 1406 ق.

رياض القدس، واعظ قزوینی، صدرالدین، انتشارات اسلامیه.

ریاحین الشریعه ، در ترجمه دانشمندان بانوان شیعه، محلاتی، ذبیح الله، انتشارات دارالکتب اسلامیة، تهران، چاپ اول، 1382.

زندگانی فاطمه زهرا(سلام الله علیها)، شهیدی، سیدجعفر، قم، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ نوزدهم، 1373.

زندگانی حضرت امام جعفر صادق (علیه السلام) (ترجمه جلد 47 بحار الأنوار)، مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، مترجم: خسروی، موسی، ناشر: اسلامیة، تهران، چاپ دوم، 1398 ق.

زندگانی حضرت زهرا (سلام الله علیها) (ترجمه جلد 43 بحار الأنوار) / ترجمه نجفی، مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، مترجم: روحانی علی آبادی، محمد، انتشارات مهام، تهران، چاپ اول، 1379 ش.

سرگذشت زندگانی من ، (خاطرات شیخ ابراهیم زنجانی)، میرزا صالح، غلامحسین، انتشارات کویر، چاپ سوم، 1393.

سفینه البحار، قمی، عباس، ناشر: اسوه، قم، چاپ اول، 1414 ق.

سیره عالمانه و پندهای حکیمانہ، تبریزی، جعفر، نشر دارالصدیقة الشہیده(سلام الله علیها)، قم، 1390.

سینای فقاہت، حیات طیبه مرجع عظیم الشان جهان تشیع حضرت آیت الله العظمی محمد فاضل لنکرانی، فاطمی موحد، حسن، انتشارات مرکز فقهی ائمه اطهار(علیهم السلام)، چاپ اول، 1387.

شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، عبد الحمید بن هبة الله، محقق / مصحح: ابراهیم، محمد ابوالفضل، ناشر: مكتبة آية الله المرعشی النجفی، قم، چاپ اول، 1404 ق.

طرف من الانباء والمناقب، ابن طاووس، علی بن موسی، محقق / مصحح: عطار، قیس، ناشر: تاسوعا، مشهد، چاپ اول، 1420 ق.

علل الشرايع، ابن بابويه، محمد بن علی، ناشر: کتاب فروشی داوری، قم، چاپ اول، 1385 ش / 1966 م.

عنوان الکلام، فشارکی، محمدباقر، بن محمدجعفر، انتشارات کتابفروشی اسلامیة، تهران، 1377.

عوالم العلوم، بحرانی اصفهانی، عبد الله بن نور الله، محقق / مصحح: موحدابطحي اصفهانی، محمد باقر، ناشر: مؤسسة الإمام المهدي (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، قم، چاپ دوم، 1382 ش.

عوالی اللتالی، احسائی، محمد بن علی، دارسیدالشهدا (علیه السلام) للنشر، قم، چاپ اول، 1404 ق.

فاطمة الزهرا (سلام الله علیها) من المهد الى اللحد، قزوینی، سید محمد کاظم، نشر مرتضی، قم، چاپ پنجم، 1384.

فاطمه زهرا (سلام الله علیها) شادمانی دل پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم)، رحمانی همدانی، احمد، مترجم: افتخارزاده سبزواری، سید حسن، انتشارات بدر، چاپ چهارم، بهار 1381.

فاطمه (سلام الله علیها)

و فاطمیه، (پیام ها و سخنان مرجع عالیقدر آیت الله العظمی محمد فاضل لنکرانی)، مرکز فقهی ائمه اطهار (علیهم السلام)، چاپ چهارم، 1392.

الفصول المهمة، شیخ حر عاملی، محمد بن حسن، محقق / مصحح: القائینی، محمد بن محمد الحسین، ناشر: موسسه معارف اسلامی امام رضا (علیه السلام)، قم، چاپ اول، 1418 ق / 1376 ش.

ص: 158

الفضائل ، ابن شاذان قمی، أبو الفضل شاذان بن جبرئیل، ناشر: رضی، قم، چاپ دوم، 1363 ش.

الكافی، كلینی، محمد بن یعقوب، محقق / مصحح: غفاری علی اكبر و آخوندی،

محمد، ناشر: دار الكتب الإسلامية، تهران، چاپ چهارم، 1407 ق.

الكامل فی التاريخ ، ابن اثیر، ابوالحسن علی بن محمد بن محمد بن عبدالکریم شیبانی جزری، معروف به ابن اثیر، ترجمه: عباس خلیلی ، ناشر: دار صادر، بیروت، چاپ اول، 1385 ق.

کتاب سلیم بن قیس الهلالی، هلالی، سلیم بن قیس، ناشر: الهادی، قم، چاپ اول، 1405 ق.

کشف الغمة، اربلی، علی بن عیسی، محقق / مصحح: رسولی محلاتی، سید هاشم، ناشر: بنی هاشمی، تبریز، چاپ اول، 1381 ق.

کفایة الاثر، خزاز رازی، علی بن محمد، محقق / مصحح: حسینی کوه کمری، عبد اللطیف، ناشر: بیدار، قم، 1401 ق.

کوکب دری،

کامل الزیارات، ابن قولویه، جعفر بن محمد، محقق / مصحح: امینی، عبد الحسین، ناشر: دار المرتضویة، نجف اشرف، چاپ اول، 1356 ش.

کامل بهائی، طبرسی، حسن بن علی، انتشارات مرتضوی، تهران، چاپ اول،

1383.

لسان المیزان، ابن حجر العسقلانی المحقق: عبد الفتاح أبو غدة، الناشر: دارالبشائر الإسلامية ، الطبعة الأولى، 2002 م.

ص: 159

مجمع الاداب، ابن فوطى، عبدالرزاق، بن احمد، انتشارات وزارت فرهنگ ارشاد اسلامى.

المزار الكبير، ابن مشهدى، محمد بن جعفر، محقق / مصحح: قیومی اصفهانی، جواد، ناشر: دفتر انتشارات اسلامى وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم، چاپ اول، 1419 ق.

الموسوعة الكبرى، انصارى زنجانى خونینى، اسماعیل، ناشر: دلیل ما، قم، چاپ اول، 1428 ق.

موسوعة طبقات الفقهاء، سبحانى، جعفر، موسسه امام صادق(عليه السلام)، قم، 1418 ق.

نواب الدهور فى علائم الظهور، میرجهانى طباطبایى، سیدمحمد حسن، انتشارات کتابخانه صدر، چاپ دوم، 1369.

نورى از ملكوت، زندگانی آیت الله العظمی گلپایگانی، لطفی، مهدى، انتشارات دفتر نشر برگزیده، چاپ اول، 1381.

نهضت فاطمیه، موحد ابطحى، آیت الله سیدحجت، انتشارات حبل المتین، قم، چاپ اول، 1382.

وسائل الشیعه، شیخ حرعاملى، محمدبن حسن، محقق/مصحح: مؤسسه آل البيت(عليهم السلام)، ناشر: مؤسسه آل البيت(عليهم السلام) قم، چاپ اول، 1409 ق.

وفاة فاطمة الزهرا(سلام الله علیها)، مقرم، سیدعبدالرزاق، ط حیدریه نجف.

الهجوم على بيت فاطمه(سلام الله علیها)، عبدالزهرا، مهدى.

الهدایة الكبرى، خصیبی، حسین بن همدان، ناشر: البلاغ، بیروت، 1419 ق.

سایت اجتهاد مقاله آفای پوسانی .

بسمه تعالی

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ

با اموال و جان های خود، در راه خدا جهاد نمایید، این برای شما بهتر است اگر بدانید.

(توبه : 41)

چند سالی است که مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه موفق به تولید نرم‌افزارهای تلفن همراه، کتاب‌خانه‌های دیجیتالی و عرضه آن به صورت رایگان شده است. این مرکز کاملاً مردمی بوده و با هدایا و نذورات و موقوفات و تخصیص سهم مبارك امام علیه السلام پشتیبانی می‌شود. برای خدمت‌رسانی بیشتر شما هم می‌توانید در هر کجا که هستید به جمع افراد خیراندیش مرکز پیوندید.

آیا می‌دانید هر پولی لایق خرج شدن در راه اهل بیت علیهم السلام نیست؟

و هر شخصی این توفیق را نخواهد داشت؟

به شما تبریک می‌گوییم.

شماره کارت :

6104-3388-0008-7732

شماره حساب بانک ملت :

9586839652

شماره حساب شبا :

IR390120020000009586839652

به نام : (موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه)

مبالغ هدیه خود را واریز نمایید.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

